صبح صادق
هفته‌نامه داخلی
سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
ssweekly.ir
دوشنبه اول مهر ۱۳۹۸
۲۳ محرم ۱۴۴۱
سال نوزدهم شماره ۹۱۴
۱۲ صفحه

حمله پهپادی به آرامکو
پیامدها و سناریوهای پیش رو

قدرت‌یابی انصارالله ادامه دارد

صفحه۴

سرلشکر محسن رضایی فرمانده سپاه در دوران دفاع مقدس
در گفت‌وگوی اختصاصی با صبح صادق

مدیریت انقلابی گمشده امروز کشور است

صفحه۱۱

حاشیه‌ای از دیدار موکب‌داران عراقی با امام خامنه‌ای

شما پرچم را به امام زمان(ع) خواهید داد

صفحه۱۲

پرونده

گام دوم
بررسی بیانیه امام خامنه‌ای درباره دستاوردها و چشم‌انداز انقلاب اسلامی مردم ایران

گفت‌وگوی صبح صادق با «حجت‌الاسلام دکتر شجاعی» درباره الزامات و راهکارهای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب

گام دوم با نهادسازی انقلابی محقق می‌شود

پاسخ‌های «دکتر ملکوتیان» به پرسش‌های صبح صادق درباره چیستی «نظام انقلابی» و چرایی طرح آن از سوی رهبر معظم انقلاب

پادزهری برای مقابله با مهار انقلاب‌های مردمی

صفحات ۶ و ۷

سرمقاله

ترفند مذاکره

دکتر یدالله جوانی
مدیر مسئول

تعامل، گفت‌وگو و مذاکره، یک اصل و روش معقول و تجربه شده در روابط بین‌الملل، برای تأمین منافع و حل منازعات است. این اصل و شیوه معمول برای تأمین منافع ملی، در سیاست خارجی جمهوری اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ اما در این میان، جمهوری اسلامی به دلایل گوناگون، مذاکره با آمریکا را استثنا کرده، آن را نه تنها مفید و تأمین‌کننده منافع ملی نمی‌داند، بلکه خسارت‌بار ارزیابی می‌کند.

منطق این استثنا چیست؟ چرا نباید با آمریکا مذاکره کرد؟ مگر آمریکایی‌ها با دیگران چه تفاوت‌هایی دارند؟ واقعیت این است که مذاکره، مقدمه رابطه و تعامل با هدف تأمین منافع برای طرفین است. سؤال این است که طرفین در این بحث، یعنی ایران و آمریکا چه ویژگی‌هایی دارند که جمهوری اسلامی مذاکره با آمریکا را برنمی‌تابد؟ پاسخ همه این پرسش‌ها، در عباراتی کوتاه، ولی پرمعنا و به یادگار مانده از رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی(ره) وجود دارد؛ عبارت‌هایی از قبیل، ما رابطه با آمریکا را می‌خواهیم چه بکنیم؟ این رابطه، رابطه ظالم و مظلوم و رابطه گرگ و میش است. بر همین مبنای شناختی بود که رهبر معظم انقلاب اسلامی چند سال پیش فرمودند که ملت ایران اهل گفت‌وگو و مذاکره است؛ اما نه با آمریکا! حکمت استثنا کردن آمریکا از مذاکره، همان منطق حضرت امام(ره) است. برای عده‌ای این استثنا کردن قابل فهم نبود و در نهایت با تصور تأمین منافع ملی از طریق مذاکره با آمریکا، برجام را پدید آوردند. در حالی که حامیان برجام در انتظار رشد هشت درصدی اقتصاد کشور با رفع تحریم‌ها و ورود سرمایه شرکت‌های اروپایی بودند، آقای «اوباما» رئیس‌جمهور وقت آمریکا، با صراحت هرچه تمام گفت، ایران هنگامی از منافع اقتصادی برجام بهره خواهد برد که به «روح برجام» عمل کند. وی تغییر سیاست و رفتار ایران در همه حوزه‌ها از قبیل هسته‌ای، موشکی، منطقه‌ای و حقوق بشر را از مصادیق عمل به روح برجام برشمرد. با اندک تأملی در همین نگاه اوباما، یعنی کسی که دولتش برجام را امضا کرده بود، تفاوت آمریکا با دیگر کشورها قابل فهم بود. آمریکا یعنی کشوری که نظام سیاسی‌اش خلق و خوی استکباری و زیاده‌خواهی دارد. آنها قصد داشتند برجام را به وسیله‌ای برای سلطه بر جمهوری اسلامی تبدیل کنند؛ اما رهبر حکیم انقلاب اسلامی فرمودند: «ما در هیچ موضوعی به جز هسته‌ای با آمریکا مذاکره نخواهیم کرد.» به اعتقاد نگارنده، اجازه معظم‌له برای مذاکره هسته‌ای هم برای این بود که مسئولان و مردم شناخت بهتری نسبت به آمریکا پیدا کرده و از این تصور که از طریق مذاکره با آمریکا می‌توان مشکلات کشور را حل کرد، فاصله بگیرند. بعد از اوباما، آقای ترامپ آمد و مبتنی بر یک تحلیل غلط از شرایط ایران، آمریکا را از برجام خارج کرد تا به زعم خود، برجام یا برجام‌هایی بهتر و دیگری را در راستای اهداف ایالات متحده، با وارد کردن «فشار حداکثری» به جمهوری اسلامی تحمیل کند. تصور تیم ترامپ آن بود که با تشدید فشارها بر جمهوری اسلامی، ایران به مذاکره و دادن امتیاز به آمریکا تن خواهد داد. این تیم به قدری به نتیجه‌بخش بودن سیاست فشار حداکثری اطمینان داشت که آقای پمپئو، وزیر خارجه ایالات متحده خواسته‌های دوازده‌گانه را مطرح کرد و تنها راه کاهش تحریم‌ها و برداشتن فشارها از روی اقتصاد ایران را پذیرش این دوازده خواسته از سوی جمهوری اسلامی اعلام کرد.

ناگفته نماند که این دوازده خواسته، در واقع همان تفسیر «روح برجام» مورد نظر اوباما، رئیس‌جمهور سابق آمریکاست. اکنون بیش از یک سال از خروج آمریکا از برجام و اعمال سیاست فشار حداکثری بر ایران می‌گذرد؛ اما نه تنها جمهوری اسلامی به خواسته‌های آمریکا تن نداده، بلکه در مسیر کنار گذاشتن محدودیت‌های پذیرفته شده طبق برجام در برنامه هسته‌ای به حرکت درآمده است. در پیش گرفتن چنین سیاستی از سوی ایران، خارج از محاسبات آمریکایی‌ها بود.

ادامه در صفحه۲

فرمانده کل سپاه

در صورت تهاجم تا فروپاشی مهاجم از پای نخواهیم نشست

سرلشکر حسین سلامی، فرمانده کل سپاه در مراسم افتتاح نمایشگاه شکار کرکس‌ها در باغ‌موزه دفاع مقدس اظهار داشت: «بی‌تردید هیچ جامعه و کشوری از تاریخ و گذشته خود جدا نمی‌شود و حیات هر لحظه هر جامعه امتدادی از میراث تاریخی آن است.»

فرمانده کل سپاه با بیان اینکه اگر یک ملت بتواند در ابتدای یک نهضت بر اتحاد قدرت‌های عالم غلبه کند، بسیار شگفت‌انگیز است، اظهار داشت: «انقلاب تولدی نوین برای ملت ایران بود و در آغاز آن همه قدرت‌ها متحد شدند تا این ملت را تسلیم کنند و دوباره به تاریخ و سرنوشت ما برگردند». وی ادامه داد: «اما همه چیز دقیقاً متضاد و برعکس اراده جهانی اتفاق افتاد. اراده این ملت بر اراده یک جهان به هم پیوسته از قدرت‌های بزرگ غلبه کرد و آنها را شکست داد.»

سرلشکر سلامی تصریح کرد: «این دفاع هنوز هم در اشکال دیگری ادامه دارد. امروز پیشانی جنگی انقلاب ما را ببینید، نبرد در کرخه و کارون کجا و نبرد در ساحل مدیترانه و فرات و شمال دریای سرخ کجا.»

فرمانده کل سپاه گفت: «افق‌های وسیعی فرا روی ما قرار دارد. قرار بود بر اساس راهبرد و سیاست دشمنان ما از نظر سیاسی در دنیا منزوی بشویم و میدان جاذبه انقلاب محو شود و آماده تسلیم شویم و پیشرفت نکنیم.»

سرلشکر سلامی افزود: «قدرت و عظمت ما از درون میدان‌های سخت مبارزه گذشته است. هرکجا دشمن تهدید کرده ما قدرتمند شده‌ایم و هرکجا کمتر تهدید کرده است، کمتر پیشرفت کرده‌ایم. هرچه دشمن تدبیر کرد برای ما تبدیل به واقعیت شیرین و دل‌انگیز شد.»

فرمانده کل سپاه تأکید کرد: «جنگ به ما فرمول غلبه را با مدل اسلامی و ایرانی آموخت. تحریم به ما آموخت چگونه برد و دقت سلاح‌ها را بر مبنای شکست دشمنان تنظیم کنیم.» وی تصریح کرد: «ما امروز جنگ‌های تدارکاتی خود را انجام داده‌ایم و مهیای هر سناریویی هستیم. حکمت و قدرت تدبیر مرکزی نظام در کنار نبود فلسفه پیروزی بخش برای دشمن ما را در این موقعیت قرار داده است.»

سرلشکر سلامی با تأکید بر اینکه اراده ما در پاسخ به هر تهدیدی قطعی است و ما پاسخ می‌دهیم، گفت: «هرکس می‌خواهد سرزمینش میدان اصلی جنگ شود، بسم‌الله. هرگز اجازه نمی‌دهیم جنگی به سرزمین ایران کشیده شود و ما تا آخر ادامه می‌دهیم؛ چرا که تهاجم محدود، محدود نخواهد ماند و تا فروپاشی مهاجم از پای نخواهیم نشست و نقطه امنی باقی نخواهیم گذاشت و حساب کار دست‌تان باشد.»

یادداشت

در تاریکی قبل از فروپاشی!

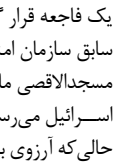

هادی محمدی
تحلیلگر ارشد بین‌الملل

دومین انتخابات پارلمانی رژیم صهیونیستی به دلیل ناکامی نتانیاهو در تشکیل کابینه ائتلافی در فروردین ۱۳۹۸ موجب شد تا جامعه صهیونیستی با کنش انتخاباتی خود یک پارادوکس امنیتی را نشان دهد. لیکود به رهبری نتانیاهو با تمامی کمک‌های ویژه ترامپ و اقدامات نمایشی نظامی در لبنان، سوریه و عراق، نتوانست در مقابل حزب ژنرال‌ها(آبی و سفید) به اکثریت دست یابد و ۳۲ کرسی در مقابل ۳۳ کرسی از ژنرال بنی‌گانتس بازنده شد. ترکیب اصلی دسته‌بندی‌های انتخاباتی این است که ائتلاف راستگراها به رهبری نتانیاهو در مجموع ۵۵ کرسی، ائتلاف لیبرال‌ها و میانه‌روها، در مجموع ۴۶ کرسی و تجمع عربی با ۱۲ کرسی و لیبرمن که یک ترامپ کوچک و در رؤیای قدرت است با ۸ کرسی قرار گرفته‌اند. حاصل این خط‌کشی انتخاباتی این است که لیبرمن به هیچ‌وجه در کنار نتانیاهو قرار نمی‌گیرد و آن را به صراحت بیان کرده و از طرف دیگر در ائتلاف کابینه احتمالی با تجمع عربی هم قرار ندارد.

نتانیاهو بر سر دو راهی زندان یا نخست‌وزیری است. گانتس نیز پیشنهاد او برای ائتلاف حکومتی را رد کرده و شانس نخست‌وزیری شراکتی را به او نمی‌دهد. در عین حال این پراکندگی و خرد شدن آرا، تنها به دشوار شدن احتمال تشکیل ائتلاف حکومتی دلالت ندارد و در بهترین شرایط لیکود و حزب آبی و سفید اگر در کنار هم قرار گیرند، سرنوشت سیاسی نتانیاهو با ابهام روبه‌روست؛ چرا که او نماد افراطی‌گری در میان چهره‌های سیاسی رژیم صهیونیستی است و گانتس و حزب ژنرال‌ها هم نماد اعتدال هستند. لیبرمن نیز یک تاجر کوچک و ماجراجوست که برای مشارکت در قدرت هر کاری می‌کند. این سه گونه حزبی صهیونیسم را یک اندیشه و آرمان می‌دانند؛ اما یک واقعیت دیگر در پس شرایط فعلی ژریم صهیونیستی است که حتی ضرورت احتمالی اجرای دور سوم انتخابات را نیز مطرح می‌کند.

نکته اصلی در بحران حاکمیتی رژیم صهیونیستی این است که اساساً مقوله امنیت از ابتدای تشکیل این رژیم، به عنوان اصلی‌ترین اولویت حاکمیتی و ساختاری مطرح بوده و تمامی مقامات چپ و راست و میانه برای این مفهوم تلاش کرده‌اند. تقریباً از اواخر دهه هشتاد میلادی که جریان چپ اسرائیلی با ریزش پایگاه اجتماعی روبه‌رو و بحث مذاکرات سازش به شکل پنهانی آغاز شد، جریان راستگرای صهیونیستی قدرت را به شکل انحصاری در دست داشته و عموماً با سیاست‌های افراطی و جنجالی، فضای کلی جامعه صهیونیستی را دچار اضطراب و پریشانی کرده است. همچنین این تصور را دارد که با مشت آهنین و نفی مطلق حقوق فلسطینی، قادر است این رژیم را به سرانجام آرمانی خود برساند. امروز نه تنها نخبگان و به ویژه نظامیان، که معمولاً از قواعد منطقی بیشتری پیروی می‌کنند، بلکه جامعه صهیونیستی نیز از رویکردهای افراطی راستگراها نگران است؛ یعنی از یک‌سو به دنبال امنیت هستند و از سوی دیگر حاصل افراطی‌گری را، شتاب به سوی فروپاشی می‌دانند؛ چرا که هزینه‌های این رژیم و جامعه صهیونیستی را افزایش داده و بر امنیت آنها اضافه نکرده‌اند. افرائیم هلیوی، رئیس سابق سازمان موساد می‌گوید: «ما در آستانه یک فاجعه قرار گرفته‌ایم و آن تاریکی قبل از فروپاشی است.» کاری گیلون، رئیس سابق سازمان امنیت داخلی اسرائیل نیز می‌گوید: «ادامه سیاست‌های افراطی علیه مسجدالاقصی ما را به جنگ یأجوج و مأجوج علیه مردم می‌برد و نهایتاً[به] نابودی اسرائیل می‌رساند.» حتی نتانیاهو در سال ۲۰۱۷ در سالگرد تأسیس این رژیم در حالی‌که آرزوی برگزاری جشن صد سالگی را داشت، گفت تاریخ به ما نشان می‌دهد که دولت اسرائیل عمری بیش از ۸۰ سال ندارد!

حتی اگر رژیم صهیونیستی از بحران انتخاباتی خود خارج شود، باز هم شکاف اجتماعی، نخبگی و ساختاری این رژیم (امنیت و ماندگاری) هیچ پاسخ روشنی ندارد. در رژیم صهیونیستی چه گانتس چه نتانیاهو به نخست‌وزیری برسد، تفاوتی نمی‌کند و پارادوکس امنیت و موجودیت به عنوان کابوس دائمی و مبنای شکاف بشتر در جامعه صهیونیستی باقی خواهد ماند.

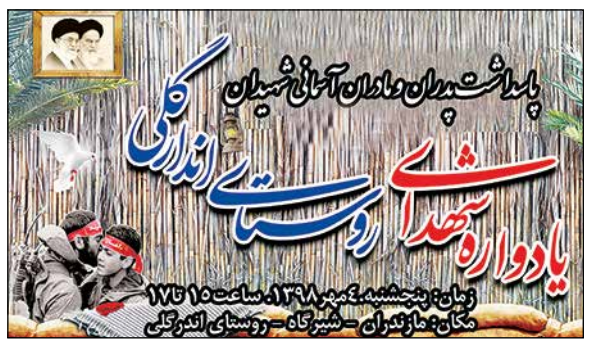

جناب آقای غلامحسن رشوند

با نهایت تأسف و تأثر ضایعه درگذشت والده گرامی‌تان را به جناب‌عالی و خانواده محترم‌تان تسلیت عرض کرده و از خداوند منان برای آن مرحومه غفران الهی و برای شما و بازماندگان صبر و اجر مسئلت می‌کنیم.

دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی معظم کل قوا

جناب آقای غلامحسن رشوند

با تأسف و تأثر فراوان درگذشت مادر گرامی‌تان را به جناب‌عالی و خانواده محترم‌تان تسلیت عرض کرده و از خداوند منان برای آن مرحومه رحمت و مغفرت و برای شما و بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌کنیم.

معاونت سیاسی سپاه و هفته‌نامه صبح صادق

برادر پاسدار رضا فدایی
مسئول محترم سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه استان گلستان

با نهایت تأسف و تأثر ضایعه درگذشت پدر گرامی‌تان را به جناب‌عالی و خانواده محترم‌تان تسلیت عرض کرده و از خداوند منان برای آن مرحوم غفران الهی و برای شما و بازماندگان صبر و اجر مسئلت می‌کنیم.

معاونت سیاسی سپاه

صبح صادق

دشمن انقلاب اسلامی شکست را پذیرفته است

«حجت‌الاسلام غلامحسین محسنی‌اژه‌ای» با بیان اینکه دشمن حیران و سرگردان است؛ اما کشور برنامه روشنی دارد و منسجم‌تر از قبل است؛ تا جایی که دشمن امروز باور کرده در همه جبهه‌ها شکست خورده است افزود: «با این وجود متأسفانه برخی افراد ناآگاه یا آگاه در مسیر دشمن حرکت می‌کنند؛ باید با این افراد قاطعانه برخورد کرد.»

یادداشت

امتناع سیاست‌ورزی به سبک اصلاح‌طلبان

مهدی سعیدی
کارشناس سیاسی

احوالات سیاست امروز چندان خوش نیست. عملکرد ضعیف دولتمردان حاکم بر دستگاه اجرایی و سیاست‌ورزان رسمی و رقابت‌های سیاسی تقلیل یافته به منافع جناحی! کار را به جایی کشانده که دل و دماغ توده‌ها برای مشارکت سیاسی کمرنگ شده است. شرایط به وجود آمده موجب شده برخی مدعیان نظریه‌پردازی یک جریان خاص باز هم میدان‌دار شوند و تلاش کنند تا به اذهان عمومی خط‌دهی کنند و برای شرایط موجود علل را فراهم آورند و احیاناً دارویی تجویز کنند! آخرین نوشتار در این زمینه اختصاص به سعید حجاریان دارد که در پاسخ به نوشتار دیگری از علیرضا علوی‌تبار تدوین شده و از «امکان و امتناع سیاست‌ورزی در ایران» سخن گفته است. در این میان پرسش اساسی این است که چه کسانی در شکل‌گیری شرایط موجود سهیم بوده‌اند؟

مروری بر رخدادهای سیاسی کشور به خوبی این حقیقت را آشکار می‌کند که چگونه یک جریان سیاسی در طول دو دهه اخیر انرژی و توان سیاسی کشور را گرفته و یأس و ناامیدی و انفعال را به جامعه تزریق کرده است. به واقع آنچه به پایان رسیده سیاست‌ورزی به سبک اصلاح‌طلبان است!

در نیمه دوم دهه ۱۳۷۰، یک جریان سیاسی توانست با در دست گرفتن پرچم توسعه سیاسی، به قدرت برسد؛ در حالی که انتظار می‌رفت تا توسعه سیاسی مبتنی بر روح کلی حاکم بر نظام اسلامی و قانون اساسی دنبال شود، به تدریج قرائتی سکولار از توسعه سیاسی که به نوعی براندازی نرم نظام اسلامی محسوب می‌شد در دستور کار این جریان قرار گرفت! مطبوعات و رسانه‌های زنجیره‌ای این جریان به دست نویسندگانی افتاد که هجمه به ارزش‌ها و بنیان‌های دینی ـ انقلابی جامعه را نشانه گرفته بودند! حاصل این سیاست، افزایش تنش و درگیری در جامعه بود که مانعی مهم در مسیر توسعه سیاسی به حساب می‌آید.

مدت هشت سال حضور اصلاح‌طلبان در قدرت اجرایی کشور بازی تمام باخت اصلاح‌طلبان در انتخابات سال ۱۳۸۸، که در قالب «تغلب علیه رأی ملت» دنبال شد، بیش از پیش پایان کار اصلاح‌طلبان را جار زد! اما گوش شنوایی در میان اصلاح‌طلبان نبود.

حضور اصلاح‌طلبان در قدرت را که به واسطه ائتلاف با اعتدال‌گرایان در اردیبهشت ۱۳۹۲ صورت گرفت باید تنفسی مصنوعی برای این جریان دانست که چندان افاقه نکرده و خیلی زود کار را به راند پایانی سیاست‌ورزی به سبک اصلاح‌طلبان کشانده است! اصلاح‌طلبانی که حضور در قدرت را با عدول از اصول خود تجربه می‌کردند، پس از شش سال در برابر پرسش‌های فراوان بخش عمده‌ای از هواداران خود قرار گرفتند. مهم‌ترین پرسشی که معطوف به ناکارآمدی دولت یازدهم است، بر این حقیقت اشاره دارد که حمایت از روحانی چه دستاوردی برای منافع ملی و جریان اصلاح‌طلبی به همراه داشته است؟ این روزها اصلاح‌طلبان پاسخ قانع‌کننده‌ای برای این پرسش ندارند و وضعیت موجود نوعی امتناع در سیاست‌ورزی را برای اصلاح‌طلبان به همراه آورده است. در مواجهه با این انسداد که برآمده از بی‌اعتمادی افکار عمومی و حتی هواداران این جریان به بزرگان اصلاح‌طلبی است، برخی فعالان سیاسی این جریان به جای پاسخگویی، سیاست فرار به جلو را در پیش گرفته و افکار عمومی را به سمت و سوی دیگری منحرف می‌کنند؛ اما کاش اصلاح‌طلبان صادقانه با واقعیات مواجه شوند و به جای فرافکنی و فریب افکار عمومی، به بازاندیشی در الگوی سیاست‌ورزی به سبک اصلاح‌طلبی بیندیشند!

سرمقاله

ترفند مذاکره

ادامه از صفحه اول

اکنون ترامپ در آستانه یک شکست راهبردی در حوزه سیاست خارجی و در قبال ایران قرار دارد. تلاش او برای جلوگیری از این شکست، زمینه‌سازی برای مذاکره با ایـران و انجام ملاقات با دکتر روحانی یا حتی آقای ظریف در نیویورک است. آقای ترامپ به این مذاکره و دیدار، سخت نیازمند است تا اثبات کند سیاست فشار حداکثری‌اش بر ایران نتیجه داده است.

سیدحسن نصرالله سـطح نیاز ترامپ برای دیدار با روحانی را این‌چنین توصیف می‌کند و خطاب به سران عرب درمانده در مقابل قدرت مقاومت می‌گوید: «ترامپی که شما روی او حساب باز کرده‌اید، خودش برای اینکه با حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران دیدار کند، گدایی می‌کند.»

اما در شرایطی که منطق ردّ مذاکره و نپذیرفتن هر نوع دیدار آقای ظریف یا آقای روحانی با ترامپ در حاشیه اجلاس سازمان ملل قابل فهم است، عده‌ای در داخل کشور آن را مفید ارزیابی کرده، تقاضای ترامپ برای مذاکره و دیدار را یک فرصت ارزیابی می‌کنند. در چنیـن فضایی رهبر حکیم و دوراندیش انقلاب اسـلامی روز سه‌شنبه ۱۳۹۸/۶/۲۶ در ابتدای درس خارج فقه خود با اشاره به طرح مجدد مذاکره با ایران از سوی آمریکا فرمودند: «همه باید بدانند و توجه کنند که این یک ترفند اسـت.» معظم‌له با اشاره به مواضع متفاوت مقامات آمریکایی در خصوص مذاکره افزودند: «گاهی می‌گویند مذاکره بدون پیش‌شرط، گاهی نیز می‌گویند با ۱۲ شرط، این‌گونه سخنان یا ناشی از سیاست آشفته آنهاسـت یا ترفندی برای سردرگم کردن طرف مقابل؛ البته جمهوری اسلامی سردرگم نمی‌شود؛ چرا که راه ما روشن است و می‌دانیم چه می‌کنیم.»

رهبر معظم انقلاب هدف آمریکا از مذاکره را نه یافتن راه‌حل عادلانه، بلکه تحمیل خواسته‌های گستاخانه خود دانستند و فرمودند: «الآن آمریکایی‌ها به صراحت از این تحمیل اراده به ایران سخن می‌گویند.» ایشان در همین راستا فرمودند: «اخیراً یک مقام آمریکایی گفته بود باید با ایران سـر میز مذاکره بنشـینیم و ما فلان چیزها را بگوییم و ایران قبول کند.» رهبر فرزانه انقلاب اسلامی با اشـاره به چنین خواسته‌هایی از مذاکره، خاطرنشان کردند: «برای این نوع مذاکره باید به سراغ همان کسانی بروند که به عنوان گاو شیرده آنها عمل می‌کنند. جمهوری اسـلامی، جمهوری مؤمنین، جمهوری مسلمین لله و جمهوری عزت است.»

معظم‌له علت اصرار آمریکایی‌ها و واسـطه کردن برخی اروپایی‌ها برای مذاکره را اثبات نتیجه‌بخش بودن سیاسـت فشار حداکثری ارزیابی کرده و فرمودند: «ما در مقابل باید ثابت کنیم که سیاسـت فشار حداکثری در مقابل ملت ایران پشیزی ارزش ندارد.» در واقع اکنون سیاست جمهوری اسلامی، نفی هرگونه مذاکره با آمریکا تحت فشار و تحریم است. این سیاست را رهبر معظم انقلاب این‌گونه تشریح کرده و فرمودند: «برای همین است که مسئولان کشور از رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه و دیگران، یک صدا اعلام کردند که با آمریکا مذاکره نخواهیم کرد، نه مذاکره دوجانبه و نه چندجانبه.»

رهبر معظم انقلاب استمرار مذاکرات هسته‌ای را تنها در یک صورت ممکن ارزیابی کرده و فرمودند: «چنانچه آمریکا حرف خود را پس گرفت و توبه کرد و به معاهده هسـته‌ای که آن را نقض کرده است، بازگشت، آن وقت در جمع کشورهای عضو معاهده که شرکت و با ایران صحبت می‌کنند، آمریکا هم می‌تواند شرکت کند؛ اما در غیر این صورت هیچ مذاکره‌ای در هیچ سطحی بین مسئولان جمهوری اسلامی و آمریکایی‌ها اتفاق نخواهد افتاد، نه در نیویورک و نه غیر آن.»

نکته پایانی آنکه، برخی جریان‌های سیاسی داخلی و همچنین شبکه‌های رسانه‌ای خارجی، مانند «بی‌بی‌سی فارسی» سخنان اخیر رهبر معظم انقلاب مبنی بر بازگشت مشروط به مذاکره را، نوعی تغییر لحن و انعطاف در مواضع معظم‌له ارزیابی کرده‌اند. در این زمینه باید گفت، مواضع رهبری در قبال برجام و مذاکره با آمریکا، کاملاً شفاف و از ثبات برخوردار بوده و هیچ تغییری در آن ایجاد نشده است. در موضع اخیر هم تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی آن است که آمریکایی‌ها فقط در صورت بازگشت به برجام می‌توانند در مذاکرات احتمالی در قالب مذاکرات ایران با گروه ۱+۵، مانند دیگر اعضا شرکت کنند و لا غیر.

نگاهی به مصادره اموال ایران از سوی کانادا از منظر حقوق بین‌الملل

تخلف بین‌المللی

□ رضا دانش‌پسـند*/ در ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۹، خبری در پایگاه اینترنتی «گلوبال نیوز» منتشر شد که دلالـت بر توزیع پول حاصل از فروش اموال ایران در کانادا از سـوی شرکت «آلبرت گلمان» داشت. این اموال دو سـاختمان «مرکز فرهنگی ایران» و «مرکز مطالعات ایران» در شهر «اتاوا» پایتخت کانادا بود. علاوه بر فروش این دو ساختمان که بر اساس سند منتشر شده «گلوبال نیوز»، بیش از ۲۸ میلیون دلار است، دولت کانادا بخشی از پول ایـران در بانک‌های کانـادا به ارزش ۲/۶ میلیـون دلار را نیز در این فرایند مصادره و میان کسانی که مدعی شده است «قربانیان تروریسم» هستند در تاریخ ۷ آگوسـت ۲۰۱۹ توزیع کرده است. دولت کانادا این اقدام را به استناد قانون داخلی مصوب سال ۲۰۱۲ که به موجب آن شهروندان کانادایی می‌توانند خواستار مصادره و فروش اموال ایران برای پرداخت غرامت قربانیان تروریسم شوند، انجام داده است. افزون بر مسائل سیاسی و روابط سرد سیاسی بین تهران و اتـاوا و با وجود ناتوانی «جاسـتین ترودو» در وفای به شعارهای انتخاباتی خود در سـال ۲۰۱۵ مبنی بر بهبود و برقـراری روابط با ایران، آنچه محرز است عمل متخلفانه بین‌المللی و رفتار غیرحقوقـی دولت کانادا در مصادره و توزیع اموال ایران است.

الف ـ چرا رفتار دولت کانادا عمل متخلفانه بین‌المللی است؟

رفتار دولت کانادا عمل متخلفانه بین‌المللی است و مسئولیت بین‌المللی این کشـور را به دنبال دارد؛ چون به موجب حقـوق بین‌الملل، ۱ـ دولت‌ها از حاکمیـت برابر در حقوق بین‌الملل برخوردارند، و ایـن اقدام دولت کانادا اصل حاکمیـت برابر دولت‌ها را نقض کرده است، ۲ـ رفتار دولت کانادا نقض اصـل مصونیت امـوال و دارایی‌های یک کشور در کشـور دیگر است، ۳ـ رفتار دولت کانادا نقض اصل ارجحیت حقـوق بین‌الملل بر حقـوق داخلی است. در ادامه توضیحاتی در این باره ارائه می‌شود.

۱ـ اصل حاکمیت برابر دولت‌ها

به موجب حقوق بین‌الملل عرفی (از قـرن هفدهم میـلادی) و حقوق بین‌الملل قراردادی (معاهدات مختلف حقوقـی) دولت‌هـا از حاکمیت برابر برخوردارنـد؛ حاکمیتی کـه برابر و فوق اراده هر ساختاری است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۵: ۲۰۶). این اصل یکی از شالوده‌های نظم حقوقی بین‌المللی اسـت؛ بـه همین دلیل بنـد ۱ ماده ۲ منشـور ملل متحد اشعار می‌دارد «سـازمان ملل بر مبنای اصل تساوی حاکمیـت کلیه اعضای آن قرار دارد» (منشور سازمان ملل متحد). این اصل در اعلامیـه مجمع عمومی در سـال ۱۹۷۰، اعلامیـه اصول سـند نهایی هلسـینکی ۱۹۷۵، اعلامیـه پاریس ۱۹۹۰ و مهم‌تر از همه منشـور ملل متحد مورد اسـتناد قرار گرفته است. قرار داشـتن ایـن اصـل در ماده ۲ نشان دهنده این است که نویسندگان منشـور ایـن اصل را یکـی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل می‌دانستند. در حقوق بین‌الملل و از سوی شارحان و حقوق‌دانان برجسته، مصادیق زیادی برای این اصل برشمرده شده که یکی از مهم‌ترین آنها این است که هر دولت حـق دارد نظام سیاسـی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خویش را آزادانه برگزیند و رشد دهد. رفتار دولت کانادا از این حیث کـه تلاش دارد قوانین و حاکمیت ایـران را ذیل حاکمیت اتاوا قرار دهد، نقض صریح اصل حاکمیت دولت‌ها محسـوب می‌شود. مصونیت امـوال و دارایی‌های یک کشـور در کشور دیگر، جزو مصادیق همین اصل حاکمیت کشورهاست. اگر بنا باشد هر دولتی در دادرسی‌های مدنی و کیفری خود با اسـتناد به موضوعات سیاسی شـبیه به پرداخت غرامت تروریسم، حاکمیت ملی کشـور دیگری را نقض کند، اساس و شالوده نظم بین‌المللی از بین خواهد رفت. فرض کنید ایران نیز مانند کانادا به قانونی داخلی برای مصادره اموال سـایر کشورها استناد کند، آیا این موضوع یک مسئله داخلی باقی می‌ماند؟

۲ـ نقض اصل مصونیت اموال و دارایی‌های یک کشور در کشور دیگر

مصـادره اموال ایران بر اسـاس قوانین داخلـی و آرای قضایی داخلی کانادا، تصریح در این گزاره اسـت که «اموال ایران نزد کانادا مصونیت ندارد و قابل مصادره در جهت مقاصد سیاسی است»، این گزاره نیز نقض صریح اصل مصونیت کشورهاست.

بر اسـاس قاعده عـام مصونیت دولت، هر دولتی متعهد است از اعمال صلاحیت قضایی بر اعمال و اموال سایر دولت‌ها اجتناب کند. در دکترین و رویه قضایی، مصونیت دولت بیشتر به‌عنوان تجلی اصل برابری دولت‌ها تلقی شده است. مطابق این دیدگاه، هر دولتی به دلیـل برابری خود با دولت‌های دیگر، بایـد از اعمال صلاحیت سـرزمینی انحصـاری خود در پرونـده‌ای که در آن دولـت دیگر خوانـده دعوی قرار گرفته اسـت، اجتناب کند (خضری، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

مصونیـت قضایـی دولت‌هـا و اموال‌شـان در معاهـدات مختلفی پذیرفتـه شـده که آخریـن معاهده مربوط به کنوانسـیون ۲۰۰۴ سازمان ملل متحد دربـاره مصونیت دولت‌ها و اموال‌شـان است (فروغی و عباسی، ۱۳۹۸: ۱۶۵). بررسـی‌های حقوقـی نشان می‌دهد، رفتار دولت کانادا نقض صریح اصل مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال‌شـان اسـت؛ به ویژه رأیی که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه آلمان علیه ایتالیا در سال ۲۰۱۲ صادر کرد. (Germany. v. Italy, ۲۰۱۲: I.C.J ,۱۴۳ .Paras ۱۱۸-۱۱۹).

۳ـ نقض اصل ارجحیت حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی

اولویـت دادن بـه تصمیم‌های دادگاه‌هـای محلی نسـبت به حقوق بین‌الملـل، نقـض اصـل ارجحیت حقـوق بین‌الملل بر حقـوق داخلی اسـت. بسیاری از اصول مصرح حقوق بین‌الملل از جمله همین دو اصل فوق، ارجحیـت بر حقوق داخلی کشـورها دارند و رفتار دولت کانادا از این حیث نقض اصل ارجحیت حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی نیز محسوب می‌شود.

ب ـ عکس‌العمل ایران

مصادره اموال ایران در کشورهای خارجی موضوعی جدید نیست و سابقه آن به مصادره اموال بانک مرکزی ایران از سوی آمریکا بر می‌گردد (موضوعی که با ثبـت و طرح دعـوی ایران در دیوان بین‌المللی دادگسـتری همراه بوده است)، اما موضوع مهمی است که باید از تبدیل شدن آن به یک رویه از سوی دول خصم ایران جلوگیری کرد. ایران باید برای رسیدن به این منظور در شورای امنیت سازمان ملل، دیوان بین‌المللی دادگستری و سایر نهادهای بین‌المللی صلاحیت‌دار طرح دعوی کند و مانع از دست‌اندازی سایر کشورها به امـوال و دارایی‌های خود به بهانه‌های خودساخته و خیالی شود. استناد ایران به رأی دیوان در قضیه آلمان علیه ایتالیا می‌تواند یکی از منابع استناد ایران به نقض اصل مصونیـت اموال در دیوان بین‌المللی دادگستری علیه کانادا باشد.

* کارشناس حقوقی

منابع
۱ـ مرتضی خضری، (۱۳۹۱)، «مصونیت دولت از نگاه حقوق بین‌الملل»، پژوهشـنامه اندیشه‌های حقوقی سال اول، شماره ۳.
۲ـ فضـل‌الله فروغی و مراد عباسـی، (۱۳۹۸)، «نقـض مصونیت قضایی و اجرایی دولت‌ها و اموال‌شان)مطالعه موردی مصادره دارایی جمهوری اسلامی ایران توسط ایالات متحده آمریکا(»، فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره یازدهم، شماره ۱.
۳ـ محمدرضا ضیایی بیگدلی، (۱۳۸۵)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: گنج دانش.
Germany v. Italy: Greece ـ۴ Jurisdictional 2012 .intervening I.C.J .Immunities of the State, Judgment

نگاهی به بسترها و زمینه‌های اعتراضات کارگران «هپکو»

مشکل در واگذاری‌هاست

□ امین پناهی/ خبر تعطیلی «هپکو» ابرکارخانه ساخت ماشین‌آلات سنگین، کوتاه اما غم‌انگیز بود. هپکو را می‌توان یکی از سـتون‌های صنعت کشور در حدود ۴۰ سال گذشته دانست. شـرکت هپکو یکی از مراکز راهبردی اسـت که در جنگ هشـت ساله نقشی بی‌بدیل در دفاع از کشور داشـته است. ارسال ماشین‌آلات راه‌سازی به جبهه‌های دفاع از وطن و مهندسـی معکوس دستگاه‌های جنگی که از عراق به غنیمت گرفته می‌شـدند، تنها گوشه‌ای از فعالیت‌های این غول صنعتی کشور در مقابله نظامی با متجاوزان بوده اسـت. صدام هم به خوبی این را متوجه شـده و سـه بار در طول دوران دفاع مقدس این کارخانه را هدف بمباران قرار داده بود. در جنگ اقتصادی نیز این شـرکت برای کشور کم نگذاشته بود و با تولید سالیانه دو هزار دستگاه و کسب ۲۰ میلیارد تومان سـود در هر سال یکی از سنگرهای جنگ اقتصادی را به تنهایی محافظت می‌کرد.

از رقابت خارجی تا ورشکستگی

هپکو ابرکارخانه‌ای با استانداردهای جهانی فناوری مدرن است که نه تنها چیزی از تولیدات خارجی کم نداشته، بلکه در بسیاری از موارد گوی سبقت را از نمونه خارجی‌اش ربوده بود. محصولاتی که شـرکت هپکو تولید می‌کرد، بیشتر در بخش راه‌سازی و شهرداری‌ها کاربرد داشت؛ یعنی بازاری که هر کارخانه‌ای آن را در اختیار داشته باشد، به راحتی می‌تواند کسـب و کارش را بیش از پیش رونق بخشد؛ اما چه می‌شود که این ابرکارخانه به حالت تعطیل درآمده و پس از آنکه بارها نیروهایش تعدیل شده‌اند حالا همین تعداد اندک باقی‌مانده ناگزیرند برای دریافت مطالبات‌شـان دسـت به اعتصاب بزنند!

خصوصی‌سازی به شـکل اشتباه عامل این اتفاق شـوم در هپکو بوده است. خصوصی‌سازی و کم کردن مسـئولیت دولـت مطابق اصل ۴۴ قانون اساسـی اسـت و باید انجام پذیرد؛ اما به شکل درست و منطقی و نه به آن شکلی که حالا اتفاق افتاده و سبب شده تا غول صنعتی ایران به خاک سیاه بنشیند. پاییز ۱۳۸۵، هپکو روی میز فروش سازمان خصوصی‌سازی آمد. در ابتدا تصور می‌شد یکی از تولیدکنندگان ماشین‌آلات راه‌سازی که در اروپا فعالیت اقتصادی داشـت، برنده این مزایده باشـد؛ اما صلاحیت این صنعتگر به دلیل دو تابعیتی بودن رد شد. با خروج مهم‌ترین گزینه خریداری هپکو، شرکت «واگن‌سازی کوثر» برنده مزایده شد و پس از کش و قوسی یک ماهه و یک بار ابطال معامله بـه دلیل پرداخت‌نکردن پول و سـپس توافق پشت درهای بسته، مدیریت هپکو را در اختیار گرفت.

بهمن ماه همان سال، سرمایه‌داری اصفهانی به نام علی‌اصغر عطاریان بالاخره توانست پس از چندبار تلاش ناکام، بیش از ۶۰ درصد از سـهام هپکو را خریداری کند و به مالک این شرکت تبدیل شود؛ بدین ترتیب هپکو با شرایط ۲۰ درصد نقد و مابقی اقساط پنج ساله به عطاریان که هم‌زمان مالک شرکت واگن‌سازی کوثر نیز بود، واگذار شد. واگن‌سازی کوثر سابقه صنعتی زیادی نداشت و در سال ۱۳۸۱ تأسیس شده بود.

واگذاری به قیمت ناچیز

یکـی از مدیـران وقت اسـتان مرکزی در ایـن باره می‌گوید: «این واگـذاری از همان ابتدا حاشیه‌هایی داشت؛ از یک طرف سهام این شرکت را ۷۴ میلیارد تومان قیمت‌گذاری کردند که شاید ارزش زمین‌های این کارخانه هم نبود. همان‌طور کـه می‌دانید هپکو ۱۲۰ هکتار زمین در بهترین نقطه شهر اراک دارد و به جز آن، چند ملک دیگر در شهرک صنعتی اراک و تهران نیز متعلق به هپکو است. در خود این شرکت خطوط تولیدی‌ای وجود دارد که نمونه‌ای در خاورمیانه ندارند و ارزش برخی از دستگاه‌هایی که هپکو دارد، بیشتر از ارزش کل برخی از شرکت‌های استان مرکزی است. خریدار شـرکت در نهایت چیزی بین ۲۰ تا ۳۵ میلیارد تومان پول پرداخت کرد و دیگر هیچ. تصور کنید شرکتی با این عظمت را به این قیمت فروختند.»

هپکو بـه قیمت بسـیار پایین به کسـی فروخته شـد که نه تنها هیچ تخصصی در مورد ساخت ماشین‌آلات راهسـازی ندارد، بلکه تمام متخصصان و دلسـوزان را هـم قلع و قمع کرده اسـت و همین سبب می‌شـود که این شرکت از روزهای اوج خود به زمانی برسد که حتی حقوق کارگرهایش را هم نتواند بدهد؛ اما این اتفاق یک روی دیگر هم دارد و آن این اسـت که حالا دیگر دروازه‌های واردات بی‌رویه نمونه مشابه تولیدات هپکو به کشور باز شده است. همان شرکت‌هایی که روزی در حال همکاری با شرکت هپکو بودند، امروز محصولات‌شـان را مستقیم به سوی کشور گسـیل کرده و بازار را از دست محصولات ایرانی ربوده‌اند و نه تنها دیگر خبری از آن رفت و آمدها و قهرمانی‌ها در حوزه جنگ اقتصادی نیست که امروز هپکو شرکتی ورشکسـته با ۶۰۰ میلیارد تومان بدهی است!

مشکل در واگذاری‌هاست

هپکـو تنها نمونه‌ای نیسـت کـه به دلیل خصوصی‌سازی نادرسـت این روند را طی کرده اسـت، بلکه «هفت تپه»، «رشـت الکتریک» و شرکت‌های بسیار دیگری نیز به دلیل واگذاری‌هایی از این دست دچار مشکل شده‌اند و شاهد اعتراضات کارگری در آن هسـتیم؛ اعتراضات به حقی که امروز صورت می‌پذیرد و خواسـتار مطالبات خود هستند؛ البته دریافت حقوق معوق کارگران یک وجه مطالبات آنان است. یک بخش مهم دیگر آن مطالبه برای راه‌اندازی دوباره خطوط تولید است. در سال‌هایی که رهبر معظم انقلاب درباره تولید، تأکید فراوان می‌کنند پشـت یکی از بزرگ‌ترین قهرمانـان تولید کشـور بر زمین‌خـورده و این مطلوب نیست.

اعتراضات کارگران

اما داسـتان اعتراضات به حق کارگران این روزها به سـوژه داغ رسـانه‌ها تبدیل شده است. کارگرانی که به واسـطه شـنیده نشدن صدای اعتراضشان مجبور شدند راه آهن شمال به جنوب را ببندند که به این واسطه صدایشان را به گوش مسئولان امر برسانند.

معترضـان همه تـلاش خـود را کردند تا اعتراضشان سیاسی تلقی نشود؛ از این رو با هیچ یک از رسانه‌های معاند جمهوری اسلامی گفت‌وگو نکردند و همین موضوع فرصت سوءاستفاده را از آن رسانه‌ها گرفت. با جستاری در رسانه‌های آن طرف آبی متوجه می‌شـویم که آنها تنها به شرح ماوقع حال ـ چه درسـت و چه غلط ـ پرداخته‌اند و نتوانسـته‌اند هیچ مصاحبه‌ای با کارگران هپکو انجام دهند.

اما حالا مسئولان باید به فکر راه‌اندازی مجدد ایـن کارخانه با تدبیر و مدیریت جدی باشـند. ممنوعیت واردات کالاهای مشابه از خارج کشور نیز یکی از وظایفی است که بر دوش دولت است تا این کارخانه دوباره چون گذشته رونق بگیرد و به دوران اوج خود بازگردد. بازار سوریه و عراق و دیگر بازارهای جهانی مستعد آن است که از ماشین‌آلات هپکو استفاده کند؛ چرا که از نظر کیفیت چیزی از برندهای مطرح جهانی کم ندارد، حتی در برخی موارد بهتر نیز محسـوب می‌شود. هرچند برخی رسـانه ها اعلام می‌کنند این شرکت پس از آنکه از شـرکت واگن‌سازی کوثر پس گرفته شده بود، دوباره به آن واگذار شده که این اصلاً نشانه خوبی نیست؛ یعنی شرکتی که یکبار در داستان هپکو خرابکاری کرده، حالا باید دوباره عهده‌دار مدیریت آن شـود و این یعنی برنامـه‌ای برای اصلاح این شرکت و بازگشتش به ریل تولید و کار و فعالیت مؤثر وجود ندارد.

یک نکته قابل تأمل

چندی پیش رهبـر معظم انقلاب در دیدار با دانشـجویان، از عملکرد خوب آنان در داستان نیشکر هفت تپه و موارد مشابه تقدیر کردند. از نظر معظم‌له، حضور دانشجویان در متن قضایای این چنینی همواره سبب حل سریع‌تر و کم هزینه‌تر شده است؛ اما آن طور که گفته می‌شود از حراست به کارگران پیامکی ارسـال شده مبنی بر اینکه همکاری کارگران با دانشـجویان منجر به اخراج آنان خواهد شـد. این یعنی موضع‌گیری مدیران این شـرکت صریحاً در تقابل با رهبری قرار دارد و نتیجـه آنکه مدیران فعلی علاقه‌ای به حل این مشکل ندارند و چه بسا علاقه‌مند باشند به واسطه ایجاد هزینه برای نظام، آن را از یک مشکل درون سازمانی به یک مشکل ملی تبدیل کنند!

روی خط خبر

چرا مکرون نزد ظریف رفت؟

پـس از آنکه در یـک اتفاق غیر معمولی رئیس‌جمهوری فرانسه به دیدار وزیر امور خارجه ایران در بیارتیز فرانسه رفت، «اسپوتنیک» در تحلیل این موضوع نوشت: «آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها تصور می‌کردنـد وقتی ایرانی‌ها می‌گویند اگر نفت ایران از این منطقه صادر نشود نفت هیچ کشوری صادر نمی‌شود، منظور این است که ایرانی‌ها تنگه هرمز را می‌بندند. با توجه به شرایطی که این روزها پیش آمده، آنها به خوبی متوجه شده‌اند منظور ایران چیست. اگر نفت ایران صادر نشود، نـه چاه نفتی در منطقـه می‌ماند و نه بندری و نه لوله نفتی و نه پالایشگاهی که نفت از آن صادر شود... .» «اگر بخواهیم خطر حمله به ایران را از یک تا ده، سه یا چهار بدانیم خطر حمله به ایران برای آمریکا و هم‌پیمانانش در منطقه ده از ده می‌باشد... کسی نیست که نداند ایرانی‌ها چقدر از نظر ایدئولوژیک با طالبان زاویه دارند؛ اما مشاهده می‌کنیم بلافاصله پس از بهم خوردن گفت‌وگوهای به اصطلاح صلـح طالبان با آمریـکا هیئت آنها به تهـران می‌آید. این هـم یک پیام برای آمریکایی‌هاسـت... بله به همین دلیل است که رئیس‌جمهوری فرانسه حاضر می‌شود تمام تشریفات را زیر پا بگذارد و به ملاقات وزیر امور خارجه ایران برود.»

شروط برای خودمان!

«قاسـم میرزایی‌نکـو» نماینده اصلاح‌طلب و عضو فراکسـیون امید در یادداشتی در «خبرآنلاین» نوشته است: «در میان اصلاح‌طلبان درباره انتخابات یک جمع‌بندی وجـود دارد و آن، این است که کسـی قهر با صندوق رأی را قبول ندارد، ولی شرط و شروطی با خود و لیست اصلاح‌طلبی داریم. ما باید بپذیریم که افرادی پایبند به اهداف اصلاح‌طلبی وارد مجلس شوند و این نباشد که فردای انتخابات سینه‌شان را جای دیگری بزنند و شام‌شان را جای دیگری بخورند. وقتی صحبت از شـرط و شروط انتخاباتی به میان می‌آید، مقصود شـرط و شـروط اصلاح‌طلبان با خودشـان اسـت و این چیزی اسـت که «سعید حجاریان» به عنوان اولیـن ایده‌پرداز این موضوع نیز بر صحت این مطلب مهر تأیید می‌زند.» گفته‌های ایـن نماینده اصلاح‌طلب در حالی مطرح می‌شـود که پس از طرح انتخابات مشـروط از سـوی حجاریان، برخـی اصلاح‌طلبـان درباهر متعددی دربـاره حضـور در انتخابات، شـرط و شروط برای شورای نگهبان طرح و اعلام می‌کردند. هرچند بخش قابل توجهی از اصلاح‌طلبان، مانند کرباسـچی، صادق خرازی و... با آن مخالف بودند.

خیز اصلاحات برای تکرار!

«محمد عطریانفر» فعال سیاسی اصلاح‌طلـب و عضو شـورای مرکزی حزب کارگزاران در گفت‌وگو با «باشگاه خبرنـگاران» گفت: «من هـم موافقم که اصلاح‌طلبی نیـاز به بازتعریف دارد و لازمه ایـن بازتعریف اندیشـمندی اسـت. معتقدم نباید ذهن خود را فقط معطوف به تعاریف پیشین کنیم، تغییر شـرایط و صحنـه رقابـت در تعریف روزآمد اصلاحـات مؤثـر خواهد بود. منتظریم شرایط کشور انتخاباتی شود، به طور طبیعی حول محور رئیس دولت اصلاحات که مسـئولیت کلان جریان اصلاحـات را دارد، به جمع‌بندی برای ارائه لیست می‌رسیم.» نکته تأمل‌برانگیز آن اسـت که خاتمی، تـاج‌زاده و چند نفـر از اصلاح‌طلبان پیـش از این لب بـه اعتراف گشـوده و در مصاحبه‌ها و یادداشـت‌هایی گفته بودند مردم دیگر به «تکرار می‌کنم» روی خوشـی نشان نمی‌دهند. حجاریان هم به تازگی گفته بود: «امروزه برخـی از مردم می‌گویند شـما (اصلاح‌طلبان) گفتید به روحانی رأی بدهید تا شـرایط سامان شود؛ اما این‌طور نشد، فلذا دیگر با طناب شما به چاه نمی‌رویم»

تأکید بر شکست آمریکا

اندیشـکده شـورای آتلانتیک در گزارشـی اهداف سیاست فشار حداکثری آمریـکا را بررسـی و بر شکسـت دولت ترامپ در همـه جبهه‌های جنگ با ایران تأکید کرد و نوشـت: «گذشت یک سال از بازگشـت تحریم‌های آمریکا علیه ایران بـر این موضـوع مهر تأییـد می‌زند که سیاسـت «فشـار حداکثری» ترامپ در هیچ یک از اهدافش به نتیجه دلخواه خود نرسیده و از این‌رو می‌توان آن را راهبردی شکست‌خورده دانست.» «بلومبرگ» هم با تأکید بر همین مواضع نوشـت: «تحولات اخیر منطقه به ترامپ فهمانده اسـت که ایران بزرگ‌تر از آن اسـت که بشکند یا به حاشیه رانده شود. ایران عملاً نشان داده اگر ایالات متحده اجازه فروش نفتش را ندهد، این قدرت را دارد که مانع از صادرات نفت ایالات متحده شود.»

با ردّ مذاکره اثبات کنیم آمریکا شکست خورده است

«فـؤاد ایـزدی» عضو هیئت علمی دانشـگاه تهران با اشـاره به بیانات اخیر رهبر معظـم انقلاب درباره مذاکره بـا آمریکا، گفت: «اگر مـا سیاسـت آمریکا را نمی‌پسـندیدم، بایـد با عدم تمکین به خواسـته آنها برای شـرکت در مذاکره ثابت کنیم که سیاسـت‌های آمریکا جواب نداده است.»

روی خط خبر

اعتراف

«رائول مارک گرشت» افسر سابق سازمان سیا که سال‌هاست روی مسائل ایران متمرکز بوده و به گفته خود ۳۰ سال اسـت که درباره رهبر جمهوری اسـلامی ایران مطالعه می‌کند، گفته است: «چگونه رهبر عالی ایران، ترامپ را پشت سر گذاشت.» گرشت در چندین جای مصاحبه اعتراف می‌کند که رهبر معظم انقلاب، با کیاستی خاص با آمریکا روبه‌رو شده و آنها را مقهور خود کرده است. او در این مصاحبه می‌گوید فکر می‌کنم رهبر عالی ایران درپی کشاندن ترامپ به یک نبرد سیاسی است. بدون شـک، او یک قهرمان جدی اسـت و مـن فکر می‌کنـم او موفق‌ترین رهبر خاورمیانـه از جنگ جهانی دوم به این سـو است. او کاملاً ماهر و فوق‌العاده با استعداد است.

دوگانه دروغین

«عبدالله ناصری» مشـاور رئیس دولت اصلاحات گفت: «تا بحث مذاکره با قدرت‌های بزرگ جدی گرفته نشود و ایران مناسبات خود را با دنیای بین‌الملل حل نکند، طبیعتاً اتفاقی هم در اقتصاد و وضع معیشت مردم نخواهد افتاد. اگر این اتفاق نیز رخ ندهد با توجه به کوچک شدن سفره مردم در یک سال اخیر من خیلی بعید می‌دانم که اتفاقی در عرصه انتخابـات ۹۸ نیـز رخ بدهد.» این در حالی است که شش سال پیش، دولت روحانی تمام مشکلات کشور را به زلف برجام گره زد و به اعتراف کارشناسان و تحلیلگران، نتیجه آن چیزی جز تشدید تهدید و تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران نبوده است.

حرمت‌شکنی عاشورا

روزنامـه اصلاح‌طلب «همدلی» هفته گذشـته در یادداشـتی ضمن بی‌حرمتی به نمادهای عاشورا نوشت: «از نظر روان‌شناسـی رنگ‌ها، مشکی حزن و اندوه و افسردگی ایجاد می‌کند و می‌تواند باعث حالت تهوع شـود. به همین خاطر است که در هواپیما از رنگ سیاه هیچ اسـتفاده‌ای نمی‌شود. رنگ سیاه، نماد ظلمت است، شادی و انبساط خاطر را از بین می‌برد و زمینه خودکشی در افـرادی را که در بحران هسـتند، افزایش می‌دهد.» در ادامه این مطلب آمده است: «تزریق این همه سیاهی به جان فضـای عمومی و طبل کوبی‌های گوشـخراش و آلودگی‌هـای صوتی و سوءاسـتفاده از نام حسین بزرگ برای مقاصـد دنیوی مبتذل، انحراف از پیام بیدارکننده و عزت بخش عاشوراست...»

اگر می‌آمدم پیروز می‌شدم

احمد توکلی گفت: «آذر ۱۳۷۵، پس از طی شـدن دوران تحصیل در انگلستان، به ایران بازگشتم. انتخابات هم شـکل و قوام گرفته بود و همگان در جنـاح اصولگرایی، آقای ناطق‌نوری را پیروز انتخابات می‌دانستند. از آقای جواد لاریجانی پرسیدم که اگر من نامزد انتخابات شـوم، چه اتفاقی می‌افتد که جواد لاریجانی پاسخ داد: همه‌چیز به هم می‌خورد.» توکلی با اشاره به جمع‌بندی خود در اینکه اگر در آن انتخابات نامزد می‌شدم، برنده انتخابات بودم، افزود: «با حضور مـن در انتخابات ۱۳۷۶، ایجاد دوقطبی که در نهایت منجر به پیروزی آقای خاتمی شد، رقم نمی‌خورد.»

همراهان ترامپ!

«اکبـر ترکان» مشـاور سـابق رئیس‌جمهور با انتقـاد از مخالفت‌ها و تخریب‌هایـی که علیـه دولت صورت می‌گیـرد، گفـت: «افـرادی کـه به رئیس‌جمهـوری حمله می‌کنند همراه ترامپ هستند، چون ترامپ برای ضربه زدن به اقتصاد ایران همه تلاشـش را می‌کنـد.» ترکان افـزود: «افرادی که می‌خواهند با آقـای روحانی مخالفت کنند، انـگار بابت ایـن تحریم‌ها قند در دل‌شـان آب می‌شـود، انگار از این تحریم‌ها علیه مردم کیف می‌کنند، انگار رنج‌های مردم را نمی‌بینند، انگار رنج‌های گروه‌های ضعیف را نمی‌بینند و از اینکه تحریم‌ها اعمال می‌شود و کمر دولت زیر بار این فشارها می‌شکند، راضی هستند!»

مرگ رجوی

«علی حسین‌نژاد» مترجم سابق در بخـش روابـط خارجی سـازمان مجاهدین خلق (منافقین) در گفت‌وگو بـا پایگاه عربی «اشـرف نیوز» ضمن تأکید بر اینکه سازمان منافقین در حال فروپاشی است، گفته است، سرکرده این گروهک تروریسـتی به عربستان فرار کرده و در آنجا مرده است. حسین‌نژاد افزوده است: «بی‌تردید مسعود رجوی به عربستان فرار کرد و در آن جا مُرد. اگر این چنین نبود یک مسئول عربستانی در سـال ۲۰۱۷ در جریـان کنفرانس سازمان منافقین در پاریس مرگ مسعود رجوی را اعلام نمی‌کرد.»

مخالفان رویکرد انقلابی دستگاه قضا

□ حسـین عبداللهی‌فر/ رویکـرد انقلابی رئیـس محترم قوه قضائیـه و اقدامـات درخور توجه وی که جلـوه‌ای از تأثیر روحیه انقلابی و مدیریت جهادی است، نشان می‌دهد حتی اگر یکی از مسـئولان کشورمان انقلابی عمـل کند، می‌تواند منشـأ تأثیرات و تحولات بسیار خوشایندی برای مردم و نظام اسلامی شود.

در حالـی کـه امید مـی‌رود، مسـئولان دیگر نیز رویکـرد انقلابی اتخاذ کنند و جریان‌های سیاسـی از این مشی حمایت کنند؛ اما متأسفانه شاهد مخالف‌خوانی، جوسازی و تقابل برخی نهادهای رسمی، مسئولان کشور، گروه‌های سیاسـی و فعالان مدنی با فعالیت‌های دستگاه قضا هستیم.

در این میـان، آنچه تأمل‌برانگیز اسـت، نامه‌نـگاری برخـی از عناصر سیاسـی مدعی مبارزه است که البته بخشی از آنکه احزاب منحله‌ای مانند نهضت آزادی صـورت داده، به خوبی قابل فهم اسـت و نمی‌تـوان انتظار دیگری داشت.

بخش دیگری از نامه‌نگاری‌ها را که تحت عناوین فعالان مدنی به امضا رسـیده و منتشر می‌شود، می‌توان در راستای برنتابیدن روحیه انقلابی ارزیابی کرد؛ زیرا برخی از جریان‌های سیاسی که فقه اسلامی را قادر به اداره جامعه نمی‌دانند، برای اثبات مدعای خویش نه تنها رویکرد انقلابی را برنمی‌گزینند، بلکه اتخاذ آن از سـوی دیگران را نیز برنمی‌تابند.

در حالی که تحلیلگران سیاسی و اقتصـادی علت مخالفـت نهادهای رسـمی با برگزاری دادگاه‌های مبارزه با مفاسد مالی را جلوگیری از رسیدن دامنـه برخوردهـا با دانه درشـت‌ها ارزیابی می‌کنند، بخش دیگری از موج مخالفت‌ها علیه دسـتگاه قضا را نگاه جناحی و تحت تأثیر مسـائل سیاسی از جمله انتخابات تشکیل می‌دهد. در شرایطی که یک جریان سیاسی برای به دست گرفتن پرچم مبارزه با فساد به پیشبرد اهداف حزبی خود فکر می‌کرد، عملکرد قاطعانه، مدبرانه و فنی رئیس قـوه قضائیه را موجب برتری موقعیت نیروهای انقلابی در جامعه می‌دانند.

امـا قوه قضائیه بـدون توجه به کارشـکنی‌ها و نامه‌پراکنی احزاب و گروه‌های سیاسی با رویکرد انقلابی وارد میدانی شده که از جمله نتایج آن را این روزها در قالب اقدامات قابل تقدیر زیر مشاهده می‌کنند:

۱ـ بازگرداندن میلیاردها تومان از امـوال غارت شـده بـه بیت‌المال در پرونده‌هایی، مانند اسـتان قدس، ماشین‌سازی تبریز و بابک زنجانی؛

۲ـ اعلام لیست اموال رئیس قوه قضائیه به رهبر معظم انقلاب؛

رویکرد انقلابی رئیس محترم قوه قضائیـه و اقدامات درخور توجه وی کـه جلوه‌ای از تأثیر روحیه انقلابی و مدیریت جهادی است، نشان می‌دهد حتی اگر یکی از مسـئولان کشورمان انقلابی عمل کنـد، می‌تواند منشأ تأثیرات و تحولات بسیار خوشایندی برای مردم و نظام اسلامی شود

۳ـ پیگیری مجدانه در برگزاری دادگاه‌هـای مبـارزه با مفاسـد که بیان‌کننده اراده نظـام در این زمینه تا عالی‌ترین سـطوح و بی‌توجهی به هرگونه خط قرمزی اسـت. چیزی که ملت ایران سال‌ها در انتظار آن بوده و جـای خالی آن را در فقدان نظارت بر غارت بیت‌المال و روند فزاینده فسـاد مالی مشاهده می‌کردند.

۴ـ حضور سرزده در مجتمع‌های قضائی، رسـیدگی بـه دردودل‌های مراجعـان به قوه، افزایـش نظارت بر کار شـعبات، کنترل روند رسـیدگی به پرونده‌هـا، ارزیابی میدانی مدیران و مسئولان، صدور دستورات به موقع و آنی؛

۵ـ هوشمندی در پرونده کارگران نیشـکر هفت تپه که با ورود به موقع مسئولان قوه از برخی سوءاستفاده‌ها جلوگیـری کـرد و اطلاع‌رسـانی در زمینـه برخی از متهمـان پرونده که عمـلاً ارتباطی با کارگران نداشـتند، اطلاع‌رسـانی به موقع در زمینه علل خودکشی دختری به نام سحر خدایاری و ردّ هر گونه ارتباط آن با اتهام قضایی وی که سـبب بروز شـایعات فراوانی در این زمینه شـده و دشمنان انقلاب اسلامی تلاش کردند سرمایه اجتماعی نظام را دستخوش چالش قرار دهند.

۶ـ احیای طرح «هر مسجد یک حقوقدان» که می‌تواند ضمن افزایش قابلیت‌های مسـاجد و ارائه مشـاوره آسـان برای مردم، تأثیر بسیار بالایی بـر آگاهی مـردم در احقـاق حقوق خویش و کاهش مراجعه به دادگاه‌ها و دادسراها و تشکیل پرونده‌های حقوقی داشته باشد.

۷ـ استمرار تشکیل دادگاه‌های مبارزه با مفاسـد مالی و رسـیدگی به پرونده‌های آقازاده‌ها و وابسـتگان مسئولان رده بالای کشور که می‌تواند تأثیر خوبی بر اعتماد اجتماعی به نظام اسلامی و کاهش دغدغه‌های دلسوزان و وفاداران انقلاب اسلامی داشته باشد.

۸ـ حمایـت مجدانـه و مصرانه ریاست محترم قوه از برخورد با قضات متخلف که در مواردی سبب نومیدی مردم از دستگاه قضایی شده و امکان برخورد بـا آن برای آحـاد جامعه و سایر مسئولان کشور ممکن نبود، در افزایش امید ملی به عدالت‌گسـتری نظام اسلامی مؤثر است.

۹ـ ورود بهنگام و قاطعانه در برابر توقیف اموال ملت ایران از سوی دولت کانادا و تهدید این کشور به اقدام متقابل در توقیف اموال این کشـور از سـوی مراکز و کانال‌های حقوقی بین‌المللی و تأمین؛

۱۰ـ تأکیـد بـر اجـرای دسـتورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌هـا بـه منزلـه قانون و درخواسـت عملیاتی کردن آنها.

دیدگاه

شفاف‌سازی، تأمین کننده منافع و امنیت ملی کشور

□ ابوالحسن سلطانی‌زاده/ در روزهای اخیر، طرح موضوع شفاف‌سازی آرای نمایندگان مجلس شورای اسلامی با موجی از مخالفت‌ها و موافقت‌ها مواجه و به یکی از مناقشه برانگیزترین مباحث سیاسی کشور تبدیل شد و افراد، گروه‌ها و جریان‌های سیاسـی هر یک از منظر خود به آن پرداختند. صرف‌نظر از پرداختن به درسـت یا نادرست بودن این جنجال‌های سیاسی، چند پرسـش مطرح است که این طرح چه کمکی به عبور کشـور از پیچ و خم‌های موجود می‌کند و اساساً موافقت یا مخالفت با آن چه معنایی دارد؟ و اینکه چرا شفاف‌سـازی در محاصره نزاع‌های سیاسی قرار می‌گیرد؟

در واقع این مسئله در مجلس دهم با عنوان طرح شفاف‌سـازی آرای نمایندگان مطرح شد؛ اما پیگیری آن مقارن با ارسـال لایحه FATF از سوی دولت شد و نمایندگان تصمیم گرفتند به جهت شائبه‌دار شدن طرح به مسائل جناحی، ادامه پیگیری را به وقت دیگری موکول کنند. در نهایت پس از یک دوره پرفراز و نشـیب زمانی، قید دو فوریتـی آن در مجلس رأی نیاورد و به طور موقت از دسـتور کار مجلس خارج شـد.

این همه آن چیزی اسـت که از نظر شکلی در مجلس رخ داد؛ گرچه در این میان، سلیقه‌های مختلف سیاسی متناسب با ذائقه و کارکرد خود برداشـت‌های خود را نیز داشتند و گاهی هم از آن برای نوازش حریف و رقیب استفاده می‌کردند. شفاف‌سازی طرحی ملی است که با اقبال جامعه مواجه می‌شـود و می‌تواند تضمین‌کننده منافع ملی کشور باشـد. بدیهی است در موارد خاص نظامـی، امنیتی و دفاعی، باید مراقبت‌های ویژه صورت گیرد تا شـفافیت به نقطه عکس تبدیل نشـود و امنیت ملی را مخدوش نکند؛ اما اصل طرح شفاف‌سازی در همه حوزه‌ها- چه مجلس شـورای اسـلامی، چه قوه قضائیه، چه شورای نگهبـان و چه کارگزاران اجرایی و...- به افزایش اعتماد ملی کمک می‌کند. در واقع مردم دوست دارند بدانند به عنوان مثال نماینده منتخب‌شان چه میزان در جلسات حضور فعال دارد. چه مقدار نطق قبل از دستور دارد و در رأی‌گیری‌ها چگونه عمل می‌کند؟ اصرار بر شفاف‌سازی به معنای عبور از خطوط قرمز قانونی که سـازوکار آن براساس قانون اساسی یا آیین‌نامه‌های داخلی تبیین شده نیسـت. شفاف‌سـازی در نظام اسلامی به هیچ جریان سیاسـی تعلق ندارد و تمامی کارگزاران نظام باید از این اصل استقبال کنند. مخالفت با این طرح به هر دلیلی نمی‌تواند اقناع‌کننده افکار عمومی باشد. اساساً مردم نقطه مقابل شفاف‌سازی را پنهان‌کاری می‌دانند؛ بنابراین نباید از این ابزار بسیار ارزشمند برای اقناع‌سازی و رضایت‌مندی جامعه غفلت کنند. آنچه نظام اسلامی را در مقابل تهدیدات بیرونی و مشکلات داخلی بیمه می‌کند، حضور گسـترده آحاد مردم پای انقلاب است؛ از این رو مردمی که برای حفظ انقلاب از بذل جان و مال دریغ نمی‌ورزند، نباید نامحرم تلقی شوند. چه اشـکالی دارد که مردم مطلع شوند حقوق نماینده یا وزیر یا قاضی چقدر اسـت؟ اگر امروز دشمن در فضای مجازی با هدف ایجاد دلسردی و ناامیدی بذر نفاق را می‌پراکند و به دنبال بدبین کردن مردم به حاکمیت از همین راه اسـت؛ آیا بهتر نیسـت این منافذ را شناسایی کرده و آنها را مسدود و دشـمن را ناامید کنیم؟ مطالبه‌گر اصلی در طرح شفاف‌سازی، مردم هستند که به باور امام و رهبری، ولی نعمتان انقلاب به شـمار می‌آیند و انقلاب یک لحظه بدون این پشـتوانه قادر به ایسـتادگی در برابر هجمه‌های دشمنان نیست. وحدت ملی، عزم ملی، اقتدار ملی، منافع و امنیت ملی در گرو رفتار صادقانه مسئولان در هر سـطحی که هستند با مردم است و مخالفت با شفاف‌سـازی چه در قوه قضائیه، چه مجلس و چه ریاسـت‌جمهوری و چه سایر دستگاه‌های خدماتی نظام، بـرگ امتیازی برای مخالفان به شمار می‌آید. شفاف‌سـازی، مقبولیت و اعتماد می‌آورد، همراهی با نظام و تحمل بار مشکلات را آسان کرده، به کار آمدی و پیش‌رونده بودن در داخل کمک می‌کند و همه اینها دشمن را ناامید می‌کند و ناامیدی دشمن یعنی ناکارآمدن کردن تیغ او در بدبین کردن مردم و حاکمیت از یکدیگر. جریان‌های سیاسی با هر سلیقه و مشی جناحی، مراقب باشـند در جورچین دشمن بازی نکنند. استفاده جناحی از یک طرح ملی یعنی بازی در جورچین دشـمن. اساساً هیچ مسئولی نباید به خود حق بدهد که وقتی کارگزار نظام شد منافع جناحی را بر منافع ملی برتری دهد و با عناوین و برچسب‌های باندی، جامعه را از طرحی که منفعت عمومی و اقبال عمومی را به دنبال دارد محروم کند. این موضوع نباید به محل مناقشه تبدیل و قربانی اغراض سیاسی شود.

گام دوم

تبیین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

مقابله با ایران؛ از نوچه‌های نوژه تا اجماع جهانی

□ حسن خدادی/ در یادداشت شماره قبلی مسیر چالش‌های آمریکا با جمهوری اسـلامی ایران بررسـی و نشان داده شـد، افزایش سطح و عمق چالش‌های دو کشـور پیشـرفت و قدرت روزافزون جمهوری اسلامی ایران و ضعف و زبونی دشمنانش را به رخ می‌کشد. در این شماره پس از بررسی سطح چالش‌ها، ابزارهای مقابله آمریکا با جمهوری اسلامی ایران بررسی خواهد شد. اینکه کشور آمریکا برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران چه ابزار و وسیله‌ای را به کار می‌برد، موضوعی است که در چهار دهه گذشته همواره در حال تغییر بوده است. همانند سطح چالش‌ها، نوع و میزان کاربرد این آلات سرنگونی نیز در سـنجش قدرت و میزان پیشرفت جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است. حوادثـی مانند واقعه طبس، کودتای نـوژه و تحریک گروه‌های تجزیه‌طلب و تروریسـت‌های دست‌نشانده منافقین در سال‌های اولیه انقلاب اسلامی نشان می‌دهد، کشور آمریکا در ابتدای انقلاب اسلامی فکر می‌کرد می‌تواند با کمترین وسـیله و هزینه ممکن این نظام نو پا را ساقط کند؛ اما شکست‌های پی‌درپی در دهه اول انقلاب اسـلامی و سـال‌های پس از آن کار را به جایی رسانده که در آغاز دهه پنجم انقلاب اسلامی، هرگونه برخورد آمریکا با جمهوری اسلامی ایران نه تنها ممکن نیسـت؛ بلکه این کشـور را به لحاظ نظامی و سیاسی به تشـکیل ائتلاف‌های بین‌المللی وادار کرده است که معمولاً مرعوبان و معاندان تنها همراهان آنها هستند.

توصیف چنین وضعیتی در کلام رهبر معظم انقلاب(مدظله‌العالی) به خوبی نقش بسته است. ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می‌فرمایند: «اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملّت ایران فائق آید، امروز برای مقابله سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب می‌بیند و البته باز هم در رویارویی، شکسـت می‌خورد. ایران به برکت انقلاب، اکنون در جایگاهی متعالی و شایسـته ملت ایران در چشـم جهانیان و عبور کرده از بسی گردنه‌های دشوار در مسائل اساسی خویش است.»

جمهوری اسلامی ایران بعد از هر ترفند و توطئه دشمن نه تنها تضعیف نشده و عقب‌نشـینی نکرده است، بلکه با پیشرفت همه‌جانبه مسیر موردنظر خود را با سرعت بیشـتری طی کرده است. وجود متحدان جبهه مقاومت در منطقه و همراهی روسیه با ایران در تحولات سوریه نشان داده است، بسیاری از گروه‌ها و کشورهای گوناگون برای رسیدن به اهداف سیاسی و نظامی در منطقه و نظام بین‌الملل، خود را محتاج همراهی با جمهوری اسلامی ایران می‌دانند. نمونه بارز این کشورها دولت «ترکیه» است. این کشور پس از یک زورآزمایی نابرابر در سال‌های ابتدایی تحولات سوریه، با ناامیدی از متحدان غربی و عربی به سرکردگی آمریکا، برای رسیدن به اهداف خود به ناچار با ائتلاف مقاومت به رهبری ایران همراهی کرد و در این راه قطر نیز با آنها همراه شد.

افزایش قدرت نظامی ایران همراه با تقویت راهبردهای سیاسی و دیپلماسی فعال مقاومت سبب شده است دولت آمریکا در ائتلاف‌های منطقه‌ای و جهانی خود نیز شکست بخورد. امروزه کشورهایی مانند اتحادیه اروپا نیز با اکراه و تنها به دلیل ترس از نفوذ روسیه و چین مجبور به همراهی آمریکا هستند. در حال حاضر، تنها متحدان واقعی این کشـور رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی هستند که به دلیل ترس از موجودیت منحوس‌شان بر آمریکا تکیه کرده‌اند.

تلاش‌های ناموفق و شکست‌خورده اخیر آمریکا در خلیج‌فارس برای تشکیل ائتلاف علیه جمهوری اسلامی ایران نشان داد، این مرحله از ابزارها و وسایل مورد نظر آمریکا علیه ایران نیز با شکست مواجه شده و این کشور ناچار است روش‌ها و ابزارهای دیگری به کار بگیرد که در آینده روشـن خواهد شـد. تحلیل‌های مربوط به تنش‌های داخلی در آمریکا این واقعیت را آشکار کرده است که بیشتر سیاستمداران این کشور به شکست ابزارهای‌شان در مقابل جمهوری اسلامی ایران واقف هسـتند. برای نمونه، کنار گذاشتن «جان بولتون» جنگ‌طلب از سوی ترامپ به خوبی نشان داد، این کشور توان و ظرفیت لازم را برای مقابله با ایران ندارد و هر گونه طبل خشـونت‌آمیز از سوی چنین افرادی با مخالفت افکار عمومی و سیاستمداران کارکشته آمریکا مواجه است.

بنابراین تشـدید و گسـتردگی ابزارهای مورد نظر آمریکا برای مقابله با جمهوری اسـلامی ایران در چهار دهه گذشـته هر روز تقویت شده و هر بار نیز شکسـت خورده اسـت. یکی از مهم‌ترین روش‌های فعلی این کشـور در کنار جنگ نرم و تحریم‌های اقتصادی وادار کردن جمهوری اسـلامی ایران به مذاکره و در نهایت برقراری یک روابط دوسویه برای نزدیکی و نفوذ در ساختار نظام سیاسـی جمهوری اسلامی ایران است. نسـل جدید انقلاب اسلامی در گام دوم انقلاب اسلامی نه تنها باید مسیر تقویت نظامی، سیاسی و اقتصادی گذشـته را ادامه دهد؛ بلکه مراقبت از سیاسـت‌های نرم و تلاش آمریکا برای نفوذ در کشـور از طریق مذاکره را خنثی کند. این مهم بیش از هر چیزی با روشـنگری، بصیرت و آگاهی دادن به مردم میسـر می‌شود؛ چون اگر مردم جنایت‌های آمریکا را فراموش کرده و رسانه‌های معاند وعده شکل‌گیری «مدینه فاضله» را به واسـطه رابطه با آمریکا القا کنند. فضا به سـمتی پیش خواهد رفت که آرمان‌های انقلاب رو به فراموشـی رفته و مصالح ملی آسـیب جدی خواهد دید.

عکس خبر

۶۸۶ طرح عمرانی خدماتی و فرهنگی که با همت قرارگاه پیشرفت و آبادانی سپاه خراسان شمالی ساخته شده، با حضور فرمانده کل سپاه در دهستان «گیفان» افتتاح شد

طلاب جهادی محرم که برای سازندگی و تبلیغ به نزدیک مرز آمده‌اند، در حال ساخت مسجد، خانه، سرویس بهداشتی و تبلیغ در مناطق روستایی خراسان جنوبی هستند.

پس از حذف عبارت شهید از تابلوهای شهری در تهران، جوانان آتش به اختیار در حال بازگرداندن این عنوان مقدس به نام خیابان‌ها هستند تا در خوشبختانه‌ترین حالت ضعف شهرداری را جبران کنند

شش ماه از سیل در شهرستان پلدختر می‌گذرد و نیروهای بسیج و سپاه همچنان به طور جهادی در حال خدمت‌رسانی به مردم و تلاش برای آماده کردن خانه‌ها قبل از فرا رسیدن فصل سرما هستند

مردم اسپانیا نه تنها به گاوها، گوجه‌ها و... رحم نمی‌کنند. به خودشان هم رحم ندارند! مردم گوادیز در جشنواره‌ای خود را با گریس سیاه کرده و تا روستای بعدی می‌دوند!

بیرون ماندن اسکناس‌های ترامپ از جیبش حین سوار شدن بر هواپیما سوژه مردم آمریکا شده است. احتمالاً فکر کرده سوار تاکسی می‌شه که پول خورد داره می‌بره!

صبح صادق

گدایی ترامپ از ایران

«سیدحسن نصرالله» می‌گوید: «رئیس‌جمهور آمریکا به دنبال پول است نه جنگ. او به دنبال [پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری آتی] است. شما [سعودی‌ها و اماراتی‌ها] روی دولت شکست خورده او حساب باز کرده‌اید. این دولت در سیاست‌های خود در قبال کشورهای ونزوئلا، کره شمالی، چین، سوریه، عراق، فلسطین و به زانو درآوردن ایران شکست خورده است. ترامپی که شما روی او حساب باز کرده‌اید، خودش برای اینکه با حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران دیدار کند، گدایی می‌کند.»

یادداشت

دشمن در شرایط خلع سلاح

□ **رضا زین‌العابدین /** شنبه گذشته (۱۴ سپتامبر) «یحیی سریع» سخنگوی ارتش و کمیته‌های مردمی یمن، اعلام کرد که یگان پهپادی یمن با ده پهپاد، پالایشگاه‌های «بقیق» و «خریص» شرکت آرامکو در منطقه «شرقیه» عربستان سعودی را هدف قرار داده است. در پی این حمله و به اذعان وزیر انرژی سعودی، نیمی از تولید و صادرات نفت این کشور (تولید ۵ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه نفت در روز) به حالت تعلیق درآمد و منجر به افزایش ۲۰ درصدی قیمت نفت در بازارهای جهانی شد.

آمریکا و عربستان سعودی عامل اصلی این حملات را ایران اعلام کرده و این‌گونه القا کردند که ایران درصدد است آتش تنش و منازعه در منطقه خلیج‌فارس را گسترده کند. با کلید خوردن این اتهام، سعودی‌ها و همچنین غربی‌ها از طریق رسانه‌های خود، جنگ روانی جدیدی را علیه ایران آغاز کردند تا بتوانند فشارها علیه ایران اسلامی را افزایش داده و این‌گونه القا کنند که در آینده‌ای نزدیک، جمهوری اسلامی ایران پاسخ حملات پهپادی به شرکت‌های نفتی عربستان را دریافت کرده و ائتلاف عربی به همراه متحدان غربی خود حملات موشکی جدیدی را علیه ایران آغاز خواهد کرد که منجر به جنگی گسترده در منطقه خواهد شد.

بر این اساس، پرسشی که اکنون در میان جامعه به وفور مطرح می‌شود این است که آیا جنگی علیه ایران صورت خواهد گرفت یا خیر؟ در پاسخ به این پرسش، به دلایل زیر باید گفت قطعاً جنگی علیه ایران صورت نخواهد گرفت:

۱ـ آمریکایی‌ها تصور می‌کنند که با فشار حداکثری در تحریم اقتصادی علیه ایران به برخی اهداف خود از جمله فاصله میان جامعه و حاکمیت دست پیدا کرده‌اند و هرگونه اقدام نظامی احتمالی منجر به اتحاد بیش از پیش میان جامعه و حاکمیت ایران علیه آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای آنها خواهد شد که در نتیجه شکست تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران را در پی خواهد داشت.

۲ـ در صورت بروز جنگ میان ایران و دشمنان ایران، دوقطبی جنگ یا مذاکره تأثیر خود را از دست خواهد داد؛ زیرا تاکنون آنها با القای جنگ میان ایران و آمریکا درصدد القای این مطلب بودند که اگر جنگی صورت گیرد، ایران دچار خسارات سنگین بالاتری از تحریم‌های اقتصادی کنونی خواهد شد؛ بنابراین بهتر است به میز مذاکره برگردد. بر همین اساس اگر جنگی رخ دهد این سناریو و جنگ روانی آمریکایی‌ها نیز با شکست مواجه خواهد شد و مردم ایران نسبت به این دو قطبی جنگ یا مذاکره دیگر عکس‌العملی نشان نخواهند داد و برای رهایی از تحریم‌های اقتصادی دشمن، خواستار مذاکره و حتی دادن امتیازات بعدی در حوزه‌های منطقه‌ای و موشکی از سوی ایران به دشمن نخواهند شد.

۳ـ آمریکایی‌ها با تحریم‌های شدید اقتصادی علیه ایران و از طرفی مدیریت قیمت و فروش نفت توانسته‌اند فشارهای زیادی به کشورمان وارد کنند که در صورت وقوع درگیری نظامی، کشورهای خریدار نفت در دنیا در تأمین نفت خود احساس خطر خواهند کرد. این احساس ناامنی منجر به افزایش قیمت نفت خواهد شد که با توجه به وضعیت اقتصادی جهانی، هیچ کشوری آمادگی پذیرش آن را ندارد، ضمن اینکه ایران خواهد توانست مقداری از بار فشار تحریم‌ها را کاهش دهد.

۴ـ در چنین شرایطی نقاط حساس و راهبردی کشورهای تولید کننده نفت از جمله عربستان، بحرین و... و همچنین پایگاه‌های نظامی آمریکا که در تیررس موشک‌های ایران هستند، مورد هدف قرار می‌گیرد که این امر علاوه بر تهدید امنیت پایگاه‌های نظامی آمریکا، سبب خواهد شد تولیدات نفت کشورهای عربی و به دنبال آن تولید نفت دنیا کاهش و قیمت نفت افزایش یابد و بسیاری از کشورهای مصرف‌کننده نفت در تأمین نفت مورد نیاز خود با مشکل مواجه شوند.

رصد

واپایش آخرین اخبار منطقه و جهان

آسوشیتدپرس: عربستان میلیاردها دلار برای محافظت از ذخایر عظیم نفتی هزینه کرد؛ اما نتوانست مانع از حمله موشکی و پهپادی شود. این حمله ضعف‌هایی از این کشور را نمایان کرد که حتی پیشرفته‌ترین تسلیحات آمریکا نتوانست آنها را برطرف کند.

ایندیپندنت: حمله به آرامکو پرسش‌های جدیدی را درباره آسیب‌پذیری زیرساخت‌های غیر نظامی و نظامی عربستان در برابر حملات هواپیماهای بدون سرنشین ایجاد می‌کند. تاکنون ده‌ها حمله به فرودگاه‌های عربستان سعودی، تأسیسات آب شیرین و زیرساخت‌های نفتی این کشور صورت گرفته است. موشک‌هایی که احتمالاً حوثی‌ها شلیک کرده‌اند، گاهی چندین مرتبه در هفته از مرز یمن به سمت اهدافی در عربستان شلیک می‌شوند.

رأی‌الیوم: حمله به تأسیسات نفتی عربستان صرف‌نظر از اینکه چه کسی آن را انجام داده، انتقال از جنگ سنتی به جنگ سایبری یا ترکیبی از این دو را نشان می‌دهد و شاید مقدمه‌ای برای حملات بیشتر به زیرساخت‌های دیگر عربستان، نظیر ایستگاه‌های آب و برق در مرحله بعدی باشد. قطعاً ترامپ که از طریق خروج از توافق هسته‌ای و تحمیل تحریم‌های شدید علیه ایران اوضاع را متشنج کرد، مسئول چنین حملاتی است و ایرانی که جیمی کارتر را ساقط کرد، ترامپ را هم در انتخابات آتی ساقط خواهد کرد. خدا می‌داند.

پولیتیکو: معتمدان و نزدیکان دونالد ترامپ می‌گویند رئیس‌جمهور آمریکا شاید به تندی و سرسختانه صحبت کند؛ اما او به شدت در زمینه کشاندن آمریکا به یک جنگ جدید در خاورمیانه بی‌میل است. ترامپ دوست دارد درباره یک بازی بزرگ صحبت کند و آن نوع از سیاست‌هایی را که سرسختانه به نظر می‌رسند، دوست دارد، اما وقتی قرار است آن سیاست‌ها وارد صحنه جهان واقعی شوند به اجرای‌شان بسیار بی‌میل می‌شود.

فارین‌پالیسی: امروزه واشنگتن به دنبال مجبور کردن ایران برای کنار گذاشتن هر سه ستون اصلی قابلیت‌های بازدارنده خود است: برنامه هسته‌ای، برنامه موشکی و نفوذ منطقه‌ای. اما از دیدگاه تهران، کنار گذاشتن همه این قابلیت‌های بازدارنده سبب می‌شود رژیم ایران بی‌دفاع و بی‌قدرت بماند. چنین درخواستی از تهران همانند تقاضایی است که واشنگتن از پیونگ یانگ کرد؛ اما بدون شک هیچ کشوری بر سر آنچه آن را ابزار بقا می‌داند، سازش نمی‌کند. در واقع، تهران نه تنها از کاهش فعالیت‌های منطقه‌ای خود امتناع کرده؛ بلکه حتی آنها را تهاجمی‌تر دنبال کرده است.

القدس العربی: دولت‌های عربی توان ایراد حتی یک کلمه انتقادآمیز علیه ترامپ را ندارند؛ ترامپی که هیچ احترامی برای آنها باقی نگذاشته و آشکار این دولت‌ها را گاو شیرده خطاب می‌کند. دولت‌های خلیج‌فارس، طرف‌هایی هستند که دوشیده می‌شوند و در عین حال خوشحالند؛ در شرایطی که ایران، پیشنهاد کمک‌های مالی هنگفت را دریافت می‌کند. دولت‌های خلیج‌فارس، از ترس بر خود می‌لرزند و با حماقت و چاپلوسی رفتار می‌کنند؛ اما ایران قدرتمندانه شرط تعیین می‌کند. دولت‌های خلیج‌فارس به دنبال جلب رضایت ترامپ هستند و با این حال، وی آنها را تحقیر می‌کند؛ ولی این ایران است که با ترساندن آمریکا و اروپا به خواسته‌های خود می‌رسد.

آتلانتیک: ترامپ و اعضای خانواده او از نوامبر ۲۰۱۶ در حال به جیب زدن پول‌های کلان از کشورهای حاشیه خلیج‌فارس بوده‌اند. هیچ فرد عاقلی باور نمی‌کند که سیاست‌های آمریکا تنها براساس منافع ملی تعریف می‌شود. اینکه شاید ریاست‌جمهوری ترامپ برای فروش یا اجاره است، همه آن چیزی نیست که جریان دارد؛ اما ماهیت همین حکومت آنقدر کافی است تا بر نخستین اصل سیاست خارجی در سال‌های ترامپ صحه بگذارد. هیچ جنگی نباید با حضور این رئیس‌جمهور رخ دهد.

نیویورک‌تایمز: سعودی‌ها می‌خواهند نظامیان آمریکایی را در نبرد با ایران به کشتن دهند. جنگ با ایران یک فاجعه است. بازگشت آمریکا به برجام تنها راه خروج از این بحران خودساخته است. ترامپ با وضعیت بغرنجی روبه‌روست.

حمله پهپادی به آرامکو، پیامدها و سناریوهای پیش رو

روند قدرت‌یابی انصارالله ادامه دارد

□ **محمدحسن سجادی /** با هدف قرار گرفتن شرکت نفتی آرامکو، بن‌سلمان عنوان کرد حدود ۵/۷ میلیون بشکه نفت از ظرفیت فرآوری و صادرات نفت عربستان کاسته شده است. این حادثه از این نظر که پس از حمله عراق به کویت مشابهی نداشته، قابل توجه است. صرف نظر از همه جزئیات این حادثه، از جنبه‌های گوناگونی می‌توان این حمله پهپادی را مورد توجه قرار داد که طیف گسترده‌ای از موضوعات، از جمله ناکارآمدی شبکه پدافندی موشکی عربستان، حمایت نکردن ایالات متحده از عربستان و تمایل رژیم سعودی به کره جنوبی برای تقویت سامانه موشکی خود تا پیام انصارالله به سرمایه‌گذاران در عربستان و امارات را در بر داشته است. با وجود این، آنچه نقطه تمرکز خواهد بود، گزینه‌های آینده عربستان در قبال این حادثه است که در یادداشت پیش رو بررسی خواهد شد. این گزینه‌ها عمدتاً ناطمینانی‌هایی هستند که در زمینه سیاست‌های آینده عربستان در قبال این حادثه مطرح می‌شود.

۱ـ افزایش تنش در پی تهدید غول نفتی

نخستین گزینه‌ای که به ذهن می‌رسد، این است که عربستان سعودی حملات خود را به دلیل مقابله‌به‌مثل علیه انصارالله افزایش دهد، اما آنچه این گزینه را دشوار می‌کند، دور باطلی است که عربستان طی خواهد کرد. طبیعتاً حملات انصارالله به مراکز حیاتی عربستان، هزینه بیشتری برای این کشور خواهد داشت تا حملات عربستان به انصارالله برای یمن. به عبارت دیگر، اگر عربستان در پی این حادثه حملات خود را تشدید کند، در سوی دیگر انصارالله نیز وارد مرحله جدیدی از حملات خواهد شد که شامل هدف قرار دادن مراکز حیاتی، مانند پایگاه‌های برق یا پالایشگاه‌های نفتی جدید خواهد بود. بنابراین پیامدهای سنگین این سیاست برای عربستان، ریاض را به تأمل بیشتر در پاسخگویی وادار کرده است.

۲ـ تمایل به حل منازعه با یمن

گزینه دیگری که عربستان می‌تواند در نظر داشته باشد، این است که با توجه به افزایش هزینه‌های جنگ برای دولت سلمان، تلاش کند جنگ یمن را به پایان برساند. این گزینه نیز چند مشکل اساسی دارد؛ نخست اینکه عربستان هم‌اکنون در موضع قدرت قرار ندارد، بنابراین درخواست پایان جنگ می‌تواند ضمن زیر سؤال بردن اعتبار بین‌المللی عربستان، منافع حداقلی را برای این کشور در مذاکرات احتمالی داشته باشد. از سوی دیگر، اقناع افکار عمومی داخلی عربستان نیز در این وضعیت دشوار خواهد بود و شاهزادگان سعودی به این پرسش افکار عمومی که نتیجه و دستاورد جنگ برای عربستان چه بود، پاسخ قابل قبول ندارند؛ بنابراین امکان حرکت به سوی این گزینه با موانع اساسی روبه‌روست.

۳ـ گفت‌وگوی مستقیم با ایران

گفت‌وگوی مستقیم با ایران گزینه دیگری است که عربستان می‌تواند مورد توجه قرار دهد. با وجود این، چند نکته مهم نیز درباره این گزینه قابل طرح است. نخست، اگر عربستان بپذیرد که در زمینه یمن با ایران گفت‌وگو کند، به معنای آن است که ایران را به مثابه کنشگری مؤثر در زمینه تحولات یمن پذیرفته است؛ موضوعی که همواره عربستان از آن پرهیز می‌کند. از سوی دیگر، عربستان می‌داند نفوذ فزاینده جمهوری اسلامی در یمن انکارپذیر نیست و قدرت‌یابی انصارالله در یمن نیز به تداوم این نفوذ کمک کرده است. دوم، گفت‌وگو با ایران به برقراری مجدد روابط میان دو کشور نیاز دارد که خود نیازمند پیش‌زمینه‌های سیاسی و دیپلماتیک است و زمان‌بر خواهد بود، مگر اینکه گفت‌وگوها محرمانه و غیررسمی باشد. سوم، موضوع ایران و یمن برای عربستان موضوعی «سهل و ممتنع» بوده؛ به این معنا که هم عربستان می‌داند انصارالله به‌تنهایی نمی‌تواند چنین توانایی نظامی توسعه‌یافته‌ای داشته باشد و اعلام می‌کند که ایران از انصارالله حمایت می‌کند و هم تاکنون نتوانسته به جز اتهامات رسانه‌ای مدرکی دال بر این فرضیه بیابد، این موضوع کار را برای عربستان دشوار کرده است؛ بنابراین تحقق گزینه مذکور نیز دشوار به نظر می‌رسد.

۴ـ مصمم شدن برای «متنوع‌سازی اقتصادی»

گزینه دیگر این است که عربستان شرایط جنگی با یمن را به حالت کنونی ادامه دهد؛ اما تصمیم خود مبنی بر متنوع‌سازی اقتصادی را که در برنامه‌های اقتصادی بن سلمان و سند ۲۰۳۰ بوده، با جدیت و سرعت بیشتر پیگیری کند تا از این طریق میزان آسیب‌پذیری‌های خود در حوزه اقتصاد انرژی را کاهش دهد. البته این گزینه نیز با چند مانع روبه‌رو است.

اولاً، چنین سیاستی یک روند طولانی‌مدت به حساب می‌آید و در کوتاه‌مدت نمی‌تواند پاسخ مناسبی به تحولات اخیر باشد.

ثانیاً، تغییر رویکرد عربستان از اقتصاد مبتنی بر انرژی به اقتصاد توریستی نیز در میان جنگ امکان‌پذیر نیست، علاوه بر اینکه این صنعت در برابر تهدیدات نظامی آسیب‌پذیرتر است، چراکه اقتصاد توریستی به فضای باثبات و امن نیاز دارد.

۵ـ تقویت سامانه موشکی و پدافندی

حمله به آرامکو به منزله قلب اقتصادی عربستان نشان داد، شبکه‌های پدافندی این کشور توان کافی برای تأمین امنیت مراکز استراتژیک را ندارد. از سوی دیگر پاسخگو نبودن ایالات متحده در زمینه ناکارآمدی سامانه پاتریوت، ولی‌عهد سعودی را بر آن داشت تا به دنبال جایگزین‌های مناسب باشد. در این راستا، درخواست سلمان از کره جنوبی برای تقویت سامانه‌های موشکی عربستان نخستین گام برای اجرای سیاست تقویت سامانه موشکی محسوب می‌شود. این سیاست به نسبت گزینه‌های پیشین سهل‌الوصول‌تر و سطحی‌تر بوده و به نظر از جمله معدود گزینه‌هایی است که موانع کمتری برای تحقق دارد. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد حمله به آرامکو بهانه لازم را به کشورهای تولیدکننده تسلیحات خواهد داد تا بازار فروش خود به عربستان را فعال نگه دارند. البته تردیدی وجود ندارد که حتی تقویت سامانه‌های پدافندی عربستان نیز نخواهد توانست مانع آسیب‌پذیری این کشور در برابر انصارالله شود.

۶ـ تقویت ائتلاف‌سازی علیه ایران

شاید پیوستن عربستان به ائتلاف دریایی در روزهای گذشته را بتوان نخستین واکنش عربستان به تحولات اخیر دانست. عربستان سعودی به تجربه دریافته است بازنده اصلی نبرد یمن بوده است، بنابراین هم توان نظامی و هم ظرفیت کافی برای غلبه بر این بحران را ندارد. عربستان گذشته از تقویت نظامی خود، «ائتلاف‌سازی یا پیوستن به ائتلاف‌ها» را مطلوب‌ترین گزینه در نظر گرفته است. در این قالب، ائتلاف علیه ایران در چارچوب ابتکار ائتلاف دریایی ایالات متحده را انتخاب کرده است، این در حالی است که شکاف در شورای همکاری و نداشتن درک مشترک از منافع و تهدید، عملاً عربستان را از کارآمدی این شورا ناامید کرده است؛ از سوی دیگر آنچه می‌تواند نقطه عطف تعیین‌کننده‌ای برای عربستان باشد؛ این است که ریاض، ایالات‌متحده را قانع کند در جنگ یمن مداخله کند. اجرایی شدن این گزینه نیز با توجه به فضای کنونی سیاست خارجی آمریکا و نزدیکی به انتخابات ۲۰۲۰ با وجود تلاش SAPRAC (لابی سعودی در آمریکا) بسیار دشوار به نظر می‌رسد.

نتیجه

آنچه می‌توان از حادثه آرامکو دریافت، این است که روند قدرت‌یابی انصارالله به سرعت ادامه دارد و در مقابل عربستان با وجود هزینه‌ای بالغ بر حدود هفت میلیارد دلار در ماه و طولانی شدن جنگ با یمن نوعی فرسایش را در ساختار اقتصادی و نظامی خود مشاهده می‌کند. شاید بیراه نباشد اگر عربستان سعودی را بازنده بزرگ جنگ یمن بدانیم؛ چرا که اهداف تعریف شده برای عربستان در حالت حداکثری با اهداف تعریف شده سایر کنشگران متفاوت بوده است که در مقایسه با سیاست‌های پیچیده‌تر امارات در یمن نیز قابل اثبات است. در انتها چند گزاره را می‌توان نتیجه گرفت:

نخست، عربستان سعودی گزینه‌ای که در کوتاه‌مدت پاسخی قاطع و تأثیرگذار به حمله به آرامکو بدهد، ندارد و نگرانی از پیامدهای آن و وارد شدن ضربه دیگر بر پیکر اقتصاد عربستان مهم‌ترین مانع برای شاهزادگان ریاض است.

دوم، در وضعیت کنونی و این پیش‌فرض که شرایط یمن به حد کافی هزینه‌بر و پیچیده است، فضا را برای اقناع‌سازی عربستان و ورود کنشگران جدید مانند ایالات‌متحده دشوار کرده است. این مسئله زمانی سخت‌تر می‌شود که افکار عمومی جهان نیز دیدگاه مناسبی به جنگ عربستان در یمن و هدف قرار دادن غیرنظامیان ندارند.

در پایان نیز به نظر می‌رسد عربستان دو گزینه که شامل پاسخ کوتاه پدافندی در قالب تقویت سامانه دفاعی و ورود به ائتلاف‌های موجود، مانند ائتلاف دریایی علیه ایران را در دسترس‌ترین پاسخ‌ها می‌داند، اگرچه هر دو پاسخ نمی‌تواند اصل قضیه، یعنی روند فزاینده قدرت انصارالله را پاک کند.

فراسو

زلزله در هژمونی غرب

□ **حسن مرادخانی /** امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در ۲۷ آگوست ۲۰۱۹ در میان سفرای این کشور در پاریس اشاره کرد: «ما شاهد پایان هژمونی غرب بر جهان هستیم. ما از قرن هجدهم به نظامی مبتنی بر هژمونی غربی عادت کرده‌ایم که رهبری آن نیز بر عهده فرانسه و جنبش روشنگری بود. در قرن نوزدهم، این رهبری به واسطه انقلاب صنعتی در اختیار بریتانیا قرار گرفت و در قرن بیستم نیز به واسطه دو جنگ جهانی و استیلای اقتصادی ایالات متحده، رهبری به آمریکا رسید. اوضاع تغییر کرده است و غربی‌ها مرتکب اشتباهاتی شده‌اند. در جریان بحران‌ها، برخی تصمیمات غلط اتخاذ شده است. برخی از تصمیمات و اقدامات غلطی از سوی آمریکا اتخاذ شد که تبعاتی داشت و تصور می‌کردیم این تبعات غیرملموس خواهد بود؛ در حالی که باعث شد تا اوضاع شروع به تغییر کند. در نتیجه امروز واقعیات ژئوپلیتیکی تغییر کرده است و با ظهور قدرت‌های جدیدی روبه‌رو هستیم که آنها را دست کم گرفته بودیم. در وهله اول چین. علاوه بر این، روسیه که در سال‌های اخیر راهبردهای موفق‌تری از ما داشته است. علاوه بر قدرت‌های اقتصادی، قدرت‌های سیاسی نیز ظهور کرده‌اند که خود را تمدن‌هایی می‌دانند که در حال تغییر نظم بین‌المللی هستند و بر اقتصاد جهانی نیز اثرگذارند. به چین، هند و روسیه بنگرید که انگیزه‌های سیاسی به مراتب قدرتمندتری از اروپایی‌ها دارند. آنها با فلسفه، منطق و تصوراتی عمل می‌کنند که ما آنها را از دست داده‌ایم و این مسئله ما را نیز دستخوش تغییر و تحول می‌کند.»

مکرون با اشاره به تغییرات عمده‌ای که در سطح جهانی در حال وقوع است و بر تمام سطوح اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی و نظامی کشورها تأثیر گذاشته، فروپاشی هژمونی غرب را صراحتاً پذیرفته است. در همین راستا باید اشاره داشت، جامعه غرب در طول ده سال گذشته، زیر سایه نظام سرمایه‌داری به بحران معنای بسیار پیچیده‌ای دچار شد که فلسفه‌های غربی نیز از درمان آن عاجز مانده‌اند. در این میان، تعریف زندگی غربی معنای خود را از دست داده است و مردمان کشورهای اروپایی به دنبال هویت‌های جدید هستند. همچنین مفاهیم جدیدی از سوی برخی کشورها در نظام جدید بین‌الملل ایجاد شده است که ضربه مهلکی بر پیکره غرب بود؛ مفاهیمی مانند مقاومت.

بحث مقاومت در برابر هژمون غرب، اولین بار به معنای واقعی کلمه با انقلاب اسلامی ایران به دنیا عرضه شد و پس از چهل سال از عمر این انقلاب و ایستادگی در برابر تمام فشارهای غربی، واژه مقاومت دوباره تقویت شد. این مقاومت درون خود، خودباوری‌هایی را به تمام دنیا نشان داد که ماحصلش اعتراف مکرون رئیس‌جمهوری فرانسه به پایان هژمونی غرب است.

در مجموع می‌توان فروپاشی هژمون غرب را با قدرت‌گیری اقتصادی چین و هند با اتکا به سبک شرقی خود و افزایش توان نظامی روسیه و آغاز ورود به حیاط خلوت‌های آمریکا و غرب در نقاط مختلف دنیا؛ به ویژه دمیدن روح مقاومت و خودباوری به مردمان ملت‌های مختلف از سوی جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر اصول توحیدی ـ اسلامی تعریف کرد. هژمون غرب با رخدادهای اخیری که در سطح شرق جریان داشته است، به سمت فروپاشی نزدیک شده و در حال انتقال این هژمونی به شرق است. با انتقال این هژمونی به شرق، پارادایم‌های غربی جای خود را به پارادایم‌های شرقی خواهند داد که برای انسان بحران‌زده امروزی که به دنبال معنایی برای زندگی می‌گردد، نقش جمهوری اسلامی ایران در ارائه تصویری از انسان ناب براساس دین ناب می‌تواند تأمل‌برانگیز باشد.

پنجره

سه بازیگر و دو هدف

□ **محمدرضا فرهادی /** نشست سه‌جانبه ایران، ترکیه و روسیه درباره سوریه در آنکارا و در راستای برگزاری نشست‌های صلح آستانه برگزار شد. نشست‌های آستانه، نشست‌هایی هستند که به ابتکار سه کشور برای رسیدن به توافق سیاسی و فراگیر میان سه کشور درخصوص سوریه برگزار می‌شوند. نشست‌های کارشناسی در آستانه و میان کارشناسان سه کشور برگزار می‌شود؛ اما جمع‌بندی و رسیدن به حصول نتیجه میان رؤسای سه کشور صورت می‌گیرد.

موضع جمهوری اسلامی ایران در این نشست‌ها معلوم و مشهود است. در نشست اخیر نیز ایران سه هدف کوتاه‌مدت و بلندمدت را ذکر و بر آن تأکید کرد: ۱ـ ادامه جنگ با تروریست‌ها در منطقه ادلب؛ ۲ـ حل مشکل شرق فرات و پایان دادن به حضور مداخله‌گرانه آمریکا؛ ۳ـ ضرورت حمایت از دولت مشروع و قانونی دمشق.

آنچه اکنون محل اختلاف میان سه کشور و تاحدودی میان ایران و روسیه با ترکیه است، گزینه اول و سوم است. ترکیه بنا بر مخالفت با پیشروی و حضور اقتدارزای کردها در مناطق شمالی و تا حدودی شرقی سوریه با گزینه دوم موافق است.

در مورد گزینه اول نیز تروریست‌هایی که اکنون در منطقه ادلب حضور دارند، گرچه به کشورهای مختلف وابسته هستند؛ اما از نظر اکثریتی به ترکیه وابستگی دارند. به همین منظور مشاهده می‌شود ترکیه در مقاطع مختلف کمک‌های تسلیحاتی متعددی را به این تروریست‌ها صورت می‌دهد. حضور این تروریست‌ها در منطقه ادلب بهانه‌ای برای حضور نظامی ترکیه شده و چنانچه موجودیت آنها با خطر مواجه شود، موجودیت نظامی و فیزیکی ترکیه نیز محلی از اعراب نخواهد داشت؛ به همین دلیل ترکیه تاکنون بارها مخالفت خود را با عملیات نظامی در ترکیه اعلام کرده است.

درباره گزینه سوم می‌توان گفت که سه کشور، اجماع خاصی بر این موضوع دارند و آنچه تاکنون محل اختلاف بوده، حضور افرادی خارج از حزب بعث در داخل دولت کنونی است.

با برگزاری نشست فوق، سه کشور درباره بیانیه‌ای ۱۴ بندی به توافق رسیدند که مهم‌ترین بندهای آن تأکید بر حاکمیت، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی جمهوری عربی سوریه، امنیت و ثبات در شرق و شمال سوریه و تکمیل موفقیت‌آمیز کار ترکیب کمیته قانون اساسی بود.

بنابراین در شمای کلی دلایل تشکیل نشست اخیر را می‌توان در دو گزینه زیر خلاصه کرد:

۱ـ هویت بخشیدن به کمیته قانون اساسی سوریه؛ این کمیته در جهت تدوین قانون اساسی سوریه ایفای نقش خواهد کرد و محل اختلاف سه کشور در نشست‌های آستانه است. دلیل اصلی مخالفت ایران حضور گروه‌های تروریستی در آن بود (گروه‌هایی که از منظر غرب میانه‌رو محسوب می‌شوند). اکنون این کمیته با حضور اکثریت گروه‌های سیاسی و اقلیتی هویت یافته است.

۲ـ مخالفت با اقدامات آمریکا در شمال و شرق سوریه؛ آمریکا اکنون در شمال و شرق تحرکات هم‌زمانی را آغاز کرده است. در شمال سوریه تحرکات نظامی آمریکا همراه با کردها برای تصرف مناطق سرزمینی و بسط موقعیت جغرافیایی کردهاست، از سوی دیگر حمایت‌های آمریکا از تروریست‌ها در ادلب که در قالب ائتلاف مبارزه با داعش صورت می‌گیرد.

تحرکات آمریکا در شرق به مراتب بیشتر و مهم‌تر از تحرکات شمالی است. آمریکا با همراهی عربستان تمام توان خود را در ایجاد شبکه‌هایی از گروه‌های بادیه‌نشین و مرکزی در سوریه قرار داده و هدف از تشکیل این گروه‌ها را جایگزینی آنها با کردها در آینده و جلوگیری از ارتباطات مرزی بین عراق و سوریه می‌داند.

در مجموع روند سیاسی سوریه چشم‌انداز روشنی را پیش روی خود دارد؛ هرچند روند مذاکرات کند پیش می‌رود؛ اما همین ابتکارات سه‌جانبه منجر به خارج شدن ابتکار عمل از دست سایر بازیگران مانند آمریکا شده است.

روزنه

انتخابات تونس

□ **برسام محمدی /** انتخابات تونس را باید یکی از پدیده‌های مهم سیاسی در جهان عرب در مقطع فعلی قلمداد کرد؛ زیرا این انتخابات در کشوری برگزار شد که مهد انقلاب‌های نیمه تمام عربی-اسلامی بوده و بیداری اسلامی از این کشور آغاز شد.

یازدهمین انتخابات تونس از آغاز و دومین انتخابات این کشور بعد از انقلاب سال ۲۰۱۱، در حالی با مشارکت ۴۵ درصدی رأی دهندگان برگزار شد که هیچ یک از نامزدها نتوانستند اکثریت آرا را به دست بیاورند؛ بنابراین انتخابات به دور دوم کشیده شد که در مهر ماه برگزار خواهد شد.

«قیس سعید» نامزد مستقل انتخابات، با ۱۸/۷ درصد آرا و «نبیل القروی» نامزد حزب قلب تونس، با ۱۵/۵ درصد آرا به دور دوم راه یافتند. «عبدالفتاح مورو» نامزد حزب جنبش النهضه، با ۱۲/۸ درصد آرا در جای سوم و «عبدالکریم الزبیدی» وزیر دفاع تونس، با ۱۰ درصد آرا در مکان چهارم قرار گرفت؛ در حالی که «یوسف الشاهد» نخست‌وزیر این کشور نیز تنها ۷/۴ درصد آرا را به دست آورد و پنجم شد.

در خصوص انتخابات ریاست‌جمهوری تونس توجه به برخی نکات ضروری است:

نکته اول؛ با وجود حضور شخصیت‌های مطرح و شناخته‌شده، هیچ یک از آنها نتوانستند موفقیتی در انتخابات ریاست‌جمهوری تونس به دست بیاورند. مردم در این انتخابات، جریان‌های اصلی سیاسی تونس و همچنین جریان سیاسی حاکم متمایل به «قائدالسبسی» را توبیخ کردند و بیشتر به چهره‌های مستقل رأی دادند.

نکته دوم؛ در این انتخابات دو نفر یعنی قیس سعید و نبیل القروی اکثریت آرا را به دست آوردند که افراد مستقلی از نظر سیاسی هستند و به ظاهر هیچ‌گونه تعلق سیاسی و جناحی ندارند. به ویژه قیس سعید ۶۱ ساله که بیشترین درصد آرا را کسب کرد، یکی از چهره‌های شناخته شده و از حقوقدانان برجسته تونس است که به جریان‌های اسلامی گرایش دارد. وی چهره‌ای مقبول در میان نسل جدید است و هیچ‌گونه سابقه منفی در افکار عمومی ندارد و تلاش می‌کند ضمن وفاداری به شهدای انقلاب تونس، خواسته‌های انقلاب را محقق کند. قیس سعید عبارت «مردم می‌خواهند» را شعار انتخاباتی خود تعیین کرده بود. این شعار از جمله مهم‌ترین شعارهای انقلاب مردم تونس محسوب می‌شد که منجر به سرنگونی حکومت «بن‌علی» شد.

برخورداری از دیدگاه‌ها و روحیات ضد صهیونیستی، حمایت از مسئله فلسطین و انتقاد و مخالفت علنی با عادی‌سازی روابط کشورهای عربی و اسلامی با رژیم صهیونیستی، یکی از وجوه بارز شخصیتی سعید قیس است.

نکته سوم؛ نتایج به دست آمده از سوی نبیل القروی، تاجر تونسی که در زندان به سر می‌برد نیز یکی از نکات مهم انتخابات ریاست‌جمهوری تونس است. در ۱ شهریور، القروی در پی یک قرار قضایی و به اتهام پولشویی و فساد، که از سوی یک سازمان مستقل داخلی علیه وی ارائه شده بود، دستگیر شد. القروی تاجر، رئیس حزب «قلب تونس» و از مطرح‌ترین مهندسان و طراحان توافق السبسی با جنبش النهضه و دستیابی به توافق و حکومت مشترک میان آن دو بود. القروی محبوبیت خود را مدیون شبکه‌ای تلویزیونی می‌داند که مالک آن است. وی با برنامه‌های اجتماعی و انسانی توانست در محافل فقیر تونس نفوذ کند و محبوبیت مشخصی به دست بیاورد. بازداشت القروی به اتهام فساد و پولشویی آن هم در شرایطی که مشکلات اقتصادی یکی از اولویت‌های مهم مردم در انتخابات است، شانس پیروزی وی در دور دوم انتخابات را کاهش داده است.

در پایان باید خاطرنشان کرد، پیشتازی قیس سعید در انتخابات تونس و صعود او به دور دوم انتخابات، که بیشتر مدیون دیدگاه‌ها و باورهای خاص او است، نشان می‌دهد که گرایش‌های ضد صهیونیستی همچنان یکی از آرمان‌های انقلاب تونس است. رأی اعتماد مردم تونس به قیس سعید نشان‌دهنده اصول ثابت مردم این کشور مبنی بر حمایت از مسئله فلسطین و مخالفت با رژیم صهیونیستی است.

کلید واژه

اتاق بازرگانی ایران

«اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران» مؤسسه غیرانتفاعی است که به منظور هماهنگی و همکاری بین بازرگانان، صاحبان صنایع و معادن، با نهادهای دولتی فعالیت می‌کند. در جلسات این اتاق، نمایندگان دولت و بخش خصوصی شرکت می‌کنند. همکاری با سازمان‌های دولتی و مؤسسات وابسته یا تحت نظارت دولت و نیز شهرداری‌ها، از جمله ارائه مشاوره در زمان تهیه لوایح و مقرراتی که با امور بازرگانی و صنایع و معادن ارتباط دارد، از وظایف این نهاد به‌شمار می‌رود. اتاق ایران، مدیریت دبیرخانه شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی را بر عهده دارد. این اتاق ۶۰ نماینده دارد که ۴۰ نماینده آن از بخش خصوصی و ۲۰ نماینده آن از سوی دولت انتخاب می‌شوند.

طبق ماده ۵، وظایف و اختیارات اتاق ایران عبارت است از:

ایجاد هماهنگی و همکاری بین بازرگانان و صاحبان صنایع، معادن و کشاورزی در اجرای قوانین مربوطه و مقررات جاری مملکتی، ارائه نظر مشورتی در زمینه مسائل اقتصادی کشور اعم از بازرگانی، صنعتی و معدنی و مانند آن به قوای سه‌گانه، همکاری با دستگاه‌های اجرایی و سایر مراجع ذی‌ربط به منظور اجرای قوانین و مقررات مربوط به اتاق، ارتباط با اتاق دیگر کشورها و تشکیل اتاق‌های مشترک و کمیته‌های مشترک با آنها بر اساس سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران، تشکیل نمایشگاه‌های تخصصی و بازرگانی داخلی و خارجی با کسب مجوز از وزارت بازرگانی و شرکت در سمینارها و نشست‌های مربوط به فعالیت‌های بازرگانی، صنعتی، معدنی و کشاورزی اتاق در چارچوب سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی ایران، کوشش در راه شناسایی بازار کالاهای صادراتی ایران در خارج از کشور و تشویق و کمک به مؤسسه‌های مربوطه برای شرکت در نمایشگاه‌های بازرگانی داخلی و خارجی، تشویق و ترغیب سرمایه‌گذاری داخلی در امور تولیدی به ویژه تولید کالاهای صادراتی که مزیت نسبی داشته باشند، تلاش برای بررسی و حکمیت در زمینه مسائل بازرگانی داخلی و خارجی اعضا و دیگر متقاضیان از طریق تشکیل مرکز داوری اتاق ایران طبق اساسنامه‌ای که از سوی دستگاه قضا تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید، ایجاد و اداره مرکز آمار و اطلاعات اقتصادی به منظور انجام وظایف و فعالیت‌های اتاق، صدور کارت عضویت طبق آیین‌نامه اتاق ایران برای تکمیل مدارک صدور کارت بازرگانی، تشکیل اتحادیه‌های صادراتی و وارداتی و اتحادیه‌های تولیدی در زمینه فعالیت‌های بازرگانی، صنعتی، معدنی، و خدماتی طبق مقررات مربوط، دایر کردن دوره‌های کاربردی در رشته‌های بازرگانی، صنعتی، معدنی و خدماتی متناسب با نیاز کشور، تهیه، صدور تفریغ و تأیید اسنادی که طبق مقررات بین‌المللی به عهده اتاق ایران است با هماهنگی وزارت بازرگانی، تشکیل اتاق‌های مشترک با کشورهای دوست با هماهنگی وزارت بازرگانی و امور خارجه.

شورای عالی نظارت بر اتاق ایران از اشخاص زیر تشکیل می‌شود:

وزرای امور اقتصادی و دارایی، صمت، کشاورزی، رئیس مؤسسه استاندارد و رئیس و دو نایب رئیس اتاق ایران که ریاست این شورا به عهده وزیر صنعت، معدن و تجارت است.

در حال حاضر، ۱۸۵ تشکل ملی و ۱۷۲ تشکل استانی عضو اتاق‌ها، در عرصه تولید، خدمات، صادرات و واردات و خدمات مهندسی در قالب حدود پانزده هزار بنگاه اقتصادی فعالیت می‌کنند.

همچنین اتاق‌های فکر، متشکل از اعضای داوطلب و مجرب هیئت نمایندگان، موضوعات و تنگناهای تخصصی فعالان اقتصادی را در قالب ۱۹ کمیسیون تخصصی مورد رایزنی و آسیب‌شناسی قرار می‌دهند و راهکارهای اصلاحی پیشنهاد می‌کنند.

اتاق ایران همچنین با همکاری اتاق‌های اصناف و تعاون، دبیرخانه اتاق‌های بخش خصوصی را تشکیل داده است که نقش مهمی در همگرایی اقتصاد غیر دولتی و پیشنهاد راهکارهای مناسب برای غلبه بر مشکلات اقتصادی ایفا می‌کند.

سهم ایران در تجارت جهانی

«یحیی آل‌اسحاق» با اشاره به متناسب نبودن حجم تجارت خارجی ایران با ظرفیت‌ها و توانمندی‌های کشورمان، گفت: «بر اساس برآوردهای جهانی، ایران با توجه به جمعیت و جغرافیای خود، که ۱ درصد جهان را در اختیار دارد، باید حداقل یک درصد تجارت جهانی را در اختیار خود داشته باشد که متأسفانه هم‌اکنون چنین سهمی برای ایران وجود ندارد؛ از این‌رو سهم ایران از تجارت جهانی، تنها ۰/۳ درصد است که یک چهارم استانداردهای جهانی است.»

نگاهی به اعلام آغاز به کار سامانه جایگزین سوئیفت

پایان یکه‌تازی آمریکا!

□ **گروه اقتصاد/** همان‌طور که اندیشکده‌های آمریکایی‌ها بارها به سران کاخ سفید هشدار داده بودند، استفاده افسارگسیخته ایالات متحده از تحریم و ابزارهای اقتصادی خود به ویژه دلار و سامانه‌های انتقال پول سرانجام زمینه‌ساز از بین بردن استیلای اقتصادی آمریکا شده و عملاً پیامدهای تحریم‌های آمریکا در حال بازگشت به سمت خود آمریکا است! که یکی از مصادیق آن شکل‌گیری سامانه جایگزین سوئیفت است.

طرح جدید چه زمانی کلید خورد؟

اواسط سال ۲۰۱۶ در پی تهدید برخی مقامات آمریکایی مبنی بر حذف روسیه از سامانه مالی بین‌المللی «سوئیفت»، مسکو اعلام کرد راهکاری برای این اقدام احتمالی آمریکا در نظر خواهد گرفت. ایران نیز در برابر تحریم کشورمان، برنامه ایجاد سازوکاری خارج از سوئیفت را برای ایجاد ارتباطات مالی و بانکی با دیگر کشورها آغاز کرد.

مدتی بعد «سرگئی ریابکوف» معاون وزیر خارجه روسیه اعلام کرد، پس از وضع تحریم‌های تازه آمریکا و احتمال اقدامات بیشتر ایالات متحده، افزون بر بررسی کاهش وابستگی به دلار در نظام معاملات خارجی، برای شرایط حذف از نظام جهانی بین بانکی(سوئیفت) نیز آماده شده‌ایم. «الویرا نابولینا» رئیس بانک مرکزی روسیه نیز با توجه به احتمال گسترش فشارهای تحریمی علیه این کشور گفت، همه شرایط برای ادامه فعالیت بانک‌های روسی در صورت حذف روسیه از سامانه سوئیفت فراهم شده است.

موضوعی که سبب نگرانی آمریکا شد و سران کاخ سفید بر این باور شدند که کنار گذاشتن روسیه از سوئیفت موجب شگل‌گیری سازوکار جایگزین و عملاً حذف اقتدار آمریکا در حوزه مبادلات تجاری می‌شود؛ زیرا ممکن است ممنوعیت روسیه از تداوم روابط مالی در جهان براساس شبکه مالی غرب، در نهایت سبب ایجاد درگاه مالی بین‌المللی دیگری در جهان شود و تمامی کشورهای مخالف با آمریکا را گردهم آورد؛ پیش‌بینی‌ای که به نظر می‌رسد در حال محقق شدن است، به همین دلیل آمریکا در نظر خود مبنی بر بستن دسترسی روسیه به سوئیفت تجدید نظر کرد، اما این مسئله سبب تجدید نظر در سیاست‌های حذف دلار و ایجاد سامانه جایگزین سوئیفت از سوی روسیه نشد!

جایگزین سوئیفت آماده راه‌اندازی

سفر رئیس‌جمهور به آنکارا برای شرکت در نشست سه کشور ایران، ترکیه و روسیه درباره سوریه، همان موعدی بود که رسماً از جایگزین سوئیفت رونمایی شد!

از آبان سال گذشته بود که «آناتولی آکساکوف» رئیس کمیسیون امور مالی دومای روسیه گفت، مقامات مالی و بانکی ایران و روسیه درحال مذاکره برای پیوستن شبکه‌های مالی دو کشور به یکدیگر و استفاده ایران از سوئیفت روسی هستند. وی اظهار داشت، همکاری‌های فنی با ایران در حال انجام و امکان پرداخت‌های مستقیم با شرکت‌های ایرانی به وجود آمده و روسیه همزمان با بانک‌های مرکزی ایران، ترکیه و چین در حال مذاکره است. اظهارات آکساکوف زمانی صورت گرفت که «عبدالناصر همتی» رئیس کل بانک مرکزی ایران با همتای روس خود در مسکو در حال رایزنی و گفت‌وگو بود.

حالا پس از یک سال «اولگا اسکوروباگاتووا» معاون بانک مرکزی روسیه اعلام کرده است، جایگزین سوئیفت آماده شده و بانک‌های خارجی می‌توانند عضو آن شوند. به گفته وی، این سامانه به بازیگران خارجی امکان

همان‌طور که اندیشکده‌های آمریکایی‌ها بارها به سران کاخ سفید هشدار داده بودند، استفاده افسارگسیخته ایالات متحده از تحریم و ابزارهای اقتصادی خود به ویژه دلار و سامانه‌های انتقال پول سرانجام زمینه‌ساز از بین بردن استیلای اقتصادی آمریکا شده و عملاً پیامدهای تحریم‌های آمریکا در حال بازگشت به سمت خود آمریکا است! که یکی از مصادیق آن شکل‌گیری سامانه جایگزین سوئیفت است

می‌دهد با شرکت‌های روسی که در فهرست تحریم‌های خارجی قرار گرفته‌اند، همکاری کنند. معاون بانک مرکزی روسیه این را هم گفت، سال گذشته ۴۱۶ شرکت و مؤسسه مطرح روسیه از جمله خزانه‌داری فدرال، شرکت گازپروم نفت و روس نفت به این سیستم ملحق شده‌اند.

اعتماد نکردن به غرب

«اریا زاخاروا» سخنگوی وزارت خارجه روسیه، نامطمئن بودن رفتار غرب و شبکه‌های مالی آن را دلیل کنار گذاشتن سوئیفت اعلام کرد و اظهار داشت، غرب بارها تلاش کرده برخی کشورها را از سیستم ارزی و پرداخت‌های مالی به دلیل رقابت اخراج کند، این مسئله برای خیلی کشورها از جمله روسیه بسیار نگران‌کننده است. وی گفت، شاهد شانتاژ و تهدیدها علیه روسیه و برخی کشورها از سوی آمریکا و غرب در حوزه مالی و بانکی هستیم و حتی حساب‌های بانکی نیز مسدود می‌شود. اقدامات ضد روسی در این حوزه نشان‌دهنده میزان اطمینانی است که می‌توان به شبکه پرداخت مالی یا هماهنگ‌کننده مالی غرب در جهان داشته باشیم.

زاخاروا افزود، معتقدیم روند جهانی شدن با وجود تمام مسائلی که از سوی جنبش ضد جهانی شدن دنبال می‌شود، امتیازهایی را برای جهان و مناطق مختلف آن به وجود آورده است.

اتصال شبکه‌های بانکی ایران و روسیه

«یوری اوشاکوف» دستیار امور بین‌الملل رئیس‌جمهوری روسیه پیش از سفر پوتین به ترکیه خبر داد، پوتین قرار است در دیدار با روحانی، همتای ایرانی خود در ترکیه با وی در زمینه ایجاد شبکه انتقال پیام‌های مالی برای جایگزینی سوئیفت گفت‌وگو کند.

وی با بیان اینکه ایران و روسیه به دنبال ایجاد شبکه انتقال پیام‌های مالی برای جایگزینی سوئیفت هستند، اظهار داشت: «دو کشور تدابیری را برای گسترش پرداخت‌های مالی به صورت مستقیم و استفاده از ارزهای مالی اتخاذ خواهند کرد و به دنبال همکاری سیستم انتقال پیام‌های مالی روسی و شبکه مالی ایرانی سپام به عنوان جایگزین سوئیفت هستند.»

در صورت تحقق این هدف، ایران و روسیه بار دیگر گامی مشترک در جهت بی‌نتیجه کردن تحریم‌های یکجانبه و فراقانونی آمریکا برخواهند داشت، اقدامی که چند روز پس از سفر تبلیغاتی و انتخاباتی بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به روسیه صورت می‌گیرد که در آن به پوتین هشدار داده بود دوستی با ایران برای روسیه خطرناک است.

نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت، این واقعیت است که روابط روسیه و ایران در موضوعات مختلف، بر اساس منافع مشترک با سرعتی قابل توجه در سطح سران و مقامات سیاسی، دیپلماتیک، قضایی، انتظامی، امنیتی، نظامی، علمی و حتی فرهنگی در حال گسترش است و در برخی از زمینه‌ها نیز جنبه راهبردی پیدا کرده است. اما در حوزه اقتصادی، تجارت، بانکی و مالی دو کشور همواره با گره عدم نقل و انتقالات مالی روبه‌رو بودند که در نتیجه آن مردم دو کشور از منافع و مزایای گسترش همکاری‌های دوجانبه ایران و روسیه بهره‌مند نمی‌شدند؛ اما با راه‌اندازی این سامانه این گره باز خواهد شد.

در این راستا «مهدی سنایی» سفیر تام‌الاختیار جمهوری اسلامی ایران که حدود شش سال در مسکو به سر می‌برد، گفته است، تمامی سندهای مورد نیاز برای گسترش روابط ایران و روسیه در حوزه‌های مختلف میان سران امضا شده و هیچ کار دیپلماتیک یا سیاسی‌ای برای گسترش همکاری‌ها روی زمین نمانده و اکنون وظیفه بخش خصوصی و فعالان در سایر حوزه‌ها یا دستگاه‌هاست که همکاری‌ها با همتایان خود را گسترش دهند؛ زیرا دستگاه دیپلماسی کشور آنچه را که باید انجام داده است.

تکاپو

مروری بر خلاصه دو سال گفت‌وگوهای صبح صادق با کارآفرینان

توصیه‌های شش‌گانه

□ **اکبر کریمی/** تاکنون از طرح موضوعات اقتصاد مقاومتی با هدف معرفی کارآفرینان موفق و مشاغل گوناگون در حوزه‌های کشاورزی، صنعت و خدمات در نشریه «صبح صادق» بیش از دو سال سپری می‌شود. در این گزارش قصد داریم چکیده توصیه‌هایی که کارآفرینان در این مدت بیان داشته‌اند و رعایت هر یک از آنها برای هر جویای کاری مفید است، بیان کنیم. به امید آنکه این نکات کارساز افتد و بتواند بخشی از دغدغه‌ها در حوزه کاریابی را مرتفع کند.

۱ـ علاقه‌مندی

بی‌شک انجام هر کاری به علاقه و انگیزه نیاز دارد و کاری که با بی‌رغبتی شروع شود، سرانجامی جز شکست و ناکامی نخواهد داشت؛ از این رو توصیه می‌شود اگر به کاری علاقه‌مند نیستید و صرفاً با شنیدن سودآور بودن آن قصد انجامش را دارید، شروع نکنید.

۲ـ تخصص محوری

اولین گام در آغاز هر کاری کسب تخصص و مهارت در آن است. این تخصص نه صرفاً گذراندن دوره‌های آکادمیک و تئوری، بلکه مهم‌تر از آن گذراندن میزان کافی از آموزش‌های عملی و کسب تجربه کافی در رشته‌ای است که قصد انجامش را دارید. برخی مشاغل را شاید بتوان در حین انجام کار با گرفتن مشاوره و راهنمایی از استادان آن حوزه یاد گرفت. برای شروع این نوع مشاغل به گذراندن آموزش‌های مقدماتی نیازی نیست و فرد می‌تواند همزمان با شروع آن فعالیت، مهارت خود را در شغل مربوطه به مرور زمان و در بستر کار افزایش دهد؛ اما در خصوص برخی مشاغل باید گفت داشتن تخصص کافی از ضروریات لازم برای رسیدن به موفقیت محسوب می‌شود.

۳ـ بازاریابی قبل از شروع کار

بسیاری از فعالان اقتصادی را می‌توان مثال آورد که هم تخصص کافی در کار خود داشته‌اند و هم کار خود را با نهایت علاقه و انگیزه شروع کرده‌اند و در کار خود نیز موفق بوده‌اند؛ ولی به دلیل بی‌توجهی به بازار فروش ورشکست شده و مجبور به تعطیلی کار خود شده‌اند. در علم اقتصاد نیز بر اهمیت بازاریابی تأکید فراوان شده است، به گونه‌ای که شرکت‌های بزرگ صنعتی در جهان بیش از ۳۰ و گاهی تا ۵۰ درصد درآمد خود را به این حوزه اختصاص می‌دهند تا از گردنه رقابت عقب نیفتند و بازارها و مشتریان خود را حفظ کنند. بنابراین یک تولیدکننده خرده‌پا برای شروع یک فعالیت تولیدی در مقایسه با یک شرکت جا افتاده غول‌پیکر باید حساسیت بیشتری نسبت به این موضوع داشته باشد و بداند محصولی که قرار است تولید کند، چه میزان تقاضا برای آن وجود دارد تا در مراحل پس از تولید بتواند محصول خود را بفروشد و با ضربه شدید اقتصادی مواجه نشود.

بی‌شک انجام هر کاری به علاقه و انگیزه نیاز دارد و کاری که با بی‌رغبتی شروع شود، سرانجامی جز شکست و ناکامی نخواهد داشت؛ از این رو توصیه می‌شود اگر به کاری علاقه‌مند نیستید و صرفاً با شنیدن سودآور بودن آن قصد انجامش را دارید، شروع نکنید

۴ـ سرمایه کار

بی‌شک شروع هر کاری به سرمایه نیاز دارد. یک کارآفرین افزون بر اینکه باید فکری برای تأمین سرمایه مورد نیاز اولیه بکند، باید به فکر هزینه‌های بعدی مانند سرمایه در گردش، هزینه کارگر، اجاره‌بها و... باشد. در مقطع فعلی آنچه بیش از هر چیز تولیدکننده داخلی را به زحمت انداخته، کمبود هزینه در گردش است، نه هزینه شروع فعالیت. چه بسیار کارگاه‌های تولیدی کوچک و بزرگی که به دلیل کمبود سرمایه در گردش از ادامه فعالیت بازمانده‌اند و عاقبت و سرانجام آنها تعطیلی یا کاهش تولید بوده است.

نکته دیگری که باید به آن توجه شود، دل‌خوش نکردن به تسهیلات بانکی است. متأسفانه بهره تسهیلات بانکی در کشور ما با سود تولید تناسبی ندارد؛ به همین دلیل بیشتر تولیدکنندگان معتقدند اگر کسی می‌تواند، با حداقل‌های مالی فعالیتش را ادامه دهد و تا حد ممکن تسهیلات بانکی با بهره بالا نگیرد.

۵ـ سازمان‌ها و قوانین

این بند توصیه‌ای مربوط به آن دسته از کارآفرینانی می‌شود که فعالیت آنها نیازمند دریافت برخی مجوزهای دولتی است که شامل دو نوع مجوز می‌شود؛ نوع اول، مجوزهای لازم برای شروع کار و فعالیت و نوع دوم که در آن حضور مستمر و تأیید برخی سازمان‌ها، مانند سازمان بهداشت و غذا، دارو و... لازم می‌شود.

بیشتر تولیدکنندگانی که صبح صادق از آنها گزارش گرفته است، بر این نکته تأکید داشته‌اند که نوع ورود سازمان‌های دولتی عملاً مانع رونق یا تداوم تولیدشان شده است. البته این نکته‌ای نیست که تنها تولیدکنندگان مطرح کنند؛ بلکه دستگاه‌های حکومتی نیز به این نقیصه واقفند؛ به گونه‌ای که یکی از محورهای کلیدی اجرایی‌سازی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تسهیل روند کسب‌وکارهاست و مجلس شورای اسلامی نیز درصدد اصلاح مصوبات قانونی برای سر و سامان دادن به نقش سازمان‌های دولتی در حوزه تولید برآمده است.

اما با این حال یک فعال اقتصادی قبل از شروع به راه‌اندازی فعالیتش باید از میزان زمان مورد نیاز برای گذراندن مراحل اداری و گرفتن مجوزهای مورد نیاز یا قوانین برخی سازمان‌ها در مراحل تولید آشنا باشد.

۶ـ پشتکار و پیگیری

حتماً تاکنون افرادی را دیده‌اید که ایده‌های اقتصادی خوبی مطرح می‌کنند؛ ولی هیچ‌وقت حتی قدمی برای اجرای کمترین و نازل‌ترین آن ایده‌ها برنمی‌دارند یا افرادی که با شروع کاری، در میانه راه به اصطلاح به کار دیگری شیفت می‌کنند و کار قبلی را تعطیل می‌کنند یا افرادی که مدام از این شاخه به آن شاخه می‌پرند. هر چند علت این رفتارها ممکن است دلایل مختلفی باشد؛ ولی نداشتن پشتکار بزرگ‌ترین آفتی است که حتی با وجود همه شرایط و زمینه‌های کاری نیز می‌تواند یک فعالیت اقتصادی را به تعطیلی بکشاند و ادامه کار را برای کارآفرین ناممکن کند.

در وضعیت فعلی کشور که شاهد تکانه‌ها و نوسانات اقتصادی هستیم، قطعاً کسی می‌تواند بار خود را از میان چرخه‌های مواج اقتصادی به سلامت عبور دهد که پشتکار و همت بالایی داشته باشد و در مواجهه با هر مانع و مشکلی به راحتی پا پس نکشد.

شاخص

نقدینگی و تولید

□ **روح‌الله صنعتکار/** «نقدینگی» به میزان پول رایج در اقتصاد کشور برمی‌گردد. چرخش نقدینگی به سمت تولید با شعار دادن و دست روی دست گذاشتن درست نمی‌شود و اگر واقعاً دولت به دنبال آن است که نقدینگی به سمت بازارهای ارز، سکه، طلا، مسکن و خودرو هجوم نبرد و برای حفظ ارزش و کسب بازده خود به سمت تولید برود، باید وظایف خود را در این زمینه به بانک مرکزی محول کند و استقلال لازم را به بانک مرکزی دهد. فراموش نکنیم که وقتی استقلال و اختیارات لازم به بانک مرکزی برای نظارت بازار ارز و سکه داده شد، اوضاع به ثبات نسبی رسید و بازار سکه و ارز به خوبی در کنترل و نظارت بانک مرکزی قرار گرفت.

چرا در ایران همواره رشد نقدینگی حاصل از فعالیت‌های غیر مولد است و همپای آن کالا و سرمایه در کشور ایجاد نمی‌شود؟

برای مدیریت نقدینگی و هدایت آن به تولید، باید وزارتخانه‌های مربوطه، به ویژه وزارت صمت با شناسایی واحدهای تولیدی فعال و مولد همکاری لازم را با بانک مرکزی و شبکه بانکی برای تأمین نقدینگی آنها داشته باشند تا مسیر نقدینگی به تولید ختم شود و از ورود به فعالیت‌های غیر مولد و حتی سفته‌بازی جلوگیری شود. ابتدا باید بدانیم چه تولیداتی واقعاً با تزریق نقدینگی و رفتن نقدینگی به سمت آنها سبب رونق خواهند شد و برای کشور مولد خواهند بود.

در صورت حل نشدن مشکلات فعالان اقتصادی نمی‌توان با تحریم‌ها مبارزه کرد؛ چرا که رزمنده اصلی در خط مقدم جنگ اقتصادی، فعالان اقتصادی هستند. بر اساس این، حل مشکلات حوزه فعالیت بازرگانان و تولیدکنندگان خرد، متوسط و کلان از اولویت‌های اصلی مسئولان کشور است. در این مسیر ابتدا باید تحریم‌های داخلی که از سوی برخی مسئولان ناتوان، قوانین دست و پاگیر، روحیه نتوانستن و... وجود دارد به کلی برچیده شود و در مرحله بعد به سراغ تحریم، تهدید و فشارهای خارجی که از دشمنان بیرونی نشئت می‌گیرد، برویم.

در حال حاضر، با حجم بالایی از نقدینگی در کشور روبه‌رو هستیم (در آخرین آمار منتشر شده از بانک مرکزی حدود ۲۰۰۰ میلیارد تومان برآورد شده است)، که لزوماً این موضوع نمی‌تواند پدیده منفی و بدی تلقی شود. اگر این نقدینگی در کشور مدیریت شود و در نهایت به سمت فعالیت‌های اقتصادی سوق پیدا کند، نه تنها مخرب نخواهد بود؛ بلکه سبب رونق بخش تولید و اقتصاد واقعی کشور می‌شود و مشکلات بخش تولید هم از این بابت رفع خواهد شد.

روشن است که وقتی نقدینگی‌ها به سمت فعالیت‌های غیرمولد و سفته‌بازی حرکت می‌کند و برای اقتصاد کارآیی مناسبی ندارد، می‌تواند آسیب‌زا باشد و تورم ایجاد کند؛ اما اگر در فعالیت‌های تولیدی به کار آید، می‌تواند رونق ایجاد کند و از تورم نیز بکاهد و این موضوعی است که به ارتقای ارزش پول ملی کمک خواهد کرد.

دولت باید در حال حاضر تمام همّ و غمش ایجاد فضای باثبات در اقتصاد باشد و یک تصویر روشنی از آینده ایجاد کند تا این امر به بهبود وضعیت اقتصادی کشور بینجامد. این فرایندی است که نتایج مثبت آن را می‌توان در بالا رفتن ارزش پول ملی احساس کرد.

البته کارنامه اقتصاد ایران در برخی دهه‌های گذشته به دلیل استقلال نداشتن بانک مرکزی و همچنین دانش ناکافی سیاست‌گذار پولی نمره خوبی به دست نیاورده و در عین حال به دلیل ضعف در نظارت‌های بانکی از سوی بانک مرکزی، مهار رشد پایه پولی از دست این ناظر خارج شده و به خلق پول از سوی بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری انجامیده است؛ اقدامی که در نهایت سبب شده است بانک مرکزی برای پر کردن چاله‌های کنده شده از سوی بانک‌ها و برای پرداخت سود سپرده‌ها به چاپ پول روی آورد که با تلاش‌های فعلی روند مثبت فعالیت‌ها برای حل مشکلات مطلوب بوده است.

اقتصاد جهان

فریب اقتصادی

□ **رضا زمانی/** اقتصاد به عنوان حوزه‌ای تأثیرگذار بر توسعه و پیشرفت کشورهای جهان، نقش حیاتی و راهبردی در اولویت‌های برنامه‌ریزی کشورها دارد. برخی کشورهای توسعه‌یافته که قدرت اقتصادی خود را از طریق چپاول و غارت منابع و ظرفیت‌های کشورهای کمتر توسعه‌یافته و حتی توسعه‌نیافته به دست آورده‌اند، همواره برای اینکه این کشورها را بدهکار و تشنه خودشان نگه دارند، هیچ وقت نمی‌گذارند آنها روی خوش امنیت را ببینند و مدام در مناطق جغرافیایی آنها برنامه‌هایی همچون درگیری، ترور، غارت، جنگ و... را ترتیب می‌دهند. رژیم آمریکا به‌عنوان ابرجنایتکار تاریخ، نماد ایجاد خشم، نفاق، جنگ و درگیری میان کشورهای مناطق مختلف جهان است. اختلافات میان کره‌جنوبی و شمالی، درگیری‌ها میان عربستان و یمن، تشدید منازعات در اوکراین و روسیه و... نمونه‌هایی از سنگ‌اندازی و ماجراجویی‌های آمریکا در میان کشورهای مختلف جهان است. به ظاهر که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم آمریکا در حوزه‌های سیاسی و نظامی بسیار بیشتر از دیگر حوزه‌ها در حال فعالیت در عرصه بین‌المللی است؛ اما اگر به بطن قضیه توجه کنیم چیزی فراتر از آن را می‌بینیم. در واقع آمریکا با یک عملیات فریب که در ظاهر در حوزه‌های سیاسی و نظامی فعالیت‌های خود را به پیش می‌برد، در باطن نگاه و تمرکز بیشتری به حوزه اقتصادی خود دارد. این رژیم با توجه به اینکه دوران افول خود در عرصه‌های گوناگون از جمله سیاسی، نظامی و بین‌المللی را آغاز کرده است، اما بیش از هر حوزه دیگری به سرعت در حال افول در حوزه مسائل اقتصادی است. آمریکا برای اینکه بتواند افول اقتصادی خود را که در نهایت به فروپاشی ختم می‌شود کنترل کند و آن را به تأخیر بیندازد، به راه حلی نادرست و غیر صواب دست زده است که برعکس باور غلطشان سرعت افول‌شان را با شتاب بیشتری طی کنند. این رژیم با راه‌اندازی ترور و جنگ در مناطق مختلف جهان از جمله غرب آسیا با سرازیر کردن تسلیحات جنگی به این منطقه و جذب سرمایه‌ها و منابع اقتصادی آنان، کسری بودجه، هزینه‌ها و درآمدهای خود را تنظیم می‌کند. آمریکا با بدهی‌های افسانه‌ای خود که شامل هزاران میلیارد دلار است، بدهکارترین کشور در جهان محسوب می‌شود. در حال حاضر نیز که بحث مذاکرات را با جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده، ترفندی جز فریب اقتصادی ندارد. آنها می‌گویند اگر با ما مذاکره کنید و خواسته‌های‌مان را به مرحله اجرا دربیاورید، دروازه جدیدی از شکوفایی اقتصادی به روی شما باز شده و تمام مشکلات اقتصادی‌تان رفع خواهد شد؛ در حالی که سرابی دست نیافتنی برای دو کشور متصور است. نه آمریکا با این روندی که در پیش گرفته روی مذاکره با ایران را به خود خواهد دید و نه جمهوری اسلامی ایران به این گرگ عهدشکن اعتماد خواهد کرد و پای میز مذاکره می‌رود؛ بنابراین تضمینی نیست تمام کشورهایی که از استقلال سیاسی و نظامی برخوردار هستند، به صورت پایدار مستقل بمانند. زیربنای استقلال هر کشوری را اقتصاد و فرهنگ آن کشور پایه‌ریزی می‌کند؛ زیرا اگر کشورهای درحال توسعه بتوانند با استفاده از توانمندی‌های خود قطع وابستگی از اقتصاد کشورهای سلطه‌گر را در دستور کار خود قرار دهند، چه‌بسا ممکن است این کشورهای توسعه یافته را نیز مجذوب کالاها و خدمات خود کنند.

«تجربه» نسل اول پیشران گام دوم

فتح‌الله پریشان/ بیانیه گام دوم انقلاب فرصتی جهت ۲۲ بهمن چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی از سوی رهبر حکیم انقلاب صادر، کلیدی‌ترین نقش در آن برای برداشتن دومین گام بزرگ انقلابه به جوانان سپرده شد. در واقع، با صدور این بیانیه، زمینه پیوستن توان و ظرفیت جدیدی به انقلابیون نسل اول و دوم فراهم می‌شود و چوب دو امدادی و ماراتن مختلف‌سازی اراده و اهداف غایی انقلاب اسلامی از نسل اول و دوم انقلابه به دست جوانانی داده می‌شود که برخی از آنها همراه انقلابند و در بستر جامعه انقلابی و اسلامی تربیت یافته‌اند و با اکتساب تخصص‌های مورد نیاز برای اداره کشور رشده کرده‌اند. شاید در اینجا این پرسش مطرح شود که آیا نسل اول و دوم انقلاب با کوله‌باری از تجارب گرانقدر در عملی‌سازی بیانیه نقش و تعهدی ندارند؟!

مسلماً، موفقیت جوانان عزیز امروز در نقشی تازه، در گرو بهره‌گیری از سرمایه‌ای مهم به نام «تجربه» جوانان قدیم و نسل‌های پیشین انقلاب است. به عبارت دیگر، تأکید ویژه بر نام جوانان در تحقق گام دوم انقلاب، نباید این تلقی اشتباه را به ذهن متبادر کند که به نسل اول و دوم انقلاب دیگر نیازی نیست. برعکس، جوانان به هدایت‌ها، رهنمودها و مشاوره‌های عملی نسل اول انقلاب نیاز مبرمی دارند و لازم است با تقویت و شارژ روحی و قطب‌نمای اعتمادآفرین نسلی حرکت کند که این همه موفقیت را رقم زده و نظام را به جایگاه رفیع امروز در حوزه‌های مختلف رسانده است.

مسلماً بالاترین لایه‌ای که جوانان برای تحقق گام دوم باید برای آن برنامه‌ریزی کنند، ایجاد تحول در برخی سیاست‌ها و راهبردهای کلان در تراز بیانیه و خواسته‌های راهبردی آن است. در این بخش، جوانان بیشترین نیاز را به هم‌فکری و هم‌اندیشی با نسل‌های گذشته انقلاب دارند که سرشار از تجارب گرانقدر و نکات طلایی برای عبور از بحران‌ها و تنگناها در طول گام اول انقلاب بوده‌اند، به اعتقاد برخی‌ها مخاطب این بیانیه جوانان هستند؛ جوانانی که باید ۴۰ سال دوم را در دست بگیرند؛ زیرا این نیروی جدید آن که همه آتی را رقم می‌زند و قرار و مدارش را سکاندار مناسبات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در چهار دهه آینده خواهد بود و باید در ۴۰ سال دوم انقلابه به بحث علمی با شدت بیشتری پرداخته شود؛ اما باید راه میان‌بر را از گذشتگان و آنهایی که این راه پر سنگلاخ و دشوار را با دشمنی‌های متنوع و متعدد امدادله پاد گرفت و نواقصی را که پیش از این وجود داشته، به کمک آنها شناخت و پس از برطرف کردن نقاط قوت‌ها را تقویت کرد. در واقع این بیانیه راهکاری برای آینده با توجه به تجارب گذشته بود. نسل اول و دوم انقلاب مطمئن‌ترین افراد برای انتقال سرمایه گرانقدر تجربه به جوانان برای پیمودن گام بزرگ دوم انقلابه هستند با وجود نقش بی‌بدیله به جوانان در بیانیه که به دلیل انگیزه، ابتکار و خلاقیت جوانانه بوده و اساساً موتور حرکت و پیشران هر جامعه‌ای به جوانان آن متوطع می‌شود، مخاطب بیانیه گام دوم انقلاب کل جامعه است و هر کسی باید وظیفه خود را انجام دهد و مردم ایران عملاً مورد خطاب بیانیه هستند و هر قشری می‌تواند وظایف خود را در قالب این بیانیه به نحو احسن انجام دهد.

گام دوم نهادسازی انقلابی محقق می‌شود

گفت‌وگوی صبح صادق با «حجت‌الاسلام دکتر شجاعی» درباره الزامات و راهکارهای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب

متین محجوب/ تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی چگونه ممکن است؟ این دغدغه‌ای است که افراد به محض دریافت پیام این بیانیه به دنبال آن هستند. برای روشن شدن بیشتر این مطلب با «حجت‌الاسلام دکتر حسن شجاعی» معاون علمی مجتمع حوزه‌ای صدر(مشکات) و استاد حوزه و دانشگاه گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید:

◦ چگونه می‌توان از تجربه‌های گام اول برای تحقق گام دوم انقلاب اسلامی استفاده کرد؟

این بیانیه را به درختی تشبیه می‌کنم که ریشه، تنه، شاخه‌ها و میوه‌هایی دارد. به نظر بنده این بیانیه در گام اول، ریشه‌های را برای انقلاب اسلامی ذکر می‌کند و ثمراتی را برای آن برمی‌شمارد. ریشه‌هایی که در این بیانیه ذکر می‌شود، ریشه انقلابی ما نیز به شمار می‌آید. رهبر معظم انقلاب در ابتدای این بیانیه می‌فرمایند آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی با قدرت و شکوه به پا میدان نهاد، چارچوبها را شکست، کهنگی کلیشه‌ها را به رخ نیاز و ویژه‌ای افکند. توجه کنید آن مفهوم و گزاره‌هایی که موجب شده انقلاب اسلامی عصر جدیدی را در سراسر عالم به وجود آورد، اگر به تعداد کم هم ذکر شده باشد، جایگاه و نقش و گستردن کم مشکلات مردم و کمک به تحقق آرمان‌های نظام اسلامی است؛ بنابراین انقلابیه که بیانیه گام دوم را فرصتی برای طی کردن پله‌های قدرت می‌بینند، باید با نظارت‌های دقیق جوانان مومن انقلابی از دستیابی به نقشه‌های شوم خود جلوگیری کنند.

بیانیه گام دوم به مثابه فرصت!

مهدی سعیدی/ انقلاب اسلامی با گذر از فراز و نشیب‌های گوناگون تاریخی و با وجود کارشکنی‌های مختلف دشمنان، به دهه پنجم حیات طیبه خود وارد شده است و در مقابل خود آرمان‌هایی را مرور می‌کند که هنوز تا تحقق کامل آنها فاصله دارد. امروز چگونگی تداوم حرکت انقلاب و عبور از موانع پیش‌رو تا دستیابی به قله‌ها، از جمله مهم‌ترین مسائلی است که افکار عمومی انقلابیون را به خود مشغول کرده است.

صدور بیانیه گام دوم را می‌توان پاسخی به این دغدغه و آغازی بر دور جدید مدیریت کشور در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دانست که می‌تواند کشور را در مسیر تحقق آرمان‌ها قرار دهد. مبتنی بر بیانیه گام دوم، زمان چرخش نسلی نخبگان و مدیران کشور فرا رسیده است و باید تغییراتی در این عرصه محقق شود.

نکته مهم نوشتار حاضر این است که بیانیه گام دوم مانند همه مفاهیم ارزشمند انسانی می‌تواند به فرصتی برای تحول جمهوری اسلامی و ضد خود و تهدیدی علیه آینده انقلاب بدل شود. در این راستا توجه به چند نکته ضروری است:

۱- روح و گوهر بیانیه گام دوم به این حقیقت اشاره دارد که در چهل ساله دوم انقلاب اسلامی به اینجا شاهد تحولی جدی در فعالان سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور باشیم. بیانیه گام دوم، انقلاب اسلامی را به مثابه «موجودی زنده» و خواستار حضور مردم برای آن به خط پایان رسیده‌اند و باید امور انقلاب را به دوندگان جوان، پرانرژی، برانگیزه و آماده به خدمت در دور دوم بسپارند؛ بنابراین قرار نیست دور دوم این مسابقه و میدان را نیز همان نسل اولی‌ها طی کنند؛ قرار نیست که فعالان گام اول برای میدان‌داران گام دوم انقلاب برنامه‌ریزی و آنان را مدیریت کنند؛ فعالان گام اول باید بپذیرند، نظام هم‌اکنون به روزگاری خود از حوالی مسئولیت‌های خطیر انقلاب را بر عهده گرفتند، نیروی جوانان این سرزمین از همین توانایی و صلاحیت برخوردارند.

۲- دوندگان دور اول این دوی امدادی تجربیاتی را کسب کردند که موفقیت دوندگان گام دوم منوط به توجه به این تجربه‌هاست! اینگونه نیست، اکنون که امور کشور قرار است به دست نسل جوان انقلابی بیفتد، نباید منادی به درس‌آموزی و تلمذ در برابر نسل اول مرتفع شده باشد! بی‌شک در دل تجربیات چهل ساله، آموزه‌های ارزشمند فراوانی است که باید به نسل جدید منتقل شود و میدانداران گام دوم، پای بدی بر دوش تجربیات فعالان گام اول بگذارند!

۳- منطق کلیدی و لایتغیر توزیع قدرت و مسئولیت در نظام اسلامی «شایسته‌سالاری» است. تقلیل این به جوانگرایی صرف و تأکید بر سپردن همه امور به جوانان، قرائتی افراطی و انحرافی از بیانیه گام دوم خواهد بود. به واقع در این الگو، جوانگرایی شرط لازم برای پذیرش مسئولیت در جمهوری اسلامی در چهل ساله دوم انقلاب است؛ اما مقولاتی مانند تعهد، تخصص، هوشمندی و بصیرت و دشمن‌شناسی، شروط کافی برای مشروعیت‌بخشی به پذیرش پست و سمت در نظام اسلامی به حساب می‌آید.

به واقع مدیریت کشور در دهه پنجم میدان آزمون و خطا نیست؛ قرار نیست جوانگرایی به فرصتی برای کسب تجربه بینجامد و هزینه آن را ملت بپردازند؛ قرار نیست این تحول مدیریتی یک ریشه انقلابی ما نیز به شمار می‌آید. رهبر معظم انقلاب در ابتدای این بیانیه می‌فرمایند آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی با قدرت و شکوه به پا میدان نهاد، چارچوبها را شکست، کهنگی کلیشه‌ها را به رخ نیاز و ویژه‌ای افکند. توجه کنید آن مفهوم و گزاره‌هایی که موجب شده انقلاب اسلامی عصر جدیدی را در سراسر عالم به وجود آورد، اگر به تعداد کم هم ذکر شده باشد، جایگاه و نقش و گستردن کم مشکلات مردم و کمک به تحقق آرمان‌های نظام اسلامی است؛ بنابراین انقلابیه که بیانیه گام دوم را فرصتی برای طی کردن پله‌های قدرت می‌بینند، باید با نظارت‌های دقیق جوانان مومن انقلابی از دستیابی به نقشه‌های شوم خود جلوگیری کنند.

◦ بنابراین با این توضیحات اهداف و مسیر گام دوم انقلاب، ادامه راه گام اول انقلاب اسلامی چگونه خواهد بود؟

به نظر می‌رسد مسیر تحقق گام دوم انقلاب اسلامی همان مسیرگام اول است و باید در گام دوم بیش از گام اول به نهادهای عرفی و مدرن همت گمارد.

در واقع در جاهایی که به سمت اهداف و آرمان‌های انقلاب حرکت کردایم تحقق آنها را گرفته‌ایم، در تحقق اهداف انقلاب اسلامی در گام اول انقلاب اسلامی موفق به تأسیس و ایفای نقش شد و تأسیس نهادهای نوین مبتنی بر آن توانست انقلاب اسلامی را تثبیت و تقویت کند؛ نهادهایی هم مثل نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها، بسیج دانشجویی یا انجمن‌های اسلامی به کمک این جهت‌دهی آمدند. ما با کمک این نهادهای اقماری در دانشگاه‌ها تلاش کردیم جهت مادی دانشگاه را که منشأ غربی و زمینی داشت، به جهت اهداف انقلاب اسلامی تغییر دهیم؛ اما در عین حال آسیب‌هایی که علم مادی و دانشگاه مادی به ما زد که نبود. ما باید راه گام دوم انقلاب اسلامی جهت الهی را در دانشگاه‌ها بیش از پیش تقویت کنیم و سرعت جهت مادی را که مضر است، کم کنیم. همچنین باید به تأسیس نهادهای نوین علمی متناسب با ماهیت انقلاب اسلامی بپردازیم که در پیشبرد جامعه به سمت اهداف انقلاب اسلامی کمک کنند.

◦ اگر نخواهیم اهداف گام دوم به سرنوشت برخی سیاست‌های پیشین دچار شود، از گذشته چه می‌توان آموخت؟

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی جزء بهترین اسناد کلان و راهبردی جمهوری اسلامی است نباید با آن مانند اسناد دیگر برخورد شود. آفتی که عموماً اسناد دیگر با آن مواجه می‌شوند، این است که الزامات تحقق آن سند در مقام نظر به خوبی فهمیده می‌شود؛ اما در مقام عمل هزینه‌های لازم برای مضمون آن پرداخته شود و عمل موثر توجه قرار گیرد. اعمال نمی‌شود. باید از برخوردهای عجولانه، شتابزده، سطحی، کلیشه‌ای و شعارزده نسبت به این سند که راهبردی و بلندمرتبه است پرهیز کنیم

می‌دانم، به عبارتی ما با استفاده از ریشه انقلاب اسلامی یعنی جمع دین و دنیا و جهت‌دهی الهی به نهادهای عرفی، مدرن و مادی و تأسیس، تکثیر و تقویت نهادهای اسلامی و انقلابی می‌توانیم به ثمرات و میوه‌های درخت انقلاب برسیم و توفیقاتی که در گام اول انقلابها را محقق کنیم و سبک زندگی ایرانی-اسلامی را به ارمغان آوریم.

◦ بنابراین با رفع کدام موانع و فراهم کردن کدام مقدمات، احتمال موفقیت تحقق بیانیه گام دوم بیشتر می‌شود؟

در دوران معاصر، پیگیری و تحقق اهداف و آرمان‌ها بیش از آنکه در گرو تلاش‌های فردی صالحان و مدیران اجتماعی باشد، در اختیار نهادهای اجتماعی است به نحوی که بدون اتکا به آنها امکان تحقق اهداف و آرمان‌ها وجود ندارد. در این پیروزی انقلاب اسلامی دو دسته از نهادها را می‌توان مدنظر قرار داد که نقش مثبت و گاهی منفی در تحقق اهداف انقلاب اسلامی داشتند؛ نهادهای عرفی و مدرن و نهادهای اسلامی و انقلابی. نهادهای عرفی و مدرن با خاستگاه بشری دارند و در دوران منورهای فکری غرب تأسیس شدند و سپس در جهان گسترش یافتند، اما نهادهای انقلابی و اسلامی خاستگاه اسلامی دارند یا اینکه با تحقق انقلاب اسلامی به وجود آمدند؛ برای نمونه نهادهایی مانند ولایت فقیه، سپاه، بسیج و کمیته امداد نهادهای اسلامی و انقلابی هستند و نهادهایی از قبیل دولت، وزارتخانه‌ها، مجلس شورای اسلامی، سازمان بهزیستی و ارتش انقلابی عرفی و مدرن محسوب می‌شوند و این نهادها در جمهوری اسلامی متناسب با ماهیت اهداف انقلاب اسلامی، کارکردهای متنوع و متفاوتی داشته‌اند.

نهادهایی که در ساحت بشری، عرفی و مدرن تأسیس شدند، در تحقق اهداف مادی و نهادهای اسلامی و انقلابی در تحقق اهداف انقلاب اسلامی قدرت دارند و ماهیت آنها متناسب با همان اهداف شکل گرفته است. کاری که انقلاب اسلامی کرد سبب شد متناسب با آن ریشه، به اهداف و آرمان‌ها در گام اول انقلاب اسلامی دست پیدا کنیم و تلاش کردایم به نهادهای عرفی و مدرن که جهت مادی و زمینی داشته‌اند، جهت‌دهی آسمانی و الهی دهیم و سرعت رشد این نهادها را هم بگیریم، متقابلاً هم تلاش کردایم نهادهای اسلامی و انقلابی را تأسیس، تکثیر و تقویت کنیم.

اگر به گام اول انقلاب اسلامی نگاه کنید، متوجه خواهید شد در جاهایی که نهادهای عرفی و مدرن جهتی مادی داشته‌اند و به آنها توانسته‌ایم جهت الهی و آسمانی بدهیم، نقش منفی در تحقق اهداف انقلاب اسلامی داشته‌اند و عملاً مضر بوده‌اند؛ اما در جاهایی که به این نهادها جهت الهی و سرعت دهیم، اگر در گام اول انقلاب اسلامی موفق به تأسیس یا فعال کردن نهاد اسلامی و انقلابی شدیم، باید در گام دوم انقلاب اسلامی هزاران نهاد اسلامی و انقلابی را تأسیس و فعال کنیم

به نهادهای عرفی و مدرن جهت الهی بدهیم و سرعت مادی آنها را بگیریم یا حتی در برخی موارد ممکن است به جایی برسیم که بعضی از این نهادهای عرفی و مدرن موازی با نهادهای اسلامی و انقلابی را حذف کنیم و متقابلاً به تکثیر نهادهای اسلامی و انقلابی مجبور شویم. به عنوان مثال در نهادهای اسلامی موفق به تأسیس یا فعال کردن نهاد اسلامی و انقلابی شدیم، باید در گام دوم انقلاب اسلامی هزاران نهاد اسلامی و انقلابی را تأسیس و فعال کنیم که مجموعه این اقدامات مکانیسم تحقق بیانیه گام دوم انقلاب است.

بیانیه گام دوم انقلاب

بخشی از بیانیه گام دوم انقلاب که از سوی رهبر معظم انقلاب صادر شده است:
چشم امید به شما جوانها است؛ و اگر زمام اداره بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان که بحمدالله کم نیستند سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان‌شاءالله

تشخیص نحوه مواجهه با گام دوم انقلاب
به بیانیهٔ رهبر معظم انقلاب باید به گونه‌ای پرداخته شود که درخور شأن حکمی ایشان است

شناخت جغرافیای مسأله
مهمترازچگونگی عملیات
بیانیهٔ ابتدا «جغرافیای مسأله» را بشناسیم و بیاییم که بیانیهٔ ایشان، در چه منطقه‌ای قرار دارد و چه موضع و موقعیتی دارد

سیاست رهبر معظم انقلاب
گفتمان سازی
باید جهت گیری انقلابی، به «گفتمان» تبدیل شود و مردم، خود به آن باور، و نسبت به آن دغدغه داشته باشند

بیانیهٔ گام دوم، سخنی موقتی و موسمی نیست
این بیانیه، سندی راهبردی و دهساله که باید به مثابه «نقشهٔ راه دهه های آینده» به آن نگریست و بسیار درباره اش تأمل کرد و گفت و نوشت

زمینه سازاستقرار
دولت جوان حزب اللهی
دعوت رهبر معظم انقلاب دربارهٔ کوشش جوانان مؤمن انقلابی برای «زمینه سازی در راستای استقرار دولت جوان حزب اللهی» را باید جدی و هوشیارانه انگاشت

مبنا انگاری جهت گیری‌های معرفتی امام خامنه‌ای در بیانیه گام دوم
باید برای «شرح» و «تبیین» این بیانیه در درجهٔ نخست و بیش ازهرچیز، از دیدگاه‌ها و مواضع شخص امام خامنه‌ای استفاده کرد

بیانیهٔ گام دوم
متمایز از ساختارهای رسمی
رهبر معظم انقلاب، موقعیتی برای این بیانیه تعریف کردند که جوانان مؤمن انقلابی که منزلتی «غیررسمی» و «خودجوش» دارند، باید خود را مکلف بشمارند و برای تحقق آن مجاهدت کنند

جوان مؤمن انقلابی باید ثابت کند که بدون کاربست «اداب و سنن سالانه» و «مجاری رسمی» می‌توان ایجاد و تقویت اقتصاد مستقل و با نگاه به توانمندی‌های داخلی حل می‌کند.

پاسخ‌های «دکتر ملکوتیان» به پرسش‌های صبح صادق درباره چیستی «نظام انقلابی» و چرایی طرح آن از سوی رهبر معظم انقلاب

پادزهری برای مقابله با مهار انقلاب‌های مردمی

زهرا ظهروند/ «نظام انقلابی» که رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم به آن اشاره داشتند، مفهوم بدیعی است که در ادبیات رایج علوم سیاسی کمتر سابقه داشته و حتی به زعم عده‌ای، دچار تناقض است؛ از همین رو از دکتر «مصطفی ملکوتیان» استاد دانشگاه و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران درخواست کردیم به پرسش‌های ما در این زمینه پاسخ دهد.

◦ رهبر فرزانه انقلاب نظریه «نظام انقلابی» را برای جلوگیری از کدام آفت و آسیب در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی مطرح کردند؟

نظام سلطه بین‌المللی اساساً برای حفظ منافع استعماری خود، مبارزه با انقلاب‌ها را در صدر اهداف خود قرار می‌دهد و غرب در حال حاضر، با وقوع انقلاب در جوامع گوناگون به این دلیل که منافع سلطه‌طلبانه آنها را به چالش می‌کشد، مخالف است. تحرکات غربی‌ها در کشورهای رقیب یا دشمن خود، انقلاب خوانده نمی‌شود و عمق ندارد؛ به همین دلیل حتی بسیاری از عوامل علمی در غرب در زمینه نتایج داخلی و خارجی انقلاب‌ها بسیار کم می‌نویسند و این نکته‌ای است که برخی نویسندگان و صاحبنظران غربی نیز آن را بیان کرده‌اند. نظام‌های غربی از بیان این جمله که با وقوع انقلاب در یک کشور تلاش می‌کنند آن کشور را ارام کنند و به وضعیت سابق برگردانند، ابایی ندارند. آنها در این مسیر، در مقابل دیدگاه نظام انقلابی، بر نظریه روزمرگی و توجه به همه‌پرسی تأکید کرده و با بهره‌برداری از انواع روش‌ها و به اصطلاح راهبردها، مانند راهبرد «مهار دوگانه» کلینتون، «حمله پیش‌دستانه» جرج بوش، «تحریم‌های فلج‌کننده» اوباما و «فشار حداکثری» ترامپ علیه انقلاب اسلامی ایران، تلاش می‌کنند نظام انقلابی را به تسلیم وادار کنند.

◦ آیا موفقیت‌هایی هم داشته‌اند؟

تجربه چهل سال گذشته انقلاب اسلامی به خوبی نشان داده است با توجه به اینکه این انقلاب از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است، نه تنها دشمنان آن به موفقیتی دست نیافته‌اند، بلکه انقلاب با شتاب و اعتماد به نفس بیشتر، به مسیر خود برای دستیابی به اهداف ادامه می‌دهد. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم فرمودند، انقلاب اسلامی بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید و تنها انقلابی است که ۴۰ سال با دوبدن خیانت به آرمان‌هایش پشت سر گذاشته و وارد دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است و شعارهای جهانی این انقلاب دینی- آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت و برادری- به دلیل سرشته بودن با فطرت بشر هرگز بی‌مصرف نخواهند شد. ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل آن جز با هدایت الهی و قلب ولی امام(ره) و اندیشه ایشان امکان‌پذیر نبود، همچنین قدرت عظیم ایمان و رهبری آسمانی امام(ره)، سبب تاب آوردن در مقابل آن همه خصومت و خیانت جهید استکبار شد. همان‌طور که در بیانیه گام دوم تأکید شده است، انقلاب اسلامی به یک دوره انحطاط طولانی، یعنی عقب‌ماندگی دوره‌های قاجار و پهلوی پایان داد و نتیجه و محصول آن، ایجاد کشوری مستقل، آباد، مقتدر، با عزت، متدین و پیشرفته در علوم و فناوری شده است که به تلاش در مسیر خود ادامه می‌دهد. هر روز فاصله خود با قله‌های تلاش را کمتر می‌کند و به آنها دست می‌یابد و مشکلات اقتصادی را که نتیجه بی‌توجهی به شعارها در برهه‌هایی از تاریخ چهل ساله و برخی ضعف‌های داخلی است، با ایجاد و تقویت اقتصاد مستقل و با نگاه به توانمندی‌های داخلی حل می‌کند.

◦ عناصر مقوم نظریه نظام انقلابی چیست و چه تعریفی از آن می‌توان ارائه کرد؟

هر نظریه مبتنی بر یک سری بنیان‌های فکری- فلسفی و نیز یک شبکه مفهومی خاص است و در صورت اجرا، نتایج عینی از خود بروز می‌دهد. اگر بنیان‌های فکری- فلسفی، غنی و نتایج نیز قوی، آشکار و مفید باشد، به منزله تقویت‌کننده نظریه، عمل و کارآمدی آن را تأیید می‌کند. انقلاب اسلامی از بنیان‌های جامع و بسیار غنی فکری- فلسفی در همه حیطه‌های انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، روش‌شناسی و معرفت‌شناسی برخوردار است، چراکه به یک مجموعه آرمانی دارای جامعیت که دین خاتم پیامبران(ص) بوده پیوند خورده است، همچنین عملکردهای چهل سال گذشته نظام اسلامی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تقویت‌کننده کارآمدی نظام اسلامی در دنیای امروز است. همان‌گونه که در بیانیه گام دوم آمده است، تلاش‌ها و جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی در چهل سال گذشته، کشوری مقتدر، مطمئن و امیدوار، انباشته از تجربه‌های گرانبها، دارای منطق قوی در مسائل جهانی، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی و انگیزه‌های جهادی میان جوانان، افریده است که همگی نشان از کارآمدی نظام انقلابی اسلامی دارد.

◦ برای تداوم نظام انقلابی چه مقدماتی لازم است؟

در این زمینه مهم‌ترین وظیفه برعهده نهادهای جامعه‌پذیری است تا وظیفه خود را با اجرای یک جامعه‌پذیری با کفایت، یعنی انتقال کامل ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی به نسل‌های جدید از طریق انواع وسایل در دسترس از قبیل خانواده، مدرسه، کتاب و رسانه‌ها،به ویژه شبکه‌های اجتماعی، نظارت و ساماندهی و قانونمند کردن آنها) انجام دهند. وظیفه دیگر برعهده مراکز اندیشه‌ورزی در سطوح گوناگون، مانند دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور است که با برگزاری کرسی‌های نظریه‌پردازی در زمینه کارکردهای داخلی و بین‌المللی نظام اسلامی، ذهن‌های نسل‌های جدید را برای همراهی با مدیریت‌های جهادی و انقلابی آماده کنند. در نتیجه یکی از پیش‌شرط‌های لازم در این زمینه قرار دادن مدیران متعهد و جهادی در سطوح گوناگون و در نقش‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور است.

◦ پایبندی به نظام انقلابی، چه تأثیری در تدوین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

پایبندی به روش‌های انقلاب در سیاست خارجی، در عمل بازتاب‌ها و تأثیرات متنوع و گوناگونی از خود برجای می‌گذارد که همگان اکنون این بازتاب‌ها و تأثیرات را در نقاط مختلف جهان مشاهده می‌کنند. تداوم پایبندی به دشمن‌شکنی دشمن سنگرهای استعمار می‌شود و برای استعمارگران معضلات مهم سیاسی، اقتصادی و در نهایت اول تمدنی ایجاد می‌کند و راه را برای اقتدار و حضور چالشگران و بازیگران انقلابی در صحنه جهانی باز می‌کند.

مروری بر اوصاف و ویژگی‌های جوان تراز گام دوم انقلاب

آنها که باید شانه زیر بار مسئولیت بدهند...

حسن خدادی/ از کلیات بیانیه «گام دوم انقلاب» مشخص است، بخش اعظم بار دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی بر دوش جوانان است و آنها هستند که باید شانه زیر بار مسئولیت در میدان‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین، اخلاق، معنویت و عدالت داده و انقلاب را به آرمان‌های خود نزدیک کنند؛ از همین رو درک و فهم آنچه در این بیانیه از جوانان خواسته شده و سپس تأمل در آنها و تلاش برای طراحی راهبرد، رویکرد و تکنیک برای تک تک وظایف بسیار مهم است. از سوی دیگر در طول این بیانیه چهره‌ای از «جوان تراز گام دوم انقلاب» به تصویر کشیده شده که شناخت این چهره و کوشش برای دست یافتن به ویژگی‌ها و خصایص آن، برای پیمودن گام دوم الزامی به نظر می‌رسد. به همین دلیل در ادامه به صورت تیتروار به وظایف و ویژگی‌های «جوان تراز گام دوم انقلاب» اشاره شده است.

بزیست‌شکن

جوان تراز گام دوم انقلاب، منفعل نیست و درجا نمی‌زند. او همیشه به دنبال خلاقیت و یافتن راه‌ها، روش‌ها و ابزارهای جدید و کارآمد برای حرکت رو به جلو است. با همه اینها، به اسم نوگرایی، به سنت‌ها، دارایی‌ها و تجارب ارزشمند گذشته پشت نمی‌کند و به خوبی می‌داند هر نویی یک روز کهنه می‌شود؛ از این رو ملاک، نو و کهنه بودن نیست بلکه ملاک نسبتی است که یک امر با حقیقت و به تبع آن کارایی دارد.

آزاداندیش

جوان تراز گام دوم انقلاب، استقلال فکری دارد، برده فکری کسی یا گروهی نیست، همواره اهل تعقل و تعمق است و بدون تحقیق و اتکا به براهین عقلی، به هیچ مکتب و اندیشه‌ای گرایش پیدا نمی‌کند. جوان تراز گام دوم انقلاب، همواره به دنبال حکمت است و در این راه، جمود فکری ندارد؛ بنابراین اگر لازم باشد حکمت را از کافر و مشرک هم دریافت می‌کند، چه رسد به برادر مسلمان خود.

پیوندی ناگسستنی با «ولایت»

جوان تراز گام دوم انقلاب می‌داند که باید دوشادوش امام زمان(عج) و در زمان غیبت ایشان، دوشادوش نایب امام خود حرکت کند. اینها کشتی در حال حرکت در دریای موج هستند که هر کس بر آن کشتی سوار شود، از خطر غرق شدن در امان می‌ماند و هر کس که سوار این کشتی نشود یا آن را ترک کند، غرق می‌شود. بنابراین، نه ذره‌ای از آمادش جلو می‌زند و نه ذره‌ای از او عقب می‌ماند. با این وصف، جوان تراز گام دوم انقلاب، گوش به فرمان ولی فقیه و ناب امام زمان است. خواسته‌های خود را به خواسته‌های او مقدم نمی‌کند، در برابر او رأی و نظر صادر نمی‌کند و همراهی حقیقی با ولی فقیه در دوران غیبت را، تضمینی برای حضور در کنار امام زمان(عج) می‌داند.

جهاد و تلاش گر

جوان تراز گام دوم انقلاب یک لحظه آرام و قرار ندارد. همواره در حال کوشش است. او تنبل و ساکن نیست، پرکار و پر تلاش است، وجدان کاری دارد، اهل کارهای ناقص، سُست و ضعیف نیست. اساساً در قاموس جوان مسلمان و انقلابی، «نمی‌شود» و «نمی‌توانیم» وجود ندارد. به اذن الهی وارد هر کار بزرگی که لازم باشد، می‌شود و به لطف الهی، از آن کار سربلند بیرون می‌آید و اتفاقاً دشمن نیز همین خودباوری را نشانه گرفته است.

منظم و سازمان‌پذیر

جوان تراز گام دوم انقلاب، شلخته و بی‌نظم نیست، انضباط کاری دارد، اهل محاسبه است، اهل مشورت است، تک‌رو نیست، گروهی، مشتکل و هماهنگ عمل می‌کند و به مقررات و سلسله‌مراتب تشکیلاتی احترام می‌گذارد.

مسلط در امور

شرایط هر قدر هم که دچار نوسان باشد و افت و خیز داشته باشد یا هر میزان که شرایط عرصه را برای کار کردن تنگ کند، جوان مسلمان و انقلابی مغلوب آن نمی‌شود. در حقیقت، هیچ‌گاه شرایط بر او سوار نمی‌شود؛ بلکه اوست که تلاش می‌کند همیشه بر شرایط سوار باشد.

صبور و با استقامت

جوان تراز گام دوم انقلاب، در مسیر انجام وظایف خود مقاوم و صبور است. او می‌داند که توفیقات بزرگ در گرو صبر و استقامت است و به مصداق این آیه شریفه که خطاب به پیامبر اکرم(ص) فرمود: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرتَ وَ مَن تَابَ مَعَكَ»، او مأمور به استقامت شده است. بنابراین، جوان تراز گام دوم انقلاب در مواجهه با انواع سختی‌ها و گرفتاری‌ها کمر خم نمی‌کند و از میدان خارج نمی‌شود.

گذار از درون‌مایه به زیربنای یک بیانیه

جعفر حسن‌خانی/ بیانیه «گام دوم» در کنار دیگر نگاشته‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی از مبادی و مبانی‌ای برخوردار است که عبور از تحلیل‌های کلیشه‌ای و روبنایی و توجه ژرف‌اندیشانه به مبانی بنیان‌های آن می‌تواند در سیاست‌گذاری علوم انسانی و تولید دانش پشتیبان برای آن مؤثر باشد. این یادداشت بر آن است تا از مبادی گام دوم بگوید؛ از اینکه این سخنان از چه نظام اندیشگی برآمده و این نظام اندیشگی چقدر برای ما شناخته شده است.

الف- تحلیل براساس کدام دانش تحلیلی؟

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم، همانند دیگر نوشته‌ها و گفته‌های خود، تحلیلی از وضع موجود، گذشته و آینده ارائه می‌دهند. فارغ از درون‌مایه تحلیل‌ها، پرسش‌هایی که مطرح می‌شود، این است که چارچوب نظری این تحلیل‌ها را باید در کدام دانش جست؟ کدام دانش این جنس تحلیل را پشتیبانی نظری می‌کند؟ با کدام دانش‌ها می‌توان این سخنان و تحلیل‌ها را روشمندانه توضیح داد؟ آیا پاسخ این پرسش‌ها در معظم انقلاب نهفته است یا به همه آنها؟ به نحوی که برای نمونه با ابتنای به مکتب رفتارگرایی در جامعه‌شناسی، ایشان تحلیل‌های کمّی و سنجش‌پذیر را مبنای گفته‌های خود قرار می‌دهند؟ یا اینکه پاسخ این پرسش‌ها در دانش تاریخ است و ایشان مبتنی بر روش تحلیل تاریخی گفته‌های خود را صورت‌بندی می‌کنند؟ یا اینکه پاسخ این پرسش‌ها در دانش فلسفه است؛ یعنی اینکه ایشان با ابتنای به یک ایدهٔ فلسفی و مبتنی به یک روش تحلیل فلسفی نگاشته‌ها و گفته‌های خود را انسجام می‌بخشند؟

پاسخ به این پرسش‌ها در هیچ‌یک از این سه دانش پیش‌گفته نیست و البته در همهٔ این سه دانش پیش‌گفته هم هست. روش تحلیل رهبر معظم انقلاب صرفاً به جامعه‌شناسی، نه تاریخی و نه فلسفی است و البته هم جامعه‌شناسانه، هم تاریخی و هم فلسفی و مبتنی بر معارف اسلامی است.

ب- تحلیل مبتنی بر دانش فلسفهٔ تاریخ

روش تحلیل رهبر فرزانه انقلاب «فلسفهٔ تاریخی» است. ایشان با ابتنای بر روش «فلسفهٔ تاریخ» به رخدادها می‌نگرد و از گذشته تا آینده را تحلیل می‌کنند و مبتنی بر آن تجویزها و دستورالعمل‌های‌شان را ارائه می‌دهند. بینش رهبر معظم انقلاب فلسفهٔ تاریخی است و کنش‌ها و کردارشان هم در

فقه مقاومت

«حجت‌الاسلام مجید رجبی» می‌گوید: «مسیر و حرکت فقه مقاومت در سیره سیدالشهداء اقامه دین است، امروزه فریادهای گوناگونی در مسیر مقاومت و ایستادگی بلند است؛ اما این فریادها به کدام سو دعوت می‌کند؟ اندیشه مقاومت اسلامی، دعوت به ایستادگی خام و بدون هدف نیست؛ بلکه جهان را به سوی حکمرانی شایستگان، اقامه دین، برپایی احکام شریعت و برقراری عدالت واقعی مستفاد از کتاب و سنت پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) دعوت می‌کند.»

سیاست‌نامه

بررسی اندیشه سیاسی آخوند خراسانی-۱۰
علما و بیداری اسلامی ایرانیان

□ **فتح‌الله پریشان**/ در شماره گذشته، به دو عامل از عوامل بیداری ایرانیان در نهضت مشروطه یعنی نفوذ بیگانگان و استعمارگران و دیگری درباریان و استبداد اشاره کردیم. همچنین به صورت تفصیلی به بررسی نقش علما در این بیداری پرداختیم و تغییر آن را به «بیداری اسلامی» به سبب نقش‌آفرینی جدی علما و فقهای دینی دور از واقعیت ندانستیم. در این شماره دو مصداق و ثمره عملی بیداری اسلامی در جنبش تنباکو و مشروطه را با تأکید بر نقش‌آفرینی مؤثر علمای شیعی بررسی می‌کنیم.

به نظر می‌رسد نقطه عزیمت بیداری اسلامی در تاریخ معاصر ایران، جنبش تنباکو بود. این جنبش به رهبری مرجع دینی بزرگ تشیع، میرزای شیرازی، برای نخستین بار با رویکرد دینی، ضرورت استقلالی سرزمین اسلامی در برابر مداخله بیگانگان مطرح شد. اهمیت این جنبش سبب شده برخی نویسندگان به درستی جنبش تنباکو را «مبدأ تاریخ بیداری» بدانند[1]؛ اما به نظر می‌رسد صحیح‌تر این باشد که این جنبش را به سبب رهبری دینی و توده مردمی که از سر تکلیف دینی فتوای تحریم تنباکو عملی ساختند، نخستین بیداری و آگاهی اسلامی مردم ایران دانست که نقش و جایگاه مرجعیت دینی را نیز نمایان کرد. گزارش تاریخی کسروی از این ماجرا این‌گونه است: «در سال ۱۲۶۸ ناصرالدین شاه امتیازهای دیگری داد که شناخته شده‌ترین آنها «امتیاز توتون و تنباکو» بود. مردم زیان اینها را نمی‌دانستند و تا آن زمان توده را پروای سود و زیان کشور کردن و در کارهای دولتی به چون و چرا برخاستند در میان نبوده؛ ولی چون اینها پای بیگانگان را به کشور باز کردند و اروپاییان در ایران فراوان شدند. مردم به ویژه ملایان، دیدن آنان نتوانستند و بر رنجش و گله پرداختند و همین ایده آنان را باز کرد و در سایه جنبش و ایستادگی، امتیاز توتون و تنباکو از میان رفت.»[2]

آگاهی مردم از نفوذ بیگانگان در کشور و تقید و پایبندی آنها نسبت به دین و مرجعیت دینی در جریان تکوین جنبش تنباکو تعیین‌کننده است. جنبش مشروطیت برخلاف نهضت تنباکو که توجه مرجعیت دینی و مردم معطوف به عامل بیرونی عقب‌ماندگی ایران یعنی نفوذ بیگانگان است، بیشتر صبغه درونی داشت و زمینه‌ساز بیداری اسلامی ایرانیان در برابر ماهیت سلطنت و عملکرد آن بود. علما و فقهای شیعه در مشروطه سه نقش جدی ایفا کردند؛ مرحله نخست شکل‌گیری مقدمات جنبش مشروطیت و بسیج مردم است. جالب است کسروی گزارشی از نقش‌آفرینی علما در روشنگری مردم می‌دهد که هنوز عنوان مشروطه به صورت رسمی مطرح نشده است. به گفته کسروی «هر روز حاجی شیخ محمد یا واعظ دیگری به منبر رفتی و به شیوه واعظان، آیه‌ای یا حدیثی عنوان کردی و در این میان از ستمگری‌های حکمرانان و از خودکامگی عین‌الدوله و از گرفتاری‌های مردم سخن راندی. هنوز نام مشروطه و آزادی در میان نبود؛ ولی برای نخستین بار، کسانی آزادانه سخن از بدی‌های دولت رانده و دلسوزی به توده می‌نمودند.»[3]

مرحله دوم، طرح مطالبات و درخواست‌های مردمی در جنبش مشروطیت است. نقش علما و روحانیان را در این دوره می‌توان دینی‌سازی مطالبات و درخواست‌ها دانست. با توجه به جایگاه مرجعیت، در این مرحله علمای مقیم نجف نیز در کنار علمای مقیم ایران، در رهبری حرکت مردم ایران مشارکت می‌کنند. «مسلک‌زاده» به این نکته چنین اشاره کرده است: «چند نفر از مراجع تقلید چون آخوند ملاکاظم خراسانی، حاجی‌میرزا حسین، حاجی میرزا خلیل و شیخ عبدالله مازندرانی به طرفداری از مشروعیت قیام کردند و پیشوایی نهضت ملی را عهده‌دار شدند و با احکام اکیده، مردم ایران را به طرفداری از اصول مشروطیت و حکومت ملی مکلف نمودند.»[4] مرور برخی مکاتبات آخوند خراسانی در این مرحله از مشروطیت، نقش درخور توجه و اثرگذار وی را نمایان می‌کند. وی در یکی از نامه‌های خود به حاج شیخ محمد واعظ در ماه رجب ۱۳۲۷ قمری می‌نویسد: «مخصوصاً مزاحمت می‌نمایم که تمام اوقات خصوص ایام و لیالی متبرکه شعبان و رمضان به عموم ملت بفهمانید که غرض ما از این همه زحمت، ترفیه حال رعیت و رفع ظلم از آنان و اعانه مظلوم و اغاثه ملهوف و اجرا احکام الهیه عزاسمه و حفظ و وقایه بلاد اسلامی از تطاول کفار و امر به معروف و نهی از منکر و غیرها از قوانین اسلامیه نافعه للقوم بوده است.»[5] تشکیل عدالت‌خانه در هر بلدی از بلاد ایران برای رسیدگی به تظلمات رعیت به طور مساوات و اجرای قانون اسلام درباره آحاد مردم از رئوس مطالبات علما و مهاجران به ویژه در مهاجرت صغری است. مطالبه شکل‌گیری مشروطیت بر پایه آموزه‌های اسلامی، به ویژه مذهب تشیع و تأسیس مجلس شورای ملی که علما نقشی ویژه در تأیید و تکمیل مصوبات آن داشته باشند نیز در مطالبات مردمی نهضت مشروطه وجود دارد. مرحله سوم از فعالیت علما و مراجع پس از پیروزی مشروطیت و صدور فرمان تشکیل مجلس است که در شماره آتی پرداخته می‌شود.

منابع:

۱ـ ادوارد براون، انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه مهدی قزوینی، ص ۴۵.
۲ـ احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، ص ۱۵.
۳ـ همان، ص ۶۸.
۴ـ مهدی ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ص ۲۰۹.
۵ـ ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی‌سیرجانی، ص ۱۹۵.

کتابخوان

پیشینه نظریه ولایت فقیه

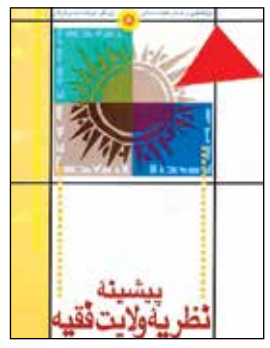

یکی از مباحث مهم در عصر جمهوری اسلامی حاکمیت فقه بر جامعه اسلامی است. حاکمیت فقه و فقها در عرصه حکومت و اجتماع برای اینکه کشتی جامعه اسلامی را به سرمنزل توحید و سعادت بشری برساند، برگرفته از نظریه ولایت فقیه است. طبق عقاید شیعی، فقیه در دوران غیبت نیابت عام مسلمین را بر عهده دارد و حجت امام معصوم(ع) بر مسلمین است؛ از این رو، فرمان فقیه چون امام معصوم(ع) مطاع است و بر مردم لازم است از بیانات فقیه در عصر غیبت تبعیت کنند. پس از این حاکمیت بر حق که نشئت گرفته از آیات و روایات و عقل دینی است، عده‌ای در پیشینه تاریخی این بحث اشکال وارد کردند و ولایت فقیه را امری جدید در تاریخ اندیشه اسلامی پنداشته و آن را مطرح شده در یکی دو سده اخیر انگاشته‌اند و بر این پندارند که نظریه دولت در فقه شیعه و ویژه کردن جایگاهی برای فقیه در هندسه سیاسی دولت اسلامی، دستاورد استنباط فقهای سده‌های اخیر است که نخستین بار از سوی ملااحمد نراقی، معروف به «فاضل کاشانی»، هم روزگار فتحعلی شاه قاجار، از آن سخن به میان آمده؛ وگرنه از ولایت فقیه، نه در کتاب‌های فقهای شیعه و سنی، سخنی به میان آمده است و نه در قرآن و سنت جای پا دارد. در واقع، از منظر این عده اگر به عقب برگردیم، در کمتر از دو قرن پیش ولایت فقیه مطرح شده است.

در راستای پاسخ به این شبهه مهم، عده‌ای دست به قلم شده تا با بررسی آرا و نظریات فقهای پیشین به قدمت این نظریه اشاره کنند و نشان دهند ادعای مستحدث بودن آن نظریه مقبول اهل علم نیست؛ از جمله این افراد، آقای «مصطفی جعفرپیشه فرد» است که کتاب «پیشینه نظریه ولایت فقیه» را در سال ۱۳۸۰ تألیف و از سوی دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری منتشر کرد. این کتاب که در سال ۱۳۹۲ تجدید چاپ شد، با بررسی منابع فقهی، آرای فقها و تنظیم آن در هفت دوره، نشان می‌دهد سابقه نظریه ولایت فقیه به نخستین مراحل شکل‌گیری فقه شیعی برمی‌گردد و پس از آن نیز همواره مورد توجه فقهای شیعه بوده است.

نقد روز

تأملی نقادانه بر رابطه تلازمی بین روندهای دموکراتیک و صلح
دموکراسی غربی ظرفیت جهان‌شمول ندارد

□ **مصطفی قربانی**/ در نشست «صلح و ضرورت دموکراسی» که به تازگی به مناسبت روز جهانی دموکراسی و با حضور افرادی، چون علیرضا علوی‌تبار، مقصود فراستخواه، حاتم قادری، پروانه سلحشوری و صادق زیباکلام برگزار شد، ابعاد و زوایای مختلفی از رابطه صلح و دموکراسی واکاوی شد. نکته جالب در این زمینه آن است که اگرچه همه سخنرانان به ارتباط این دو معتقد بودند؛ اما دکتر قادری این دو را لازم و ملزوم یکدیگر ندانسته و با توجه به وضعیت کنونی ایران، تحقق دموکراسی در ایران را ناممکن دانسته است. در این میان، صادق زیباکلام نیز با مفروض گرفتن رابطه صلح و دموکراسی، با اشاره به بحث «انقلاب‌ها و دموکراسی»، تلاش کرد به این پرسش پاسخ دهد که چرا انقلاب‌ها به دموکراسی ختم نمی‌شوند؟

زیباکلام در پاسخ به این پرسش، عمدتاً با تلقی خاصی که از خشونت ذاتی انقلاب‌ها، تقدیس خشونت از سوی گفتمان انقلابی، انقلابیون و حتی مردم دارد، معتقد است اساساً پروژه انقلاب‌ها تحقق دموکراسی نیست. وی در این زمینه با ابراز تأسف می‌گوید: «متأسفانه آخرین وظایف و رسالت‌هایی که رژیم‌های انقلابی برای خود قائل می‌شوند، پیشبرد و توسعه دموکراسی است. به نظر من فکر هر تغییر و تحولی برای آینده ایران باید از مسیر دموکراسی و تقویت نهادهای دموکراتیک عبور کند.»

آنچه از دیدگاه زیباکلام استنباط می‌شود، این است که تحقق دموکراسی باید آرمان انقلاب‌ها باشد و وی از اینکه انقلاب‌ها مسیری به جز دموکراسی در پیش گرفته‌اند، ابراز تأسف می‌کند. در این زمینه باید به چند نکته توجه داشت:

۱ـ در نظر گرفتن تحقق دموکراسی به منزله یکی از اهداف غایی انقلاب‌ها محل ایراد است؛ زیرا دموکراسی در همه جا قابل پذیرش نیست و در مواردی با مبانی معرفت‌شناسی انقلاب‌ها در تعارض است؛ یعنی دموکراسی نمی‌تواند نسخه جهان‌شمولی برای تحقق اهداف انقلاب‌ها باشد. واضح است که دموکراسی مبتنی بر فلسفه اومانیسم(خودبنیادی انسان) بوده و پیامد آن، سکولاریسم در حوزه سیاسی است؛ دموکراسی به این معنا محل چالش و مناقشه است. به عبارت دقیق‌تر، در نظر گرفتن تحقق دموکراسی به منزله هدف انقلاب‌ها، به معنای پذیرش فلسفه تاریخ روشنگری و پذیرش تئوری‌های وابستگی در مسیری، مانند نظریه نوسازی است که در آن اعتقاد بر آن است که همه جوامع لاجرم در مسیری قدم می‌گذارند که غرب از قرن ۱۵ میلادی پیموده است. حال آنکه هر جامعه‌ای می‌تواند مسیر خاص تحولات خود را داشته باشد. در همین زمینه، گفتنی است در تئوری‌های گذار به دموکراسی، که مبتنی بر فلسفه تاریخ روشنگری هستند، براساس آنچه در تاریخ غرب اتفاق افتاده است، توسعه سیاسی و دموکراسی را مرحله‌ای بعد از تحقق توسعه اقتصادی می‌دانند. حال آنکه در وضعیت کنونی کشورهایی، مانند چین وجود دارند که در عین دستیابی به توسعه اقتصادی، دموکراسی لیبرالی را نپذیرفته و به سوی آن در حرکت نیستند. بنابراین، اینکه دنیا لاجرم در حال گذار به دموکراسی است، پذیرفتنی نیست.

۲ـ گذار از انقلاب به دموکراسی مسیری ساده نیست و در هیچ جای دنیا این‌گونه نبوده که بلافاصله بعد از وقوع انقلاب‌ها، جوانه‌های دموکراسی در فضایی صلح‌آمیز و آرام روییدن بگیرد. در این زمینه می‌توان به انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه که در تاریخ انقلاب‌ها به عنوان انقلابی آزادی‌خواهانه شناخته می‌شود و با شعار «آزادی، برابری، برادری» به پیروزی رسید، اشاره کرد. آن‌گونه که «فرید زکریا» در کتاب «آینده آزادی» روایت می‌کند، در فرانسه تازه بعد از ۱۵۰ سال، آن هم با وقوع تحولات خشونت‌بار

اگر اختلافات و نزاع‌های هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه را هم کنار بگذاریم، تحقق دموکراسی به عنوان یک مطلوب بشری مستلزم تحقق پیش‌شرط‌هایی، از جمله توسعه اقتصادی است و در صورت محقق نشدن پیش‌شرط‌ها، نمی‌توان دموکراسی را به مثابه نسخه‌ای جهان‌شمول ارائه داد و آن را راه‌حل مشکلات کشور دانست

متعدد و جابه‌جایی پنج جمهوری متوالی، دموکراسی لیبرالی هویدا شده است. افزون بر این، از زمان وقوع انقلاب ۱۷۷۶ آمریکا، اندیشه‌های آزادی‌خواهانه به طور جدی و پررنگ در آن دیار مطرح بوده، به گونه‌ای که پدران بنیانگذار آمریکا مانند «جفرسون» و «مادیسون» امروزه از متقدمان اندیشه دموکراسی محسوب شده و مورد تقدیر و احترام دنیای غرب هستند. با این حال حتی در آمریکا تحقق ملزومات اولیه دموکراسی سال‌ها به درازا کشیده است؛ به این ترتیب که با وجود طرح اندیشه‌های آزادی‌خواهانه در آمریکا و داعیه‌های دموکراسی‌گرایانه در این کشور، حق رأی تا اوایل قرن بیستم مختص مردان بود و زنان از این حق ابتدایی محروم بودند یا اینکه حتی تا مدت‌ها پس از این، سیاهان در زمره شهروندان درجه دوم آمریکا محسوب می‌شدند و از برخی حقوق خود محروم بودند.

۳ـ همان‌گونه که در بحث‌ها و حوزه‌های گوناگون، همچون توسعه اقتصادی، شیوه‌ها و روش‌های متفاوتی برای تحقق توسعه وجود دارد که باید مبتنی بر شرایط بومی و فرهنگی کشورها اخذ و اجرا شود، توسعه سیاسی و دموکراسی نیز باید مبتنی بر شرایط بومی، فرهنگی و مذهبی کشورها باشد. بنابراین، اگر در غرب، دموکراسی مبتنی بر اومانیسم و سکولاریسم پذیرفته شده است، دیگران الزامی به پذیرش این راه طی شده ندارند و می‌توانند نسخه بومی خود را برای تحقق دموکراسی داشته باشند.

۴ـ درباره انقلاب اسلامی هم باید گفت، این انقلاب و نظام برآمده از آن، دموکراسی را به مثابه یک شیوه و الگو برای کارآمدسازی اداره جامعه پذیرفته است، اما اساساً نمی‌تواند فلسفه دموکراسی را بپذیرد؛ زیرا همان‌گونه که گفته شد، دموکراسی مبتنی بر اومانیسم است که با آموزه‌های اسلامی در تعارض است. افزون بر این، انقلاب اسلامی خود داعیه‌های تمدنی دارد و چنانچه به هر دلیلی، آن را انقلابی بدانیم که باید لاجرم به سمت دموکراسی لیبرالی برود، به خطا رفته‌ایم؛ انقلاب اسلامی اساساً خود مدعی ترسیم راه نوینی پیش‌روی بشریت است و چنانچه بخواهد تحقق دموکراسی لیبرالی را آرمان خود قرار دهد، از افق تمدنی خود منحرف شده است. بنابراین، انقلاب اسلامی باید بدیل و نسخه‌ای مقابل دموکراسی لیبرال ارائه دهد؛ این نسخه همانا مردم‌سالاری دینی است که در آن میان آرای مردم و شریعت رابطه حذفی برقرار نمی‌شود؛ یعنی به بهانه رأی و خواست مردم، احکام الهی نقض نمی‌شود، بلکه با پذیرش مرجعیت دین، میان این دو رابطه دربرگیرندگی متقابل برقرار می‌شود.

۵ـ از باب قاعده التزام هم باید گفت، از دیدگاه برخی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان گذار به دموکراسی مانند «سیمور مارتین لیپست» و «هانتینگتون»، توسعه اقتصادی پیش‌شرط توسعه سیاسی و تحقق و ترویج دموکراسی است. بنابراین، کسانی که در ایران مبتنی بر فلسفه تاریخ روشنگری غرب تئوری‌پردازی می‌کنند، باید بدانند در شرایطی که تحقق توسعه اقتصادی در ایران با چالش‌ها و موانع متعددی روبه‌رو است، چگونه انتظار دارند دموکراسی حداقل به شیوه‌ای که در غرب جاافتاده و پیاده شده است، در ایران نیز محقق شود. واقعیت آن است که اگر اختلافات و نزاع‌های هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه را هم کنار بگذاریم، تحقق دموکراسی به عنوان یک مطلوب بشری مستلزم تحقق پیش‌شرط‌هایی، از جمله توسعه اقتصادی است و در صورت محقق نشدن پیش‌شرط‌ها، نمی‌توان دموکراسی را به مثابه نسخه‌ای جهان‌شمول ارائه داد و آن را راه‌حل مشکلات کشور دانست. البته این به معنای ضدیت با دموکراسی و آرای مردمی نیست؛ بلکه منظور آن است که نسخه‌برداری کورکورانه از غرب، بدون دقت در پیش‌زمینه‌ها و شرایط نمی‌تواند راه‌گشا باشد.

آفاق

ماهیت‌شناسی و نحوه استمرار انقلاب اسلامی - ۶۰
قائلان به محدودیت اختیارات ولی‌فقیه در عصر غیبت

□ **دکتر عباسعلی عظیمی‌شوشتری**/

در شمارگان پیشین، ولایت فقیه در عصر غیبت با دلایل عقلی و نقلی اثبات شد. حال این پرسش مهم مطرح می‌شود که اختیارت ولی‌فقیه کدامند و ایشان تا چه حدودی ولایت دارد؟ در این خصوص میان فقهای شیعه اختلاف نظر وجود دارد. با این وصف همه این اختلافات را می‌توان در دو نظریه خلاصه کرد: دیدگاه کسانی که معتقد به محدود بودن اختیارات ولی‌فقیه هستند و دیدگاه کسانی که به مطلقه بودن اختیارات ولی‌فقیه همسان با ولایت پیامبر و معصومین(ع) اعتقاد دارند. در این شماره به تشریح دیدگاه‌های دو تن از دسته اول می‌پردازیم.

شیخ انصاری و حرکت در مرز دو دیدگاه

شیخ انصاری در کتاب «مکاسب» مناصب سه‌گانه فقیه- افتاء، قضاء و ولایت- را برای فقیه ثابت می‌داند؛ اما درباره منصب ولایت معتقد است که گستره آن را نمی‌توان به تصرف در اموال و انفس مردم که همان ولایت عامه باشد تسری داد. به این ترتیب ایشان در حدود ولایت فقیه همان گونه که برای معصومین(ع) ثابت بوده تردید می‌کند و معتقد است: ولایت، در اینجا، که به معنای تحمل مسئولیت و مشروعیت تصرفات فقیه در شئون عامه است، به دو گونه قابل تصور است: «نخست آنکه در تمام شئون امت حق نظر و تصرف داشته باشد و بر مردم واجب باشد تا از وی اطاعت کنند؛ همان گونه که درباره امامان معصوم(ع) گفته شد. دیگر، در خصوص اموری که شرعاً و عقلاً باید برپا داشته شود و متولی خاصی بر انجام آن معین نشده است.» آنگاه در مورد نخست می‌فرماید: اقامه دلیل برای وجوب اطاعت از فقیه به همان گستردگی امام معصوم(ع) جز در مواردی که درباره آن دلیل وجود داشته باشد بسیار مشکل است.[1]

اما در مورد دوم، که مشروعیت انجام آن به طور مطلق ثابت شده و مفروغ عنه به شمار می‌رود، وظیفه فقیه جامع شرایط است که تصدی آنها را برعهده می‌گیرد.[2]

به این ترتیب محدوده اختیارات فقیه را به افتا و قضا محدود کرده و ولایت او را نیز محدود به مواردی می‌داند که شارع، راضی به ترک آن نیست که عموماً امور حسبه است یا اموری که مشروعیت انجام آنها مفروغ عنه باشد؛ به گونه‌ای که اگر فقیه جامع‌الشرایطی نیز وجود نداشته باشد، بر امت واجب است به نحو واجب کفایی آن را برپا دارند و در تحقق بخشیدن به آن به پا خیزند، در چنین اموری- طبق دلایل یاد شده- ولایت فقیه ثابت است؛[3] اما در کتاب «القضا» می‌فرماید: «حکم فقیه جامع شرایط در تمام فروع احکام شرعی و موضوعات، حجت و نافذ است؛ زیرا مقصود از لفظ حاکم که در مقبوله آمده، نفوذ حکم او در همه شئون و زمینه‌هاست و مخصوص امور قضایی نیست، همانند آنکه سلطان وقت، کسی را به عنوان حاکم معین کند که مستفاد از آن، تسلط او بر تمام شئون مربوط به حکومت اعم از جزئی یا کلی است.»[4]

شیخ انصاری دو دیدگاه متفاوت در خصوص ولایت فقیه دارد؛ در مکاسب ولایت را محدود کرده اما درکتاب قضا دایره اختیارات را قدری گسترش داده و آن را به همه شئون مربوط به حکومت تسری داده است. باید توجه داشت که مبنای شیخ در هر دو کتاب یکی است؛ شیخ عدم ولایت افراد بر یکدیگر را اصل می‌داند و ثبوت ولایت را تا جایی قرار داده که نصوص اثبات کنند؛ ولی در کتاب القضا با استفاده از تعلیل توقیع شریف، محدوده ولایت را گسترش داده است

به نظر می‌رسد میان این دو دیدگاه شیخ قدری تفاوت وجود دارد. در مکاسب ولایت را محدود کرده است؛ اما کتاب قضا دایره را قدری گسترش داده و آن را به همه شئون مربوط به حکومت تسری داده است. باید توجه داشت که مبنای شیخ در هر دو کتاب یکی است؛ شیخ عدم ولایت افراد بر یکدیگر را اصل می‌داند و ثبوت ولایت را تا جایی قرار داده که نصوص اثبات کنند؛ ولی در کتاب القضا با استفاده از تعلیل توقیع شریف، محدوده ولایت را گسترش داده است. همچنین از نظر او عبارت «فقد جعلته علیکم حاکما» در مقبوله عمربن حنظله و «فإنهم حجتی علیکم» در توقیع شریف نشان می‌دهد نفوذ حکم حاکم در فصل خصومات و وقایع مختلف نیز در واقع معلول حکومت مطلقه و حجیت عامه است؛ بنابراین نمی‌توان این روایات را به حل و فصل دعاوی محدود کرد.[5] به عبارتی اگر چه در مکاسب با استفاده از روایات نتوانسته است ولایت عامه فقیه را اثبات کند و از عبارت «خرط القتاد» استفاده کرده، در کتاب القضا دلالت همان روایات را بر ولایت عامه ثابت می‌کند.

میرزای نائینی و امور حسبه

میرزای نائینی در کتاب «تنبیه الأمه و تنزیه المله» قلمرو ولایت فقیه را محدود به امور حسبه می‌داند و تصریح می‌کند که قدر متیقن ولایت فقیه در دوران غیبت در امور حسبه ثابت است؛[6] اما تعریفی که وی از امور حسبه می‌دهد، وسیع است و آن را شامل مسائل سیاسی و حفظ نظم کشور اسلامی و «نظام و ذهاب بیضه اسلام» می‌داند.[7] باید توجه داشت که چون مبنای میرزا در تنبیه الأمه حسبه است، به نوعی محدوده ولایت فقیه را ضرورت‌های جامعه دانسته است.

البته قائلان به محدود بودن اختیارات ولایت فقیه به امور حسبه را نیز می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ گروهی که امور حسبه را محدود به مواردی می‌دانند؛ مثل دفن میت مسلمان و سرپرستی صغار و اموری که هر مسلمان مؤمنی باید انجام دهد و اگر چنین مؤمنی وجود نداشته باشد یک فاسق هم می‌تواند آنها را انجام دهد. این همان نظری است که شیخ انصاری در مکاسب مطرح می‌کند. گروهی که دایره شمول حسبه را گسترده‌تر دانسته و حکومت را نیز شامل این دسته از امور می‌دانند که نظر شیخ انصاری در کتاب القضا و دیدگاه نائینی در «تنبیه الأمه و کاشف الغطا» جزء این دسته هستند؛ اما این بزرگواران دامنه اختیارات فقیه را حتی در باب حکومت به ضرورت محدود می‌کنند. در خصوص این نظریه چند نکته را باید مطرح کرد.

اول اینکه این نظریه در شرایطی مطرح شد که حکومت را سلاطین جور بر عهده داشتند و علما در حوزه‌های علمیه به بحث‌های علمی و فقهی و عملاً از سیاست دور بودند، یا به جرم ترویج نظریات تشیع در کنج زندان‌ها به سر می‌بردند یا تقیه می‌کردند؛ بنابراین چون تولی تمام امور جامعه اسلامی برای آنها دور از انتظار بود، کمتر به مسائل سیاسی پرداخته و در امور حکومتی کنکاش می‌کردند. قطعاً همان علما و بزرگان در وجوب طرد نااهلان تردیدی نداشتند و آرزو می‌کردند فقیه واجدالشرایط را به ولایت و زمامداری برگزینند و به این وسیله ولایت و امامت ائمه معصومین را استمرار بخشند.

دوم اینکه این نظریه را بسیاری از فقها و مجتهدان مورد انتقاد قرار داده‌اند؛ برای مثال همان گونه که در مباحث گذشته بیان کردیم، صاحب جواهر این نظریه را مردود شمرده و آن را موجب تعطیلی احکام و حدود اسلام می‌داند و آن را به کسانی نسبت می‌دهد که نه طعم فقه را چشیده و نه لحن امام معصوم را فهمیده‌اند.[7]

پی‌نوشت‌ها:

۱ـ شیخ مرتضی انصاری، مکاسب، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۵۵۳.
۲ـ همان.
۳ـ همان، ص ۵۵۴.
۴ـ همان، القضاء و الشهادات، کنگره جهانی شیخ اعظم انصاری، قم ۱۴۱۵، ص ۴۸.
۵ـ همان، ص ۴۹.
۶ـ محمدحسین میرزای نائینی، تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۲۴، ص ۷۶ـ ۷۵.
۷ـ همان.
۸ـ محمدحسن صاحب جواهر (نجفی)، همان، ج ۲۱، ۳۹۸ـ ۳۹۷.

ریزش‌ها

فراز و فرود عطاءالله مهاجرانی-۳
فراموشی یا تحریف؟

□ **شهاب زمانی**/ عطاءالله مهاجرانی افزون بر اینکه شخصیت انقلابی خود را بعدها به فراموشی سپرده بود، تاریخ انقلاب را هم وارونه جلوه می‌داد و سعی در تحریف وقایع تاریخی داشت. او در مصاحبه‌ای در سال ۱۳۸۴ با تخریب چهره انقلابی خود در دهه اول انقلاب، ضمن اشاره به استحاله فکری خود می‌گوید: «بالاخره ما در انقلاب اسلامی وقتی که دیگران تخریب می‌شدند گاهی سکوت می‌کردیم. چهره‌هایی مانند مهندس بازرگان که در آن زمان آن‌گونه تخریب شدند که شاید خود ما هم به اعتبار جوانی سخن تندی علیه ایشان داشتیم. بزرگان باید جلوی این تخریب را می‌گرفتند که نگرفتند! مرجعی مانند شریعتمداری را تخریب کردند! آقای منتظری را به خاطر یک سخنرانی پنج سال به خانه‌نشینی محکوم کردند و درب خانه‌شان را بر روی وی جوش دادند، دیگران سکوت کردند! وقتی آقای کرباسچی به زندان رفتند، سکوت کردند! وقتی عبدالله نوری سه سال در زندان بود و حذف شد، سکوت کردند!»

گویا آقای مهاجرانی سعی در تحریف تاریخ و کوچک کردن جرم‌ها و کارهایی داشت که این افراد انجام دادند. مگر می‌شود آقای مهاجرانی از علت برخوردی که با آقای شریعتمداری شد، بی‌خبر باشد. حتماً بی‌خبر نبود؛ پس دنبال چه مسئله‌ای می‌گشت. ارتباط مستدل و مستمر آقای شریعتمداری با سرویس‌های جاسوسی خارجی برای ضربه به نظام اسلامی از سوی هرکس دیگری به این نحو انجام می‌گرفت، قطعاً حکمش اعدام بود. همان‌طور که حبس «قطب‌زاده» اتفاق افتاد، درباره آقای منتظری هم حبس خانگی ایشان به واسطه یک سخنرانی نبود که آقای مهاجرانی مدعی آن شده است. بازخوانی تحلیلی پرونده ارتباط وی با گروهک‌ها و اقداماتش علیه امنیت ملی که در شماره‌های پیشین همین سطور بررسی شد، راه دیگری جز حبس خانگی وی برای مسئولان کشور باقی نگذاشته بود. واقعاً چه اتفاقی افتاده که آقای مهاجرانی تاریخ را به فراموشی سپرده و حمایت از این آقایان را در دستور کار خود قرار داده است؟ مهاجرانی شاید اسناد و مدارک ارائه شده از آقای کرباسچی در غارت اموال شهرداری تهران را فراموش کرده که در ۲۰ جلد به چاپ رسید و اگر اصرار دوستان مهاجرانی بر عفو وی نبود، وی استحقاق تحمل کیفر تا زمان حاضر را داشت. درباره آقای نوری هم به نفع‌شان نیست که اهانت‌های عبدالله نوری به امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب را در دادگاه روحانیت به یاد بیاورند که خود کرده را تدبیر نیست. شاید علت فراموشی مباحث این چنینی که مستدل و واضح است، همان بیان «نیک آهنگ کوثر»، کاریکاتوریست لندن‌نشین باشد که به ترسیم کاریکاتورهایی با مضامین ضدانقلابی معروف است. وی درباره مهاجرانی می‌گفت: «او بیش از آنکه اهل فرهنگ باشد، اهل سیاست بود!» مهاجرانی در آبان ماه ۱۳۷۳ درباره ریاست‌جمهوری هفتم گفته بود: «اگر امکان تغییر قانون اساسی وجود داشته باشد، آقای هاشمی‌رفسنجانی شایسته‌ترین فرد برای احراز این مسئولیت است.»

البته مهاجرانی دلیل تغییر قانون اساسی را به این صورت بیان می‌کند که ما در مقطعی بودیم که همه احساس می‌کردیم کشور به طرف یک استبداد در حرکت است و هیچ نقطه امیدی پس از آقای هاشمی در کشور ایران وجود ندارد. پس از منتفی شدن تغییر قانون اساسی، مهاجرانی برای ادامه ریاست هاشمی‌رفسنجانی بر قوه مجریه کشور در طی یک سخنرانی در دانشگاه اراک گفت: «هر کسی رئیس‌جمهور بشود شخص سوم کشور خواهد شد!» ای کاش بر همین حرف که هیچ مستند و دلیلی هم نداشت و خلاف قانون هم بود، ایستادگی می‌کرد؛ ولی مهاجرانی پس از پیروزی خاتمی در انتخابات و زمانی که به عنوان یکی از وزیران کابینه مطرح شد، طی یک سخنرانی دیگر با چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای گفت: «رئیس‌جمهور شخص دوم کشور است!»

اهمیت و جایگاه صحیفه سجادیه

«آیت‌الله سیدعبدالله فاطمی‌نیا» می‌گوید: «اگر ما بشنویم یک پیراهن از امام سجاد(ع) در فلان کشور است و یقین داشته باشیم که حضرت این پیراهن را به تنش کرده است، گذرنامه می‌گیریم، برویم آن پیراهن را ببینیم، به چشممان بمالیم، والله این کار را می‌کنیم. عزیز من، حالا که اینطور است، یک کتابی تمام کلماتش از میان دو لب نازنین یک معصوم بیرون آمده و این کتاب در بین ماست، صحیفه سجادیه. ما تا حالا در این ممکلت چقدر درس صحیفه خوانده‌ایم؟»

حکمت گریه و اقامه عزا برای امام حسین(ع)

گفتاری از آیت‌الله محمد محمدی‌ری‌شهری

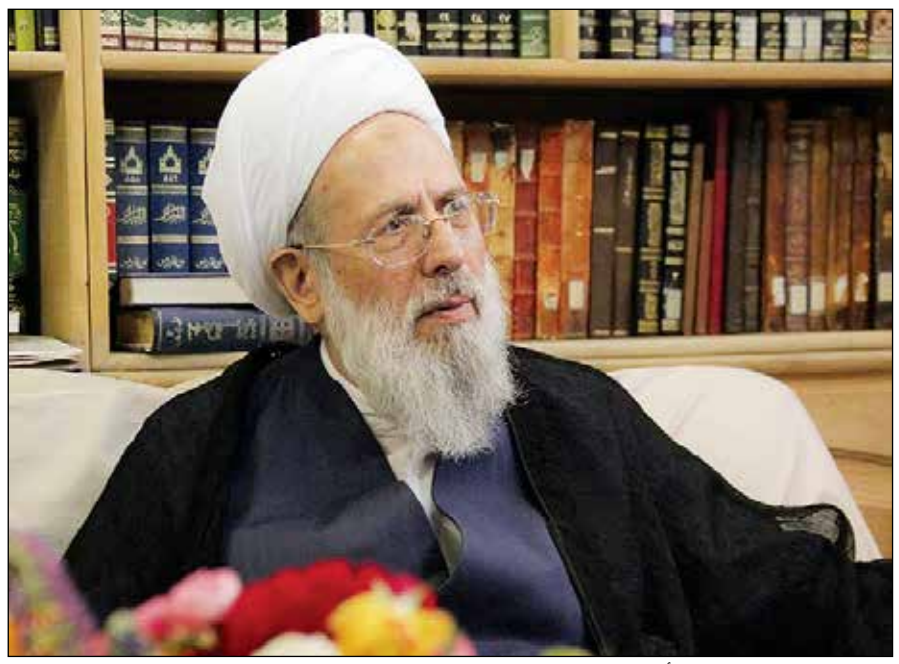

□ **گروه معارف/** «عزاداری» یکی از مؤلفه‌های اصلی و کلیدی در بررسی فرهنگ عاشورایی است، چنانکه نمی‌توان نقش مثبت آن را در تحولات فرهنگی شیعه نادیده گرفت. بر پایه روایات، برپا داشتن عزا برای سالار شهیدان و یارانش، مرثیه‌سرایی برای آنان و گریه بر مصائبی که بر ایشان گذشته است، به ویژه در دهه اول محرم و در روز عاشورا مورد تأکید اهل بیت(ع) بوده است.

در حقیقت عزاداری برای سیدالشهداء(ع) اظهار محبت به خاندان پیامبر خدا(ص) است که قرآن، مودّت آنها را واجب کرده است: «قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى». عزاداری برای امام حسین(ع) اظهار همدردی در بزرگ‌ترین مصائبی است که برای اهل بیت(ع) و در واقع برای اسلام پیش آمده است. شیخ صدوق(ره) از امام صادق(ع) روایت کرده که فرمود: «رحم الله شیعتنا! شیعتنا و الله هم المومنون! فقد و الله شرکونا فی المصیبه بطول الحزن و الحسره»؛ خداوند، شیعیان ما را رحمت کند. آنان به خدا سوگند حقیقتاً مؤمنند. به خدا سوگند آنان در اندوه و حسرتی مدام در عزای ما سهیمند.»

در روایات دیگری از ایشان نقل شده که فرمود: «و ارحم تلک الاعین التی جرت دموعها رحمه لنا و ارحم تلک القلوب التی جزعت و احترقت لنا و ارحم الصرخهٔ التی کانت لنا»؛ و بر آن چشم‌هایی که از سر دلسوزی بر ما اشک‌های‌شان روان شده، رحم کن و بر آن دل‌هایی که برای ما بی تاب شده و آتش گرفته‌اند، رحم نما و بر شیون‌هایی که برای ما بلند گریستند رحم آور.»

عزاداری برای سیدالشهداء(ع) یکی از بزرگ‌ترین مصادیق بزرگداشت شعائر الهی و نشانه پروامندی دل‌هاست. یقیناً یکی از مهم‌ترین امتیازات جامعه شیعه، برخورداری از چشمه پر فیض نورانیت و معنویت عاشور است. این چشمه جوشان از نخستین روزی که موضوع یادکرد مصیبت سیدالشهداء(ع) و یارانش مطرح شد، جریان یافت و تا امروزه همچنان جاری است و پس از این هم ادامه خواهد داشت. تأمل در توصیه اهل بیت(ع) در برپا داشتن مجالس عزا برای شهدای کربلا و زنده نگاه داشتن خاطره عاشورا، تشویق آنان به سرودن شعر درباره این فاجعه بزرگ تاریخ اسلام، بشارت به پاداش‌های بزرگ در گریستن بر این مصیبت بزرگ و گریاندن دیگران، تأکید بر اهمیت عزاداری در دهه اول محرم، به ویژه در روز عاشورا به روشنی بیانگر این حقیقت است که عزاداری برای سیدالشهداء(ع) هدف بزرگی را دنبال می‌کند که تا آن هدف تحقق نیافته است، سنت عزاداری در میان پیروان اهل بیت(ع) باید تداوم یابد.

بنابراین مسئله مهم این است که هدف و ضرورت تداوم عزاداری برای سیدالشهداء(ع) چه بوده است؟ به نظر می‌رسد، شناخت دلایل عزاداری برای امام حسین(ع) نخستین گام در راه تأمین اهداف بلند این سنت مهم و سرنوشت‌ساز پیروان اهل بیت(ع) است؛ زیرا عزاداری بدون معرفت نه تنها ارزشی ندارد، بلکه چه بسا به زیان اهداف اصلی این حرکت ارزشمند نیز باشد. بر پایه روایتی در رهنمودهای امام علی(ع) به کمیل چنین آمده است: «ما من حرکه إلا و أنت محتاج فیها إلی معرفه»؛ هیچ رفتار و حرکتی نیست، مگر اینکه تو در آن به شناخت نیازمندی.

ممکن است در پاسخ به علت چرایی عزاداری بر امام حسین(ع) و یارانش گفته شود مطابق نص صریح و روشن قرآن محبت خاندان پیامبر(ص) واجب است بنابراین می‌توان گفت حکمت گریه بر امام حسین(ع) و اقامه عزا برای مصائب

«جهل» ریشه همه مصائب و مفاسد جامعه بشر است؛ بر اساس این اصلی‌ترین کار انبیاء و اولیای الهی ریشه‌کن کردن بیماری جهل در جامعه است؛ زیرا تا این بیماری علاج نشود، نمی‌توان انتظار داشت ارزش‌های دینی بر جامعه حاکم شود. امام حسین(ع) نیز برای تحقق این آرمان بلند خون پاک خود را در راه خدا اهدا کرد

ایشان اظهار ارادت به پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) آن بزرگوار است. بی‌تردید اظهار محبت نسبت به خاندان پیامبر(ص) از طریق سوگواری برای سالار شهیدان پسندیده و در جهت بزرگداشت شعائر الهی است؛ ولی تأمل در روایاتی که توصیه و تأکید بر تداوم اقامه ماتم بر سیدالشهداء(ع) دارند، ایجاب می‌کند عزاداری برای ایشان دلیلی بسیار فراتر از اظهار محبت به اهل بیت(ع) داشته باشد؛ بلکه از نگاه سیدبن‌طاووس، اگر لزوم پیروی از فرمان قرآن و سنت نیز نبود، اظهار محبت نسبت به اهل بیت(ع) ایجاب می‌کرد که به دلیل منزلت بالایی که امام حسین(ع) و یارانش به واسطه شهادت به آن دست یافتند، اظهار مسرت و شادمانی کنیم و می‌نویسد: «اگر نبود که پوشیدن لباس سوگواری و مصیبت به خاطر از میان رفتن نشانه‌های هدایت و تأسیس پایه‌های گمراهی و تأسف بر سعادتی که از دست دادیم و افسوس بر چنین شهادتی پیروی کردن از فرمان قرآن و سنت است، ما در برابر آن نعمت بزرگ لباس شادی و خوشحالی می‌پوشیدیم و چون در بی‌تابی و سوگواری خشنودی صاحب روز معاد نیز هست و نیکان در آن غرضی دارند، ما لباس عزا پوشیدم و همواره اشک ریختیم و به چشم‌های‌مان گفتیم همواره بگرید و به دل‌های‌مان گفتیم همانند زنان جوان از دست داده ماتم بگیرید.»

بنابراین، باید دید حکمت آن همه تأکید بر عزاداری و گریه برای اباعبدالله(ع) چیست؟ حکمت شهادت او هر چه باشد، حکمت عزاداری برای او نیز هست. اصلی‌ترین علت قیام و شهادت امام حسین(ع) مبارزه با نادانی است. بر پایه آنچه بسیاری از منابع معتبر در این باره از امام صادق(ع) گزارش کرده‌اند، ایشان در دعای‌شان به درگاه خدا می‌گویند: «و بذل مهجته فیک لیستنفذ عبادک من الجهاله و خیره الضلاله»؛ و خونش را به خاطر تو بذل کرد تا بندگانت را از نادانی و سرگردانی و گمراهی بیرون آورد.

همه آنچه در تبیین هدف قیام و حکمت شهادت امام حسین(ع) بیان می‌شود، در تعبیر «جهل‌زدایی» خلاصه شده است. جهل‌زدایی نه تنها هدف قیام سیدالشهداء(ع)، بلکه هدف بعثت خاتم‌الانبیاء(ص) و نزول قرآن است: «کتابٌ أَنْزَلْناهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النّاسَ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ»؛ کتابی است که آن را به سوی تو فرو فرستاده‌ایم تا مردم را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آوری.

هدف از بعثت پیامبران پیشین نیز جهل‌زدایی بوده است. «وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا مُوسى بِآياتِنا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ»؛ ما موسی را به آیات خود فرو فرستادیم و به او دستور دادیم که قومت را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون بیاور.

در حقیقت جهل ریشه همه مصائب و مفاسد جامعه بشر است. بر اساس این، اصلی‌ترین کار انبیاء و اولیای الهی ریشه‌کن کردن بیماری جهل در جامعه است؛ زیرا تا این بیماری علاج نشود، نمی‌توان انتظار داشت ارزش‌های دینی بر جامعه حاکم شود. امام حسین(ع) نیز برای تحقق این آرمان بلند خون پاک خود را در راه خدا اهدا کرد و بدین‌سان اصلی‌ترین دلیل پیروان مکتب اهل بیت(ع) برای زنده نگه داشتن مکتب شهادت به وسیله عزاداری برای امام حسین نیز جهل‌زدایی از جامعه اسلامی است و تا درمان کامل این بیماری خطرناک اجتماعی و استقرار حاکمیت مطلق ارزش‌های اسلامی در جهان تداوم این مکتب ضرورت دارد.

منبع: reyshahri.ir

تذکار

فرماندهان اسلام*

□ **رسول ایمانی/** مولای متقیان امام علی(ع) در جنگ جمل سال ۳۶ هجری هنگامی که پرچم را به دست فرزندش «محمد حنفیه» داد، به وی چنین سفارش فرمود: «اگر کوه‌ها از جای خود کنده شوند، تو ثابت و استوار باش. دندان‌ها را بر هم بفشار، کاسه سرت را به خدا عاریت ده، پای را بر زمین میخکوب کن، به صفوف پایانی لشکر بنگر. هیبت دشمن را از نظر دور کن و بدان که پیروزی از جانب خداوند سبحان است.» قاطعیت و ایمان فرماندهان دفاع مقدس برگرفته از آموزه‌های اسلامی و اخلاقی جنگ ما را در کلاس درسی قرار داد که صدها سال جهانیان باید در آن درس بیاموزند و طریقه حضور در مقابل کفر و الحاد را یاد بگیرند. در طول جنگ‌های صدر اسلام رسول خدا(ص) و امیرالمؤمنین(ع) هیچ‌گاه ضعف و ترسی در خود راه ندادند و با تکیه بر خداوند توانا در مقابل دشمن ایستادند. فرماندهان شهید ما و فرماندهانی که یادگار هشت سال جنگ تحمیلی هستند، به تأسی از رسول اسلام(ص) و ائمه(ع) سال‌ها در مقابل دشمن تا دندان مسلح ایستادگی کردند و هیچ ترسی به خود راه ندادند. در طول تاریخ کمتر فرماندهانی همچون فرماندهان دفاع مقدس وجود داشتند که با تکیه به خداوند در مقابل ظلم و جور بایستند و بی هیچ ترسی با دشمن مقابله کنند.

خداوند در قرآن بالاترین عبادت را جهاد در راه دین می‌داند و ائمه(ع) نیز اجر جهاد را از بالاترین عبادات می‌دانند. امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمایند: «آیا آب دادن و تعمیر مسجدالحرام را به عمل آن کسی که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و در راه خدا جهاد نموده، می‌توان برابر دانست؟ اینها در نزد خداوند یکسان نیستند و خداوند ستمکاران را دوست ندارد.» فرماندهان شهید ما از بهترین بندگان خدا بودند که عبادت خود را دفاع از خاک و عزت مردم‌شان قرار دادند؛ یادشان گرامی باد.

*** به مناسبت روز بزرگداشت فرماندهان شهید دفاع مقدس.**

تاریخ حماسه

سال سرنوشت

سال «۱۳۶۵» را می‌توان سال سرنوشت جنگ نامگذاری کرد. در این سال بود که سنگین‌ترین عملیات دفاع مقدس آغاز شد و آنچنان ضربه سهمگینی به ماشین جنگی دشمن وارد کرد که حامیان جهانی صدام از شکست تمام‌عیار رژیم بعثی احساس نگرانی کردند و قطعنامه ۵۹۸ را برای پایان جنگ پیشنهاد دادند. در دی ماه این سال، ابتدا عملیات بزرگ کربلای ۴ کلید خورد. این عملیات که می‌توانست عملیات سرنوشت‌سازی باشد، متأسفانه خیلی زودتر از پیش‌بینی لو رفته بود، از این‌رو بیشتر یگان‌های عملیاتی وارد عمل نشده و عملیات مختومه اعلام شد. در حالی که به نظر می‌رسید تلاش‌های بی‌وقفه چندماهه لشکریان اسلام بی‌نتیجه مانده است و در حالی که دشمن جشن پیروزی برپا کرده بود و حامیان غربی و عربی آن از ناکامی ایران سخن می‌گفتند، چند روز پس از عملیات کربلای ۴، عملیات کربلای ۵ در منطقه شلمچه و با هدف تهدید بندر استراتژیک بصره آغاز شد. اگرچه دشمن با همکاری اطلاعاتی آمریکا برای مقابله با عملیات کربلای ۴ از آمادگی کامل برخوردار بود، اما درست در زمانی که مغرور از جشن پیروزی خود بود، گرفتار ضربه سهمگینی در یکی از نفوذناپذیرترین خطوط دفاعی شد. تحلیلگران نظامی معتقدند، در صورت انجام نشدن عملیات کربلای ۵، نیروهای دشمن با روحیه‌ای مضاعف، ابتدا اقدام به پاتک در فاو می‌کردند و سپس تحرکات ناتمام و شکست‌خورده سال قبل را در حمله به مناطق پدافندی ایران از سر می‌گرفتند. آمریکا برای جلوگیری از شکست عراق و سقوط بصره، ناو هواپیمابر «جان اف کندی» را به خلیج‌فارس فرستاد. روزنامه‌های «دی ولت»، «اشپیگل» و «زوددویچه سایتونگ» نوشتند: «آمریکا با شش گردان و ششصد هواپیمای جنگی آماده است در صورت سقوط بصره با ایران بجنگد.»

در آیینه تاریخ

اختلاف تحلیل در جنگ خلیج‌فارس

□ **حسین معینی/** هنوز دو سال از جنگ ایران و عراق نگذشته بود که ارتش بعثی این بار تجاوز جدیدی را در مرزهای کشور همسایه جنوبی خود آغاز کرد. عراق در ۱۱ مرداد ماه ۱۳۶۹ (۱۹۹۰ م) به کویت حمله و این کشور را اشغال کرد. عراق با این حمله سبب بروز بحرانی بین‌المللی شد و اخطار شورای امنیت را نپذیرفت. آمریکا در سال ۱۳۶۹ (۱۹۹۱) با ائتلافی از کشورهای دیگر به کویت و سپس به عراق حمله کرد و ارتش عراق را از کویت بیرون راند.

دلیل حمله عراق به کویت مشکل بدهی ۳۰ میلیارد دلاری عراق به کویت و تلاش عراق برای بازسازی اقتصاد خود بود که در جنگ با ایران نابود شده بود. عراق معتقد بود چون جنگ ایران و عراق به سود کشورهای عرب حوزه خلیج‌فارس بوده است، دولت‌های عربی باید بدهی ۳۰ میلیارد دلاری عراق را ببخشند؛ اما کویت زیر بار نرفت و تشنج با کویت بروز کرد. از جنگ «خلیج‌فارس» به عنوان جنگ اول خلیج‌فارس و از عملیات حمله آمریکا به عراق نیز با عنوان «طوفان صحرا» یاد شده است.

این رخداد مهم بین‌المللی در آغاز به کار دولت سازندگی، بر تحولات و جناح‌بندی‌های سیاسی داخلی کشور نیز تأثیرگذار بود و با تحلیل‌های متفاوت نیروهای سیاسی کشور مواجه شد. جریان دولت به رهبری مرحوم هاشمی‌رفسنجانی، کنار ماندن از مناقشات منطقه و حفظ موضع مستقل جمهوری اسلامی را می‌پسندید و این موضع، به تدریج به سیاست رسمی نظام در مقابل آمریکا و عراق مبدل شد. مطابق این سیاست، عراق باید از کویت عقب می‌نشست و آمریکا نیز منطقه را ترک می‌کرد و جمهوری اسلامی به صورت همزمان تجاوزطلبی هر دو دولت را محکوم کرده و از گسترش جنگ به ایران جلوگیری می‌کرد. در آن شرایط، طبعاً تضعیف عراق به سود ایران بود؛ ولی از سوی دیگر تثبیت حضور آمریکا در منطقه به زیان ما بود و همین امر کار را دشوار می‌کرد. اختلاف تحلیل میان نیروهای درون انقلاب هم در واقع به دلیل در پیش گرفتن یکی از این سه روش بود:

۱ـ همراهی با عراق علیه آمریکا؛ ۲ـ همراهی با نیروهای متحد علیه عراق؛ ۳ـ اعلام بی‌طرفی و کوبیدن هر دو طرف و تلاش برای پایان دادن به جنگ.

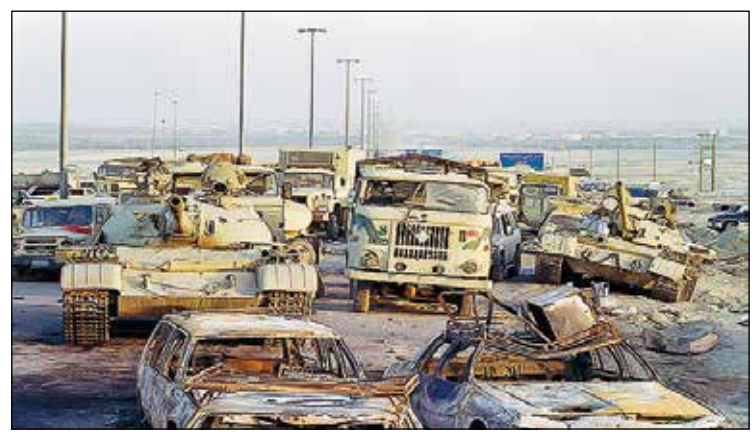

در آن شرایط، مسئولان کشور و شورای عالی امنیت ملی، سیاست سوم را برگزیده بودند و سیاست جانبداری از آمریکا هم طرفداران چندانی نداشت؛ اما گروهی از نیروهای سیاسی درون انقلاب از جمله جمعی از نمایندگان مجلس سوم، مانند آقایان محتشمی و خلخالی به دولت توصیه می‌کردند سیاست اول را برگزینند و با عراق علیه آمریکا متحد شود. عمده استدلال این افراد، به طرح‌های دراز مدت آمریکا برای منطقه برمی‌گشت که از جمله آن، مهار دوجانبه ایران و عراق بود. به گمان این افراد، پس از شکست عراق نوبت حمله به ایران است؛ بنابراین باید در حمایت از عراق وارد عمل شویم و از سقوط منطقه در دام آمریکا جلوگیری کنیم. بر اساس همین تحلیل‌ها، محتشمی در نطق پیش از دستور مجلس سیاست‌های دولت را نقد کرد و خواستار کمک ایران به دولت عراق شد. وی در این سخنان صدام را به «خالدبن‌ولید» تشبیه کرد که در ابتدا از سرداران مشرکین مکه بود و علیه اسلام جنگید؛ اما بعدها مسلمان و یکی از سرداران سپاه اسلام شد. این موضع محتشمی و دوستان وی با انتقاد تند مخالفان مواجه شد و عناصر طیف موسوم به راست، معترض بودند که چرا نیروهای طیف موسوم به چپ به دلیل مخالفت با سیاست‌های دولت، چنین پیشنهادهای زیانباری را مطرح می‌کنند و برای نظرات خود آن گونه دلیل می‌تراشند.

صدام و آمریکا دو اردوگاه و دو جناحند که به خاطر اهداف غلط و غیرالهی و نامقدس با هم می‌جنگند. جمهوری اسلامی، هر دو جناح را رد می‌کند؛ چون در هر دو طرف، انگیزه‌ها مادی است و به همین دلیل هم با یکدیگر تعارض پیدا کرده‌اند. آنها به دلیل مادّی بودن، با هم تعارض پیدا کرده‌اند. این‌طور نیست که یکی الهی و یکی هم مادی است. جنگ اسلام و کفر نیست. این، موضع ملت ایران ماست.»

باید پذیرفت این دیدگاه، یعنی همکاری با صدام و به صحنه آوردن همه آبرو و حیثیت انقلاب اسلامی و فداکردن آن در پای تجاوزطلبی عراق، دیدگاهی غلط بود و سیاست جمهوری اسلامی در مجموع تدبیری سنجیده محسوب می‌شد؛ اما باید تأکید کرد که تنها نیروهای موسوم به طیف چپ نبودند که این پیشنهادها را مطرح کرده بودند، بلکه افرادی از جناح راست هم در آن شرایط تحت تأثیر شعارهای ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی دولت عراق قرار گرفته و از مسئولان دولت ایران می‌خواستند در کنار عراق قرار بگیرند. یکی از این افراد مرحوم حائری‌شیرازی، امام جمعه شیراز بود که به ظاهر از محتشمی هم سبقت گرفته و صدام را «حر» نامیده بود.

مرحوم آیت‌الله مشکینی نیز در عباراتی در تاریخ ۱۳۶۹/۶/۸ چنین گفت: «اگر چه صدام خون تعداد زیادی از جوانان ما را ریخته و خسارات بسیاری به کشور ما وارد ساخته است؛ اما اگر روزی آمریکا به عراق حمله نظامی بکند من آماده‌ام اسلحه به دست گرفته و در کنار عراق بر علیه آمریکا بجنگم.»

همچنین مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین سیداحمد خمینی در چنین شرایطی ابراز داشت: «امروز منطقه با مصیبت بزرگ حضور آمریکا در منطقه مواجه است. شما نباید مواضع امام را علیه آمریکا از یاد ببرید. مواضع امام در مقابل آمریکا بسیار محکم و روشن بود. اگر دیروز دشمن شما صدام به دشمن دیگر شما کویت حمله کرده است، دشمن اصلی شما آمریکا برای دفاع از قارون وارد منطقه شده است.» (۱۳۶۹/۵/۳۰)

سرانجام جلسه شورای عالی امنیت ملی در تاریخ ۱۳۶۹/۱۰/۲۹ در حضور رهبر معظم انقلاب اسلامی تشکیل شد و در آن، سیاست جمهوری اسلامی ایران مبنی بر بی‌طرفی در درگیری، مورد تأیید قرار گرفت. این تصمیم فصل‌الخطاب اختلاف نظرها بود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در ۴ بهمن ماه همان سال، در دیدار با مجمع طلاب و فضلای حوزه علمیه قم در تبیین موضع نظام چنین فرمودند: «این موضعی که مسئولان جمهوری اسلامی اعلام کرده‌اند، صددرصد اسلامی و انقلابی است؛ چون نفی تجاوزطلبی و تقبیح حوادثی است که علیه مردم اتفاق افتاده است... دو اردوگاه و دو جناحند که به خاطر اهداف غلط و غیرالهی و نامقدس ـ از نظر ما و از نظر همه انسان‌های واقع‌بین ـ با هم می‌جنگند. جمهوری اسلامی، هر دو جناح را رد می‌کند؛ چون در هر دو طرف، انگیزه‌ها مادی است و به همین دلیل هم با یکدیگر تعارض پیدا کرده‌اند. آنها به دلیل مادّی بودن، با هم تعارض پیدا کرده‌اند. این‌طور نیست که یکی الهی و یکی هم مادی است. جنگ اسلام و کفر نیست. این، موضع ملت ایران ماست.»

در ۶ بهمن ماه نیز حدود ۲۰۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی نامه‌ای به محضر رهبر معظم انقلاب، از اظهارات حکیمانه و هدایتگر اخیر معظم‌له قدردانی و تأکید کردند، مانند سربازانی فداکار گوش به فرمان رهبر معظم انقلاب اسلامی بوده و خواهند بود.

سراج

رحمت در مصیبت

□ **سیدحسین خاتمی‌خوانساری/** انسان وقتی در نعمات خداوند غرق می‌شود، دچار تکبر و غرور شده و از خداوند روی برمی‌گرداند. خداوندی که عاشق مخلوقات خود است و نمی‌خواهد دوری آنها سبب نزدیک شدن‌شان به شیطان شود، از روش‌های گوناگون استفاده می‌کند و انسان را به سمت خود می‌کشد. یکی از این روش‌ها ابتلای او به سختی‌هاست. که سبب می‌شود انسان به درگاه خدا التماس کند و رفع و دفع بلا و مصیبت را خواستار شود. خداوند در خوشی و ناخوشی انسان را امتحان می‌کند. انسان در همه ثانیه‌های عمر خود در حال امتحان است؛ اما در خلال این امتحانات نیاز دارد گاهی به رتبه‌های بالاتری دست بیابد. او امتحان می‌شود تا به خالق خود نزدیک شود و جالب آنکه اجر و ثواب زیادی هم به او اعطا می‌شود. به عبارتی وقتی خداوند انسان را از سقوط نجات می‌دهد و به سوی خود می‌کشد، به اندازه کافی به او لطف کرده و انسان باید قدردان این لطف خدا باشد، این در حالی است که خداوند اجر و ثوابی هم برای صبر در مصیبت به او می‌دهد. معامله‌ای که یک طرف آن خداست، اما هر دو سر آن سود برای انسان است. همین ادله برای اثبات عشق بی حد و حصر خداوند به انسان کافی است، البته اگر آن را درک کنیم. خداوند در قرآن می‌فرماید: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ؛ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» (بقره/ ۱۵۶-۱۵۷) سه امتیاز برای صابران و خداشناسان در نظر گرفته شده است: صلوات، رحمت و هدایت از سمت خدا. شاید بگویید این به خاطر معرفت آن بنده‌ای است که همه چیز را از خدا می‌داند و بازگشت هر چیز را به او نسبت می‌دهد. ولی آیا این حقیقت را هم کسی جز خدا به بندگان آموزش داده است؟ در میان این سه امتیازی که خداوند به انسان می‌دهد، «رحمت» دیده می‌شود. خداوند انسانی که همه چیز را از او می‌داند، مشمول رحمت بی‌انتهای خود در دنیا و آخرت می‌کند. آنچه در رحمت خداوند دیده می‌شود، این است که نه تنها آن بنده با معرفت از رحمت خدا بهره می‌برد؛ بلکه همه انسان‌ها مقداری از آن رحمت را درک می‌کنند و شامل آن می‌شوند.

خداوند در قرآن حضرت یوسف(ع) را برای ما مثال می‌زند؛ آن وقتی که در برابر زلیخا ایستاد و گناه نکرد و از خداوند کمک خواست و نگفت خودم می‌توانم در برابر گناه ایستادگی کنم. «وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ»؛(یوسف/ ۲۳) و آن [زنی] که یوسف در خانه‌اش بود، از یوسف با نرمی و مهربانی خواستار کام‌جویی شد و [در فرصتی مناسب] همهٔ درهای کاخ را بست و به او گفت: پیش بیا [که من در اختیار توام] یوسف گفت: پناه به خدا، او پروردگار من است، جایگاهم را نیکو داشت، [من هرگز به پروردگارم خیانت نمی‌کنم] به یقین ستمکاران رستگار نمی‌شوند.»

یوسف در برابر این گناه استقامت کرد و خداوند او را مشمول رحمت خود کرد. رحمتی که برای یوسف در نظر گرفته شد «علم تعبیر خواب» بود. به این ترتیب یوسف در زندان خواب زندانیان را به درستی تعبیر می‌کرد. هنگامی که یوسف به واسطه همین تعبیر خواب به نزد فرعون مصر رفت، توانست قحطی را پیش‌بینی کند و صدها هزار انسان را از مرگ نجات دهد. به این ترتیب رحمتی که شامل حال مردم شد، در پی رحمتی بود که شامل یوسف شده بود. به عبارتی استقامت یوسف در برابر یک گناه، سبب رحمتی شد که جان صدها هزار انسان را نجات داد.

جام جهان نما

فتح بندر ثروتمند

«پورتوریکو» مجمع‌الجزایری در شمال شرقی منطقه کارائیب است که «کریستف کلمب» در سال ۱۴۹۳ به آنجا پای گذاشت. در آن زمان، تاینوها در این منطقه ساکن بوده و آن را «بوریکن» به معنای سرزمین «لرد» بزرگ می‌خواندند؛ اما کلمب نام آن را به یاد یحیای تعمیددهنده به «سن خوان» تغییر داد. بر اساس شواهد تاریخی، پیش از کلمب، جمعیت این جزیره حدود ۳۰ هزار نفر بود.

نخستین مهاجران اسپانیایی در سال ۱۵۰۸ وارد پورتوریکو شدند و اولین حکومت محلی را آنجا تشکیل دادند. یکی از فرماندهان تحت نظر کلمب، شایعاتی در مورد ثروت تاینوهای پورتوریکو شنیده بود. در این میان، اختلافات آغاز شد و تازه‌واردان سرکوب و مطیع‌کردن بومیان جزیره را شروع کردند. مهاجران اسپانیایی، رفته‌رفته مردم تاینو را محو و معادن‌شان را در اندک زمانی ضبط کردند. در طول یک سال، پونس دولئون تاینوها را مطیع خود کرد و کنترل بیشتر منطقه را به دست گرفت. در آن زمان، جزیره بار دیگر به پورتوریکو به معنای «بندر ثروتمند» تغییر نام داد.

در ابتدا تاینوها در معادن طلا کار می‌کردند. در سال ۱۵۱۱، مقامات این جزیره بابت بدرفتاری با تاینوها از سوی کلیسای کاتولیک اخطاری دریافت کردند؛ اما همچنان نرخ مرگ و میر بر اثر کارهای سخت و طاقت‌فرسا، بردگی، بیماری و سوءتغذیه بالا بود. در سال ۱۵۱۸، هنگامی که آبله در میان این قوم شیوع یافت، بیشتر جمعیت آنان نابود شد. این وضعیت آنقدر ادامه پیدا کرد که دیگر تاینوهای زیادی برای کار وجود نداشتند. در این زمان اسپانیایی‌ها مجبور شدند برده‌های سیاه‌پوست را جایگزین آنها کنند.

فشارهای سفیدپوستان اروپایی منجر به نابودی فرهنگ و ریشه تاینوها شد؛ تا جایی که امروزه، گروه‌های بازمانده با تشکیل مؤسسات و کنفدراسیون‌ها سعی در احیای فرهنگ خود دارند. در این مؤسسات فرهنگ تاینو و حتی خط و نوشتار این قبیله تدریس می‌شود. دست‌نوشته‌های تاریخی به دست آمده از تاینوها، نشان می‌دهد که آنها در آن زمان با خط اسپانیایی، مطالب خود را نگارش می‌کردند و خبری از خط و نگارش پیشاکلمبی نبود؛ بنابراین آموزش خط تاینو به بازماندگان آنها، اهمیت زیادی یافت. سال‌ها بعد از نسل‌کشی و جنایات تاریخی اروپایی‌ها در قاره آمریکا علیه بومیان و سرخ‌پوستان، تلاش گروه‌های مختلف برای بازسازی و احیای فرهنگ این مردم، همچنان ادامه دارد و افراد و گروه‌های زیادی به حمایت از سرخ‌پوستان برخاسته‌اند. حاکمان اسپانیا پورتوریکو را به منزله پایگاهی نظامی و حلقه‌ای کلیدی در زنجیره بنادر اسپانیایی ـ از اسپانیا گرفته تا تمامی بنادر مستعمرات دیگرش در دنیای جدید ـ بسیار باارزش می‌دانستند. اسپانیا از طریق حکومت استبدادی نظامی ـ کلیسایی بر این کشور حکومت داشت و قیام بردگان، سرخ‌پوستان و دهقانان را سبعانه سرکوب می‌کرد.

در سال ۱۸۶۸، «رامون امتریو بتانسز» شورش استقلال‌طلبانه‌ای را رهبری کرد که به «ال گریتو د لاورز» مشهور است. هر ساله در یادبود آن تظاهرات و جشن استقلال‌طلبانه‌ای در ابعاد وسیعی در جزیره برگزار می‌شود. بتانسز شبکه‌ای از باشگاه‌هایی را در پورتوریکو سازمان داد که طرح و نقشه‌ای برای قیام هم‌زمان کشیدند. این نقشه را اسپانیایی‌ها کشف کرده و هنگامی که قیام صورت گرفت آن را سرکوب کردند؛ اگرچه قیام ناموفق ماند؛ امّا همواره الهام‌بخش آزادی‌خواهان پورتوریکویی تا به امروز بوده است. این قیام یکی از عواملی بود که لغو برده‌داری را در سال ۱۸۷۳ به حکومت اسپانیا تحمیل کرد.

پورتوریکو، بیش از ۴۰۰ سال در کنترل اسپانیا بود تا اینکه پس از شکست اسپانیا از ایالات متحده در سال ۱۸۹۸، این جزیره به کنترل ایالات متحده درآمد. جمعیت پورتوریکو سه میلیون و ۶۶۷ هزار نفر و زبان‌های رسمی آن اسپانیایی و انگلیسی است. زبان رایج بیشتر مردم جزیره، اسپانیایی است و تنها حدود یک چهارم انگلیسی را روان صحبت می‌کنند. همچنین نزدیک به ۷۶ درصد از مردم این جزیره سفیدپوست هستند که تبار بیشتر آنها از اسپانیاست. ۸۵ درصد از مردم پورتوریکو نیز کاتولیک هستند.

نقش زبان فارسی در هویت ایرانی

«سیدعباس صالحی»، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌گوید: «هویت ملی ایرانیان «زبان فارسی» یک رکن مبنایی بدون جایگزین است و این موضوع از چند جهت قابل بررسی است، نخست اینکه هر مقدار زبان کهن‌تر شود، در تار و پود هویت، نقش بیشتری دارد و زبان فارسی به عنوان زبانی دیرین و کهن در تار و پود هویت ایرانی نقش مؤثرتر و اساسی داشته است. طبیعی است که زبان‌های چند صد ساله کمتر از زبان‌های چند هزار ساله بر شکل‌گیری هویت نقش دارند.»

زندگی

زندگی بر مدار کربلا

□ **محبوبه ابراهیمی/** در سالگرد واقعه‌ای عظیم و بی‌نظیر، حال و هوای شهرها و دل‌های‌مان عوض شده است. روزها و شب‌ها مجالس عزای سالار شهیدان در جای‌جای شهر برپاست و همه در تلاشیم در پرتو سیاهی پرچم‌های این داغ عظیم، رنگی سفید بر دل‌های‌مان بزنیم. بارها حس سبکی روح و آرامش درون و بهاری شدن دل را در بازگشت از روضه‌ها تجربه کرده‌ایم و حال خوش این روزها را با هیچ بهاری عوض نمی‌کنیم. شاید هر بار آرزو کرده‌ایم این حس همنشین دائمی عمرمان باشد و هرگز از دل‌های‌مان جدا نشود. شرط تحقق این آرزو این است که اشک‌های‌مان نه فقط بر مظلومیت و غم اهل‌بیت(ع) باشد، بلکه به امید عبرت گرفتن از حادثه عظیم عاشورا از چشم‌های‌مان جریان بگیرد. حسین(ع) کشته اشک‌های عبرت است و خودش فرموده است: «انا قتیل‌العبرات...». اگر این روزها عبرت را نیابیم، در هیچ روزی از سال و در هیچ جایی از عالم نمی‌توانیم نظیرش را پیدا کنیم. کربلا منظومه بزرگی از عبرت‌هاست؛ سرزمینی است که انسان‌های متعدد با نگاه، آرمان و اهداف متفاوت را در خود جمع کرده و حاصل این گردهمایی، مصاف دو گروه با معیارهای کاملاً متضاد است. معیارها و آرمان‌ها، حاصل انتخاب‌های متعدد انسان‌ها هستند. اصلاً زندگی، عرصه انتخاب‌های متعدد است و سبک زندگی و در نهایت، آینده و سرنوشت انسان‌ها بر مبنای انتخاب‌های‌شان رقم می‌خورد. سراسر تاریخ مملو از نام‌هایی است که به جهت همین انتخاب‌های متفاوت به خوب یا بد شهرت یافتند و به الگو و معیار سبک زندگی درست و نادرست، برای آیندگان تبدیل شدند. اما کربلا برخی از این نام‌ها را با سرنوشت‌های متفاوت‌شان در کنار هم قرار داده و از این رو مجموعه‌ای جامع از نمونه‌های عینی انتخاب‌های خوب و بد است و محرم، فرصتی برای آشنا شدن با سبک زندگی اسلامی به شمار می‌آید. انتخاب اباعبدالله بر مبنای ستیز با ظلم و زندگی با عزت شکل می‌گیرد و این اولین معیار شناخت سبک صحیح زندگی است. امام می‌توانست با بیعتی ساده، سکوت و خاموشی در برابر ظلم و آرامش زندگی دنیایی را پیش بگیرد؛ اما با انتخاب مسیر سخت‌تر، این شعار را برای همیشه زنده نگه داشت که «مرگ سرخ به از زندگی ننگین است». همین درس بزرگ است که مسیر زندگی بسیاری از افراد را تغییر داده و آنها را به ایستادگی در برابر جبهه ظلم دعوت می‌کند. هر چند زندگی و لذت همجواری خانواده برای‌شان شیرین و لذت‌بخش است؛ اما حلاوت آزادگی را ترجیح می‌دهند و بر همین مبنا، حرکت‌های اصلاحی بزرگی را رقم می‌زنند که حاصلش نجات و رهایی از ظلم است. دل بریدن از دنیا و حضیض زندگی انعکاس این آموزه عمیق عاشورایی است. نقش زنان در تربیت فرزندانی که با وجود کمی سن، داوطلبانه در کربلا به نبرد باطل می‌روند، نکته مهم دیگری است که نباید از آن غافل ماند. رفاه‌زدگی و پرورش کودکان در سایه تن‌پروری هرگز چنین نتیجه بزرگی را رقم نمی‌زند. در حقیقت مادران موظفند از کودکی، روح مبارزه با ظلم را در وجود فرزندان خود پرورش داده و غیرت، مردانگی و شجاعت را در پرتو همین آموزه‌ها به آنها انتقال دهند.

همراهی خانواده در مسیر کربلا، نکته دیگری است که لزوم مشارکت خانواده در موقعیت‌های خطیر و تصمیمات بزرگ و سرنوشت‌ساز را بیان می‌کند. خانواده در همه صحنه‌های واقعه عظیم کربلا، حرف نخست را می‌زند و از آغاز نهضت تا پایان آن حضوری چشمگیر دارد. حتی پرده آخر نمایش عاشورا با داغ دختر سه ساله امام حسین(ع) رقم می‌خورد که ردپای اعضای خانواده در جای‌جای این حرکت عظیم را نشان می‌دهد. دختران ما اگرچه بر مبنای روحیه لطیف‌شان، با انبوه عواطف لطیف و ظریف دخترانه رشد می‌کنند؛ اما دست‌های ظریف‌شان باید قدرت رویارویی با عرصه‌های سخت زندگی را هم داشته باشد و این معیاری است که از حضور زنان و دختران در عاشورا می‌توان استنباط کرد. حضرت زینب(س) نمونه بزرگ این صبر و مقاومت هستند که پابه‌پای کاروان ایستادگی کرده و در مواقع لزوم همچون یک مرد نگهبان زنان و اطفال هستند. قدرت مقاومت، مانع اعتراض‌های مداوم و نارضایتی از زندگی می‌شود تا آنجا که حضرت زینب(س) پایان تمام تلخی‌ها را با «ما رایت الا جمیلا» رقم می‌زنند و این الگوی جامعی برای بالابردن سطح رضایت از زندگی در میان زنان جامعه است. مهر و محبت اعضای خانواده، موضوع دیگری است که معیار زندگی سالم را گوشزد می‌کند و در روابط میان عمو و برادرزاده، عمه و برادرزاده، پدر و فرزند و خلاصه در تمامی روابط خانوادگی در عاشورا موج می‌زند و رابطه عمیق عاطفی را معیار خانواده سالم و الهی معرفی می‌کند که به هیچ وجه مانع اهداف معنوی و الهی نمی‌شود! شاید فلسفه حضور خانواده در کربلا، القای همین مفهوم متعالی و مهم است که سبک زندگی الهی اهل بیت(ع) را به روشنی نشان می‌دهد. «محرم» فرصت مناسبی است تا با این معیارهای اعجاب‌انگیز، سبک زندگی‌مان را بر مدار کربلا تنظیم کنیم.

راه نرفته

راه‌های کنترل خشم-۲

لیلا وطنخواه
دکترای مطالعات زنان و خانواده

در ادامه پاسخ به پرسش هفته گذشته مبنی بر راه‌های کنترل خشم می‌توان به سخنان پیشوایان دینی و دانشمندان اشاره کرد که مطالب فراوانی در این زمینه دارند؛ برای نمونه امام باقر(ع) می‌فرمایند:

«شخصی که به خشم می‌آید و در آن پیش می‌رود، راضی نمی‌شود تا آن گاه که داخل آتش شود.» با توجه به اینکه این‌گونه خشم و عصبانیت، پیامدهای بسیار خطرناکی دارد؛ بنابراین باید بیاموزیم در این مواقع چگونه برخورد کنیم که در این راستا سه روش ۱ـ بیان کردن، ۲ـ کنترل خشم و ۳ـ آرام‌سازی را توضیح دادیم.

همان‌طور که گفته شد، در روایات اسلامی دستورهای مهم و مؤثری برای خاموش کردن آتش غضب و کنترل خشم داده شده است که آمیخته با روش‌های روان‌شناختی است؛ از این‌رو به طور خلاصه به برخی از آنها اشاره می‌شود. افراد عصبانی همیشه قبل از آنکه دوباره خشمگین شوند باید در آثار شوم آن بیندیشند و همواره به خود تلقین کنند که غضب، آتشی است که ممکن است خرمن ایمان و سعادت و هستی آنها را بسوزاند و دوستان را از آدم دور می‌کند. همچنین خشم آثار ویرانگری روی اعصاب انسان می‌گذارد، عمرش را کوتاه می‌کند و سلامتی او را به خطر می‌اندازد. فکر کردن به عواقب خشم و غضب: بارها این نکته را تجربه کرده‌ایم که هر تصمیمی که به هنگام خشم و غضب گرفته‌ایم، نسنجیده و نادرست است و غالباً موجب پشیمانی می‌شود. از راه‌های مهم کنترل خشم که در روایات بر آن تأکید شده، «ذکر خدا» است. در بعضی از روایات آمده است، هنگامی که عصبانی می‌شوید: «اَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجِیم» یا «لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ الا بالله العلی العظیم» بگویید.

تغییر دادن حالت: یکی دیگر از راه‌های کنترل خشم «تغییر حالت» است. همان گونه که در روایات اسلامی آمده است، اگر شخص در حال نشستن عصبانی شده برخیزد و اگر ایستاده است بنشیند و صورت از آن صحنه برگرداند یا دراز بکشد و اگر بتواند، از آن محل دور شود و خود را به کار دیگری مشغول کند. یعنی دور کردن خود از منبع عصبانیت، چه مکان و چه شخص، یک مهارت مدیریت خشم است که می‌توانید از آن برای آرام کردن خود استفاده کنید. این تغییر حالت برای فرو نشستن آتش خشم و غضب بسیار مؤثر و مفید است. در حدیثی از رسول اکرم(ص) می‌خوانیم: «هنگامی که پیامبر(ص) بر اثر کارهای بسیار زشت جاهلان عصبانی می‌شد، در حالی که ایستاده بود، می‌نشست و اگر نشسته بود، به پهلو می‌خوابید و خشم او برطرف می‌شد.» در ذیل این حدیث آمده است، اگر انسان نسبت به یکی از بستگانش خشمگین شود و بدن او را با دست خود لمس کند، این تماس بدنی خشم او را کاهش می‌دهد. **وضو گرفتن:** نوشیدن آب خنک و شستن سر و صورت با آن به یقین در خاموش کردن آتش غضب مؤثر است. در حدیثی از رسول خدا(ص) آمده است: «هنگامی که کسی از شما خشمگین شود، وضو بگیرد.»

طرح پرسش: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

«دفاع مقدس»، «هنر هفتم» و دِین باقی‌مانده

□ **نسیم اسدپور/** ۳۱ شهریور ماه مصادف است با آغاز هفته‌ای که ما را به یاد ایثار و دفاع از مرز و بوم کشور می‌اندازد؛ دفاعی که مقدس بود، ارزش‌هایش تا ابد مقدس خواهد ماند و نقطه عطفی در تاریخ انسانیت به جا گذاشت.

اما بزرگداشت این تاریخ نیز اهمیتی کمتر از آنچه در آن برهه گذشت، ندارد. رهبر معظم انقلاب نیز در این باره تعبیر معنادار و عمیقی دارند و می‌فرمایند: «زنده نگه داشتن یاد شهیدان کمتر از شهادت نیست»؛ اما چگونه می‌توان یاد شهدا را زنده نگه داشت؟ قهرمانانی که این تاریخ بزرگ را رقم زدند و امروز نیز یاد آنهاست که ایثار و شهادت را به جوانان می‌آموزد.

قطعاً زنده نگهداشتن یاد شهیدان به حرفه و شغل خاصی یا اشخاص مخصوصی مختص نیست، بلکه هر کس در هر کاری چنانچه جانب امانت و ایمان را نگه دارد، ادامه‌دهنده راه آنها خواهد بود؛ اما در این میان برخی عرصه‌ها هستند که بیش از دیگران می‌توانند در این راه تأثیرگذار باشند. کتاب و فیلم یکی از اصلی‌ترین عرصه‌ها برای زنده نگهداشتن راه و یاد شهدا و حماسه دفاع مقدس است. در این میان شاید بتوان گفت نه تنها تأثیر «فیلم» در این رابطه از کتاب کمتر نیست، بلکه در برخی موارد به مراتب جایگاه ویژه‌تری در این رابطه خواهد یافت.

حال سینمای دفاع مقدس خوب نیست

هنر هفتم با قدرت جادویی خود می‌تواند بخشی از سهم خود در این رابطه را ادا کند؛ اما آیا پس از گذشت ۴۰ سال توانسته است در این امر موفق باشد؟ بی‌انصافی است که بگوییم سینما یا تلویزیون در این رابطه کاری نکرده‌اند؛ اما با قاطعیت می‌توان گفت این اقدامات بسیار کمتر از آنچه ظرفیتش را داشته‌اند، بوده است؛ به ویژه در سال‌های اخیر آنچنان در برخی موارد نسبت به پروژه‌های دفاع مقدس کم‌لطفی می‌شود که صدای برخی کارگردانان را نیز درآورده است.

«حسین شهابی» نویسنده و کارگردان سینما در مورد وضعیت این روزهای سینمای دفاع مقدس معتقد است که «حال سینمای دفاع مقدس ایران به هیچ وجه خوب نیست» و در این رابطه می‌گوید که هر چند وقت یکبار جوانانی به صورت خودجوش فیلم‌های درخشانی در عرصه دفاع مقدس می‌سازند و بسیار هم مورد استقبال قرار می‌گیرند؛ اما این تلاش‌های جسته گریخته نمی‌تواند در آمار کلی سینمای دفاع مقدس تغییری ایجاد کند.

از رشد در دهه ۷۰ تا افول در دهه ۸۰

آیا واقعاً حال سینمای دفاع مقدس خوب نیست؟ برای پاسخ به این پرسش نگاهی به تاریخ سینمای دفاع مقدس می‌اندازیم. جمشید حیدری نخستین فیلم سینمایی دفاع مقدس با نام «مرز» را کلید زد تا نامش به عنوان اولین کسی که وارد عرصه دفاع مقدس شده است ثبت شود. این فیلم در سال ۱۳۶۰ ساخته شد و چهار سال پس از آن، «خاچیکیان» توانست با ساخت «عقاب‌ها» گیشه موفقی را از آن خود کند. پس از آن نیز فیلم‌های دیگری مانند «بلمی به سوی ساحل»، «مهاجر» و «افق» ساخته شد که نه تنها در دوران خود بلکه با گذشت سال‌های زیاد توانستند افراد زیادی را مشتاق دیدن دوباره خود کنند؛ اما در دهه هفتاد فیلم‌های دفاع مقدس رنگ و بوی دیگری گرفت؛ فیلم‌هایی که هر چند در برخی موارد از میدان جنگ دور بود، مردان میدان نبرد را به دل زندگی‌های روزمره می‌آورد

روایت تاریخی که قهرمانش مردم باشند، هرگز بدون مخاطب نخواهد بود؛ اما آنچه در این میان مهم است، نحوه پردازش به آن موضوع است؛ قطعاً آنچه از دل برنیاید، لاجرم بر دل نیز نخواهد نشست؛ پس کسانی باید راوی داستان‌های دفاع مقدس باشند که با تمام وجودشان حس و حال آن روزها را باور داشته باشند

تا بتوانند هم روزهای فراموش شده دفاع مقدس را یادآوری کنند و هم از روزهایی که در شهر بر این مردان می‌گذرد روایتی نو داشته باشند. با همین نگاه شاهکار سینمای دفاع مقدس، بلکه سینمای ایران متولد شد؛ «آژانس شیشه‌ای»، فیلمی کاملاً دفاع مقدسی که در آن تنها یک اسلحه و یک فشنگ به کار برده شد؛ اما خوب به هدف خورد.

البته در دهه ۸۰ سینمای دفاع مقدس رو به افول رفت و حتی کارگردانانی که دهه قبل بهترین فیلم‌های دفاع مقدس را ساخته بودند، یا اصلاً در این سال‌ها فیلمی در این باره نساختند، یا اگر ساختند با موفقیت روزهای دهه ۷۰ مواجه نشدند.

ظهور نسل جدید سینماگران دفاع مقدس در دهه ۹۰

در دهه ۹۰ با ظهور فیلمسازان جوان، تغییری جدی در این باره صورت گرفت؛ به طوری که آنها توانستند با تطبیق سلیقه مخاطبان امروزی با موضوع دفاع مقدس، به سراغ سوژه‌هایی بروند که بیش از روایت اصل ماجرا به حاشیه‌هایی بپردازند که اهمیت‌شان کمتر از اصل نیست. فیلم «شیار ۱۴۳» از این قبیل بود که با قصه‌ای نو به روی پرده رفت تا مخاطبانش را به روایتی تازه از جنگ دعوت کند.

برخی سبک‌های نو مانند «ایستاده در غبار» نیز اتفاقی جدید در سینمای دفاع مقدس محسوب می‌شود. «ویلایی‌ها» نیز از دیگر کارهای موفق در این زمینه است؛ با این حال هیچ کدام نتوانسته‌اند با وجود همه موفقیت‌هایی که در نظر مخاطبان به دست آورده‌اند، جایگاهی مانند مهاجر، بوی پیراهن یوسف، از کرخه تا راین و آژانس شیشه‌ای به دست بیاورند. فیلم‌هایی که گاهی هر سال از رسانه ملی پخش می‌شود و باز هم مخاطبان زیادی دارد؛ بیننده‌هایی که برخی بیش از ده بار به تماشای هر یک از آنها نشسته‌اند. شاید بتوان گفت وضعیت سینمای دفاع مقدس در سال‌های اخیر در دهه ۹۰ در مقایسه با دهه ۸۰ به مراتب، یک سر و گردن از آثار مرتبط با این حوزه در دهه ۸۰ بهتر و بالاتر است؛ اما تا رسیدن به آنچه شایسته این عرصه است فاصله بسیار زیادی وجود دارد.

بایدها و نبایدهای ادامه راه

رزمندگان و قهرمانان دفاع مقدس از همین مردم برخاسته‌اند؛ پدران و برادران و همسرانی که امروز برخی در میان ما هستند و برخی با شهادت یا با گذشت سال‌ها رخت از دنیا بسته و در میانمان نیستند؛ اما آنچه مسلم است، روایت تاریخی که قهرمانش مردم باشند، هرگز بدون مخاطب نخواهد بود. آنچه در این میان مهم است، نحوه پردازش به آن موضوع است. در این باره باید چند نکته را مد نظر قرار داد. قطعاً آنچه از دل برنیاید، لاجرم بر دل نیز نخواهد نشست؛ پس کسانی باید راوی داستان‌های جنگ باشند که با تمام وجودشان حس و حال آن روزها را باور داشته باشند و با دل‌شان از قصه‌های تلخ و شیرین جنگ بگویند. نکته دوم این است که مراقب باشیم وارد سینمای جنگ صرف نشویم.

سوم باید توجه داشته باشیم که فیلم‌های دفاع مقدسی فیلم‌هایی هستند که به پشتوانه جدی نهادهای فرهنگی نیازمندند و نباید تصور کرد مانند فیلم‌های خیابانی بتوان با سرمایه محدودتری به آن پرداخت؛ پس عزم جدی، تصمیمی همراه و همدل از سوی مسئولان را می‌طلبد.

کنکاش

دانش‌آموزان ایرانی و چالش «فضای مجازی سالم»

□ **شاهرخ صالحی کرهرودی/** دانش‌آموزان در حالی سال تحصیلی جدید را آغاز می‌کنند که نهضت هوشمندسازی مدارس از چند سال پیش در کشور آغاز شده و با رشد فناوری، دسترسی دانش‌آموزان به وسایل ارتباطی و فضای مجازی با رشد فزاینده‌ای روبه‌رو شده است. اگرچه این هوشمندی و ارتباط جنبه‌های مثبتی در فرایندهای یادگیری دارد؛ اما می‌تواند با آسیب‌های جدی نیز همراه باشد که هر دو جنبه قابل بررسی است.

موضوع «مدارس هوشمند» برای اولین بار در دهه ۸۰ میلادی در آمریکا مطرح شد؛ اما رشد و توسعه آنها در کشورهای توسعه یافته مربوط به دو دهه گذشته بود. در ایران نیز هم‌زمان با دنیا، تلاش‌های اولیه‌ای در این جهت صورت گرفت. نخستین گام برای هوشمندسازی مدارس، ایجاد کارگاه‌های رایانه در مدارس بود؛ به طوری که با آموزش درس مبانی کامپیوتر در دوره متوسطه، دانش‌آموزان می‌توانستند به طور عملی با رایانه و عملکرد آن آشنا شوند؛ البته حدود دو دهه قبل به دلیل دسترسی پایین به اینترنت و محتوای آموزشی الکترونیک، همین میزان از دسترسی نیز قابل توجه به نظر می‌آمد. با رشد فناوری و دسترسی به نسل سوم و چهارم ارتباطات اینترنتی، نوع دیگری از هوشمندی مد نظر قرار گرفت و بر پایه آن، استفاده از لپ‌تاپ، تبلت و رایانک‌ها در کلاس‌های درس برخی مدارس رایج شد؛ هر چند که هنوز مشکلات جدی در استفاده از این فناوری‌ها در کشور وجود دارد.

«مدرسه هوشمند» چیست؟

یکی از ویژگی‌های برجسته مدارس هوشمند که در دنیا به آن توجه می‌شود، این است که فرایند یادگیری محدود به ساعات خاصی از روز نیست و می‌توان گفت مدارس هوشمند هیچ‌گاه تعطیل نخواهند بود. در این مدارس هر دانش‌آموز می‌تواند در هر ساعت از شبانه‌روز از طریق اینترنت و شبکه یا نرم‌افزارها به یادگیری بپردازد و در کلاس‌های آموزش از راه دور حضور داشته باشد. مدارس هوشمند از قوانین سنتی مدارس، که همراه داشتن جزوات و کتب درسی است، مستثنی هستند. در مدرسه هوشمند، دانش‌آموزان برای شرکت در یک کلاس تنها به یک لپ‌تاپ یا تبلت نیاز دارند تا بتوانند مباحث درسی را دنبال کنند.

اگرچه مدارس هوشمند با تعاریف گفته شده در کشور ما هنوز شکل نگرفته و فاصله زیادی میان آنها وجود دارد، موضوع بعدی که باید به آن توجه کرد، سطح دسترسی دانش‌آموزان به فضای اینترنت و محتواهای مجازی است. در سال‌های اخیر در کشورهای توسعه‌یافته مباحثی مانند «زیست‌بوم مجازی کودکان» به صورت فراگیر مورد توجه قرار دارد و علاوه بر تهیه سیم‌کارت‌های مخصوص کودکان، اینترنت مخصوصی نیز بر پایه شبکه‌های ملی در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد تا نظارت کاملی بر دسترسی آنها در فضای مجازی فراهم باشد. همچنین شبکه تولید بازی‌های رایانه‌ای و برنامه‌های مبتنی بر تلفن همراه نیز تحت نظارت و بر اساس قواعد گروه‌های سنی به تولید محتوا می‌پردازند. در کشور ما اقداماتی با عنوان «زیست‌بوم مجازی کودکان» شکل گرفته و بخشی از اپراتورهای تلفن همراه به فعالیت در این زمینه پرداخته‌اند؛ اما هنوز ایجاد بستر امن ارتباطی برای کودکان در کشور فراهم نشده است و به دلیل آموزش غلط والدین، کودکان به ارتباطی دسترسی دارند که نه مناسب سن آنهاست و نه برای آنها تهیه شده است.

محمدجواد آذری جهرمی تصریح کرد: «آنها که در این حوزه مسئولیت اصلی را داشتند، وارد موضوع نشده‌اند.»

هم آموزش‌های رسمی و تربیتی در مدارس باید در جهت هدایت دانش‌آموز به سمت نشاط و سلامت دیجیتالی باشد و هم کنترل‌ها و هدایت‌های والدین باید به این سمت معطوف شود؛ البته نقش تولیدکننده‌های محتوای دیجیتالی نیز نباید مورد فراموشی قرار بگیرد

جای خالی آموزش سواد رسانه‌ای

گفتنی است مسئولیت شورای عالی فضای مجازی، مرکز ملی فضای مجازی، وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، فرهنگ و ارشاد اسلامی و ورزش و جوانان، سازمان‌هایی مانند تبلیغات اسلامی، حوزه هنری و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در حوزه تولید محتوای کودک محل بحث است؛ اما به نظر می‌رسد وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات نیز به عنوان مسئول تنظیم مقررات در این حوزه قابل توجه باشد. ایجاد زیست‌بوم، صدور مجوزهای لازم و نظارت بر فعالیت آنها در وهله اول بر عهده رگلاتوری وزارت ارتباطات و در وهله بعد در حوزه نرم‌افزاری بر عهده دستگاه‌های گفته شده قرار دارد که متأسفانه نه در حوزه رگلاتوری و نه در حوزه تولید محتوا اقدام چندانی صورت نگرفته است.

در حوزه آموزش رسمی، آموزش و پرورش تنها به کتاب درسی آموزش سواد رسانه‌ای در پایه ششم ابتدایی و آموزش کار با رایانه در دوره متوسطه بسنده کرده و در سایر بخش‌ها نیز اقدام شایسته‌ای صورت نگرفته است. در واقع حلقه اتصال مدرسه هوشمند به فضای مجازی خارج از مدرسه، زیست‌بوم‌های مجازی هستند که نقش هدایت و کنترل دانش‌آموز را در دنیای به هم پیوسته دهکده جهانی بر عهده دارند.

ضرورت تعامل خانواده و مدرسه برای «سلامت دیجیتال»

حمیرا مقدمی، پژوهشگر پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات، در مورد توجه به موضوع سلامت و نشاط دیجیتال در دوران کودکی و نوجوانی می‌گوید: « فراوانی انواع فناوری‌های نوین و مدت استفاده کاربران از آنها چالش‌های بزرگی را در حوزه سلامت جسمانی ایجاد کرده است. عدم آگاهی از عوارض و معایب استفاده بیش از اندازه اینترنت و دستگاه‌های هوشمند به بروز آسیب‌های فکری، اجتماعی- فرهنگی، اخلاقی و جسمی منجر خواهد شد؛ مثلاً نگرانی‌های بسیاری در خصوص اعتیاد به فناوری اینترنت، مشکلات بینایی و خشکی چشم و کم‌تحرکی، کم‌رنگ شدن یا حتی از بین رفتن رابطه‌های عاطفی، سلامتی جسمی و روحی کودکان و نوجوانان را به مخاطره انداخته است؛ بنابراین باید در راستای توسعه آینده‌ای متعادل در حوزه سلامتی و نشاط برای شهروندان به ویژه قشر کودک و نوجوان توجه ویژه صورت گیرد.»

وی در ادامه با تعریف دو مفهوم سلامت دیجیتال و نشاط دیجیتال می‌گوید: «نشاط دیجیتال مفهوم نسبتاً جدیدی است که رابطه ما با جهان مجازی آنلاین و تأثیر آن بر سلامت جسمی و روانی را مورد بررسی قرار می‌دهد. زمانی از نشاط دیجیتال برخوردار خواهیم شد که بتوانیم در کنار فناوری‌هایی که به طور روزافزون بر تعداد و قدرت‌شان افزوده می‌شود، با سرزندگی و پویایی هر چه بیشتر، درصدد دست یافتن به تعادل درونی بین زندگی در محیط آنلاین و آفلاین باشیم. سلامت دیجیتال نیز مفهومی است که به هم‌گرایی فناوری اطلاعات و ارتباطات، سلامت، درمان و مراقبت‌های بهداشتی اشاره دارد. به طور کلی، سلامت و نشاط دیجیتال به آرامش جسمی، روحی و ذهنی در دنیای دیجیتال اشاره دارد. »

با این صحبت‌ها می‌توان نتیجه گرفت هم آموزش‌های رسمی و تربیتی در مدارس باید در جهت هدایت دانش‌آموز به سمت نشاط و سلامت دیجیتالی باشد و هم کنترل‌ها و هدایت‌های والدین باید به این سمت معطوف شود؛ البته نقش تولیدکننده‌های محتوای دیجیتالی نیز نباید مورد فراموشی قرار بگیرد؛ زیرا حضور دانش‌آموز در دنیای دیجیتال و فضای مجازی یک زنجیره کامل از مدرسه، خانواده و جامعه است.

یادداشت

پشت پرده «شهیدزدایی»!

□ **حامد حسین‌عسکری/**

در طول سال‌های «جنگ تحمیلی» که با حمایت همه‌جانبه ابرقدرت‌های شرق و غرب و ارتجاع منطقه از رژیم صدام و برای لگدمال کردن عزت و شرافت مردم ایران به وقوع پیوست، بیش از ۲۱۳ هزار شهید از سوی ملت ایران و یگان‌های گوناگون تقدیم شد تا تاریخ دوباره تکرار نشود و در این فصل از کتاب روزگار، بی‌تفاوتی و تسلیم در برابر دشمن متجاوز همچون لکه ننگی بر پیشانی ما ثبت نشود. البته این عدد، مربوط به سال‌های دفاع مقدس هشت ساله ملت ایران است و پس از آن زمان تا امروز هم، همواره در مقاطع گوناگون شهدای گلگون‌کفن دیگری از مدافعان حرم آل‌الله گرفته تا حافظان نظم و امنیت در سپاه و ارتش و ناجا، بر خاک افتاده‌اند تا آب و خاک این کشور که حکم ناموس ملی را دارد، از گزند دست‌های ناپاک محفوظ بماند.

جنگ تحمیلی که قرار بود برای کشور یک تهدید باشد، با الهام‌گیری مردم و جوانان این مرز و بوم از آموزه‌های مکتب عاشورا و با رهبری پیامبرگونه امام راحل، به یک فرصت برای خودسازی و خلق مکرر حماسه‌های عاشورایی در مرزهای غربی و جنوبی کشورمان تبدیل شد که همه اینها به برکت ایثار صدها هزار شهید و ده‌ها هزار جانباز و آزاده و البته صبر زینبی خانواده‌های‌شان بود. به دلیل همین کار کارستان شهدا بود که کوچه‌ها و خیابان‌های شهرهای‌مان که ساکنان هرکدام‌شان سروقام‌تان بسیاری را تقدیم کرده‌اند، به نام شهیدان نامگذاری و مزین شد تا با گذر هر روز از کوچه‌ها و خیابان‌ها و بزرگراه‌ها، یادمان باشد و فراموش نکنیم که عزت و امنیت امروز را مدیون چه کسانی هستیم و مبادا که از میراث آنها ـ که همان انقلاب اسلامی است ـ غفلت کنیم. در واقع، نامگذاری معابر شهرها به نام شهدای برخاسته از این مناطق، افزون بر جنبه قانونی نامگذاری معابر و مدیریت شهری، یک نماد و یک حرکت فرهنگی برای زنده نگه داشتن نام و یاد شهدای ایران زمین است.

اما حرکت عجیب و تأسف‌آمیزی که مدتی است در برخی کلانشهرها، از جمله تهران به صورت خزنده در جریان است، حذف عنوان «شهید» از تابلوی معابر و اماکنی است که به اسم شهدا نامگذاری شده‌اند. در تهران و برخی شهرها مانند تبریز، این حرکت مدیریت شهری خیلی سریع‌تر با واکنش مردم و فعالان فرهنگی مواجه شد. اما عجیب‌تر از این حرکت نامبارک و سؤال‌برانگیز، توجیهی است که برخی مدیران شهری از جمله شهردار تهران برای این اقدام تراشیده و گفته است، این کار با هدف کوتاه‌تر شدن عنوان تابلوهای معابر و سهولت خوانش آن از سوی رهگذران و رانندگان صورت گرفته است! این توجیه وقتی عجیب‌تر به نظر می‌رسد که به همین معابر خرد و کلان تهران و کلانشهرها نگاهی بیندازیم و اسامی طولانی و مفصلی را ببینیم که تابه حال مدیران شهری را نگران نکرده است، چون در آنها فقط عنوان «شهید» نیست!

هرچند این حرکت مشکوک با حرکت متقابل و آتش به اختیار جمع زیادی از جوانان نسل سوم و چهارم انقلاب مواجه شده که با هزینه شخصی در حال بازگرداندن عنوان «شهید» بر روی تابلوهای معابر هستند؛ اما این سؤال دردناک همچنان باقی است که علت این اقدام عجیب در تهران و برخی کلانشهرها چیست و چه کسانی از کمرنگ شدن نام و یاد شهیدان و «شهیدزدایی» از فرهنگ عمومی کشور سود می‌برند و دیگر اینکه، وقتی در دیگر کشورها به هر بهانه‌ای به مقام جان‌باختگان جنگ‌های‌شان ـ که لزوماً قداست دفاع ما را هم نداشته ـ اینقدر احترام می‌گذارند، اگر این برنامه نامبارک روزی به مقصود برسد، چه بر سر داشته‌های فرهنگی ملت ما خواهد آمد و در آن زمان، چه کسی پاسخگو خواهد بود؟!

آمریکایی‌ها تا برد ۲ هزار کیلومتر در تیررس ما هستند

«سردار حاجی‌زاده» گفت: «آمریکایی‌ها در ماجرای پهپاد گلوبال هاوک اگر به سرنگونی پهپاد متجاوز خود پاسخ می‌دادند، ما پایگاه‌های آمریکایی را مورد ضربات موشکی خود قرار می‌دادیم. پایگاه «العدید» در قطر، پایگاه «الظفره» در امارات و یکی از ناوهایی که در دریای عمان، هدف‌گیری شده بود و اگر می‌زدند ما نیز می‌زدیم. علاوه بر پایگاه‌های آمریکا در منطقه، ما همه شناورهای آنها اعم از ناوها و رزم‌ناوها را تا برد ۲ هزار کیلومتر زیر آتش موشک‌های‌مان داریم و دائما داریم آنها را رصد می‌کنیم.»

«سرلشکر محسن رضایی» فرمانده سپاه در دوران دفاع مقدس در گفت‌وگوی اختصاصی با صبح صادق

مدیریت انقلابی گمشده امروز کشور است

□فتح‌الله پریشان - علیرضا جلالیان/ از اعضای هسته مرکزی «گروه منصورون»، اولین فرمانده واحد اطلاعات سپاه، فرمانده سپاه در دوران دفاع مقدس و دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، از مناصبی است که «آقا محسن» عهده‌دار آنها بوده. «سردار سرلشکر دکتر محسن رضایی» در مقام پیشکسوت دفاع مقدس در دانشگاه عالی دفاع ملی و دانشگاه جامع امام حسین(ع) تدریس می‌کند و در عرصه سیاسی نیز با تجربه موفق دبیری مجمع تشخیص مصلحت نظام حضور مؤثری دارد. در آستانه هفته دفاع مقدس توفیق شد تا پذیرای وی در «مرکز فرهنگی_رسانه‌ای صبا» بوده و گفت‌وگویی از جنس تجربه و تخصص با وی داشته باشیم. آنچه می‌خوانید بخشی از گفت‌وگوی صبح صادق است با «آقا محسن».

*** در ابتدای گفت‌وگو لطف کنید درباره فلسفه شکل‌گیری سپاه، سازماندهی آن به ویژه اینکه در سالگرد ایام صدور فرمان تاریخی حضرت امام(ره) برای تشکیل نیروهای سه‌گانه سپاه هستیم و تأثیر فرمان امام در این خصوص سخن بگویید.**

تولد سپاه در ایران حاصل ۱۰۰ سال تجربه مبارزات ملت ایران بود. آنچه در جنبش تنباکو، نهضت مشروطه، ملی شدن صنعت نفت و... بر ملت ایران گذشت، حضرت امام(ره) را به نتیجه رسانده بود که اگر نهادی برای پاسداری از انقلاب به وجود نیاورند، انقلاب اسلامی نیز مثل حرکت‌های گذشته از بین خواهد رفت؛ بنابراین تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از ایده‌های خود حضرت امام(ره) و بر اساس این تجربه‌های تاریخی بوده است. از کلمات امام راحل می‌شود فهمید ضرورت تشکیل سپاه چه بوده است، حضرت امام(ره) فرمودند: «اگر سپاه نبود کشور هم نبود.» یا تعابیر بلندی که در آخرین نامه به فرماندهان سپاه داشتند و فرمودند: «شما سپر حوادث ملت بزرگ ایران هستید و آینه تمام‌نمای رشادت‌های ملت ایران هستید.» یا تعابیری که رهبر معظم انقلاب درباره سپاه دارند، ضرورت تشکیل این نهاد را کاملاً مشخص می‌کند. پس از پیدایش نیز حضور و عملکرد سپاه ثابت کرد حضرت امام(ره) ضرورت تشکیل این نهاد را به درستی تشخیص داده بودند. در حقیقت سپاه از زمان تشکیل تاکنون، رکن رکین دفاع و امنیت ملی کشور بوده است و توانسته ده‌ها و صدها حادثه کوچک و بزرگ را از سر ملت ایران به خوبی عبور دهد و کشور و جامعه را حفظ کند.

اما در مورد صدور فرمان تشکیل سه نیرو که در میانه جنگ رخ داد، باید گفت ما تیپ و لشکرهای‌مان را تشکیل داده بودیم؛ اما درباره اینکه شکل نهایی سپاه چگونه باید باشد، بعضی‌ها شایعه کرده بودند که تیپ و لشکرهای سپاه پس از پایان جنگ منحل می‌شود و این نیرو به همان شکل قبل آغاز دفاع مقدس، یعنی قالب امنیتی برمی‌گردد. این مسئله تردیدی به وجود آورده بود و از گسترش سازمان سپاه جلوگیری می‌کرد. علاوه بر این ما برای عملیات دریایی و هوایی نیاز به ظرفیت سازمانی داشتیم و نیازمند این بودیم که در کنار تیپ‌ها و لشکرهای‌مان نیروی هوایی و دریایی هم داشته باشیم. یک روز احمد آقا با من تماس گرفتند و گفتند: شما نامه‌ای به امام بنویسید و تقاضای تشکیل سه نیرو را بکنید. من گفتم چرا؟ گفتند: چون خود حضرت امام به این نتیجه رسیدند که سپاه باید مجهز به سه نیرو شود. من قدری تردید کردم؛ بنابراین در نامه‌ای که خدمت امام نوشتم تقاضای سه سپاه هوایی، زمینی و دریایی را کردم و فکر می‌کردم شاید اگر کلمه نیرو را به کار ببریم سبب ناراحتی دوستان ارتش شود و آنها فکر کنند ما می‌خواهیم سه نیرو تشکیل بدهیم و ارتش را منحل کنیم؛ از این رو احتیاط کردم و در نامه‌ای که نوشتم تقاضای تشکیل سه سپاه هوایی، دریایی و زمینی را داشتم؛ ولی حضرت امام در پاسخ ما را مکلف به تشکیل سه نیروی هوایی، دریایی و زمینی سپاه کردند.

همین حکم به خوبی نشان می‌دهد حضرت امام(ره) چه دیدگاه بلندی درباره سپاه و آینده آن داشتند.

من همینجا دو خاطره از این ماجرا نقل می‌کنم که برای اولین بار است رسانه‌ای می‌شود.

بعدها خود احمد آقا و «آیت‌الله امامی‌کاشانی» که آن زمان عضو شورای نگهبان بودند، گفتند امام قبل از اینکه این حکم را صادر کنند، فقهای شورای نگهبان را به محضرشان فراخوانی کردند و گفتند که من می‌خواهم به سپاه حکم تشکیل سه نیرو را بدهم. آیا شما این را خلاف قانون اساسی می‌دانید؟ آقای امامی نقل کردند که اعضای شورای نگهبان خدمت امام گفتند، چون موضوع جدید است اجازه بدهید ما جلسه‌ای برگزار کنیم و پس از بررسی به شما پاسخ دهیم. امام هم آنجا فرمودند: من چون می‌خواهم سریع این تصمیم را بگیرم، شما در همین مجموعه جماران جلسه خود را بگذارید و بررسی خودتان را انجام دهید و نظرتان را دهید. آقای امامی تعریف کردند که ما در همان جماران نشستیم، جلسه را برگزار کردیم و به این نتیجه رسیدیم که دستور تشکیل سه نیروی سپاه از سوی امام خمینی خلاف قانون اساسی نیست. دوباره خدمت امام رفتیم و به ایشان گفتیم که اگر شما حکم تشکیل سه نیرو را به سپاه بدهید، این خلاف قانون اساسی نیست، امام هم بلافاصله آن حکم تاریخی را صادر کردند.

خاطره دیگری هم هست که جالب است همه دوستان بدانند. آن زمان «آقای محمد هاشمی» برادر «آقای علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی» رئیس صدا و سیما بود. وقتی حکم حضرت امام را به محمد هاشمی دادند تا در صدا و سیما قرائت شود، برادرشان تماس گرفته بود با احمد آقا که مصلحت نیست این حکم صادر شود. این سبب ناراحتی ارتش می‌شود. وقتی آقای هاشمی این را مطرح می‌کند، احمد آقا مسئله را با حضرت امام در میان می‌گذارد و ظاهراً امام(ره) پرسیده بودند که نظر خود سپاه چیست؟ احمد آقا با من تماس گرفت. من خدمت ایشان عرض کردم که مطمئن باشید این خبر را اگر ما الآن پخش نکنیم و علنی نکنیم، سبب خواهد شد که برادران ارتش سوء برداشت کنند که پشت پرده و پنهانی حکمی صادر شده و احتمالاً ارتش منحل خواهد شد و این خطرناک است. ما نظرمان این است حالا که حضرت امام این حکم را صادر کردند این موضوع علنی و در صدا و سیما خوانده شود. احمد آقا چند دقیقه بعد دوباره تماس گرفت و گفت: امام فرمودند که آقا محسن درست می‌گویند، «شتر سواری دولا دولا نمی‌شود». بدهید صدا و سیما آن را بخواند. من چون می‌دانستم آقای هاشمی‌رفسنجانی که آن زمان رئیس مجلس بود همچنان مخالف است، به سرعت به مجلس رفتم و با ایشان صحبت کردم؛ اما باز هم زیر بار نرفت و گفت بهتر است این حکم خوانده نشود. گفتند احمد آقا را پیدا کنید؛ اما هرچه تماس گرفتند دیگر احمد آقا را پیدا نمی‌کردند. در نهایت به محمد هاشمی گفت که شما نخوانید. محمد هاشمی هم پاسخ داده بود من نمی‌توانم دستور امام را اجرا نکنم. درست است که شما برادر من هستید؛ ولی چون این دستور امام است و احمد آقا گفتند که امام فرمود حکم را بخوانید من می‌خوانم؛ اما اگر شما با احمد آقا تماس بگیرید و احمد آقا بگوید که نخوانید، نمی‌خوانیم. من خودم آنجا بودم و دیدم این مکالمه بین آقای اکبر هاشمی و محمد هاشمی رد و بدل شد.

آقای هاشمی در ذهنش این بود که اگر این حکم خوانده شود ممکن است نیروهای ارتش احساس کنند این سه نیرویی که درست شده، برای این است که نیروهای ارتش منحل شود؛ ولی واقعیت این بود که اگر این مسئله پنهان می‌ماند این سوء ظن ایجاد می‌شد. ساعت ۱۴ رادیو حکم حضرت امام را خواند و حضرت امام از من خواستند که سپاه را به سه نیروی زمینی، دریایی و هوایی مجهز کنید تا بتوانید از انقلاب اسلامی دفاع کنید.

*** چه واکنش‌هایی بعد از خواندن حکم حضرت امام(ره) به وجود آمد؟**

طبیعی است واکنش‌هایی وجود داشته باشد. برخی سیاسیون ابهاماتی را مطرح کردند و در ارتش هم سؤالاتی بود؛ اما با وجود برادرانی چون «صیاد شیرازی» و دیگر عزیزان این جو کنترل شد. ما هم بررسی کردیم، دیدیم که در دیگر ارتش‌های دنیا نیز وجود چنین نیروهایی متداول است. برادران ارتش هم کاملاً همراهی کردند. امروزه هماهنگی کامل بین نیروهای سه‌گانه سپاه و ارتش و در سطح کل آنها وجود دارد.

*** شما به نقش سپاه در حوزه امنیت هم اشاره کردید. دهه اول، دهه ظهور و بروز جریان‌های سیاسی با رویکردهای مختلف بود. سپاه در حوزه امنیت داخلی در آن مقطع چه کارهایی کرد؟ با توجه به اینکه شما ابتدا مسئول اطلاعات سپاه بودید، در مورد نقش سپاه در امنیت داخلی و در امنیت منطقه توضیح دهید.**

در این چهل سال انقلاب هر جا تهدیدی وجود داشته، سپاه اولین نیروی حاضر در صحنه بوده است. سال ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ و سال ۱۳۶۰ ما حوادث امنیت داخلی را داشتیم و با شورش‌هایی مواجه بودیم. گروه‌هایی مانند فرقان و منافقین نیز در صحنه عملیات بودند.

آنچه در جنبش تنباکو، نهضت مشروطه، ملی شدن صنعت نفت و... بر ملت ایران گذشت، حضرت امام(ره) را به نتیجه رسانده بود که اگر نهادی برای پاسداری از انقلاب به وجود نیاورند، انقلاب اسلامی نیز مثل حرکت‌های گذشته از بین خواهد رفت؛ بنابراین تشکیل سپاه از ایده‌های خود حضرت امام(ره) و بر اساس این تجربه‌های تاریخی بوده است

در سه سال اول انقلاب حوادث بسیار بزرگی صورت گرفت. کودتای «نقاب» از پایگاه شهید نوژه شروع شد؛ در حالی که خیلی وسیع‌تر از «پایگاه هوایی شهید نوژه» بود. در سال‌های ابتدایی انقلاب جنگ شروع شد. در کردستان، در سیستان و بلوچستان، در انفجارهای لوله‌های نفت خوزستان، خلق مسلمان در آذربایجان، حادثه گنبد در آمل نیز چریک‌های فدایی از جنگل ریختند و وارد شهر آمل شدند و تا نزدیک فرمانداری آمدند. در گنبد کاووس ضد انقلاب آمد و دو سه تا از شهرها را گرفت. در کردستان، آذربایجان غربی، پاوه و جوانرود کرمانشاه ضد انقلاب کُرد شورش کردند. منافقان در خرداد سال ۱۳۶۰ دست به سلاح بردند و اقدام به ترورهای مسلحانه کردند؛ چنانکه در تمام شهرها متوسط روزی ۴۰-۵۰ نفر را شهید و زخمی می‌کردند و همین تعداد از خودشان کشته می‌شد. بزرگانی از ما به شهادت رسیدند. افراد زیادی مانند شهید رجایی، شهید باهنر، شهید بهشتی و شهدای هفتم تیر، شهید مطهری و انسان‌های بسیار بزرگ که در رأس انقلاب بودند به شهادت رسیدند، تعداد زیادی هم جانباز شدند. در این حوادث، سپاه با تمام قدرت در صحنه بود. ما در سپاه یک سازمان اطلاعاتی بسیار قدرتمندی درست کردیم و توانستیم این حوادث را در مدت کوتاهی کنترل کنیم. منافقین ۱۷ هزار عضو و ۵۰ هزار هوادار داشتند. در دانشگاه تهران به طور رسمی انبار اسلحه داشتند و در این انبار، تیربار، آرپی‌جی و انواع سلاح‌های سبک و نیمه سنگین وجود داشت. سپاه با ایجاد دستگاه اطلاعاتی توانست اینها را به کنترل در بیاورد و در حقیقت آبان ماه ۱۳۶۰ دیگر اثری از منافقین نبود و ما بر جبهه‌های جنگ متمرکز شدیم.

*** یعنی زمانی که «موسی خیابانی» عضو ارشد سازمان منافقین در کشور را به هلاکت رساندید و انبوهی از خانه‌های تیمی منافقین را زیر ضربه بردید؟**

بله، این کار شبانه‌روزی و سختی بود؛ اما پس از برقراری امنیت نسبی و به خصوص بعد از عزل «بنی‌صدر» بر دفاع مقدس متمرکز شدیم و به تدریج عملیات‌های‌مان را آغاز کردیم که اولین پیروزی بزرگ ما در عملیات «ثامن‌الائمه» در مهر ماه سال ۱۳۶۰ رقم خورد. از این تاریخ به بعد دیگر ماجراهای جنگ جدی شد و سال ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۶۷ سپاه وارد عملیات شد؛ در سال اول جنگ، سپاه نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌ها و اتاق‌های جنگ نداشت؛ چون از تیپ و لشکرهای ما و امکانات تسلیحاتی سنگین خبری نبود. اسلحه و مهمات هم به اندازه کافی نداشتیم. در سال اول جنگ در مقاومت خرمشهر و سوسنگرد و شهرهای مرزی بیشترین نقش را داشتیم؛ اما از سال ۱۳۶۰ شروع به پیدا کردن سازمان رزم کردیم؛ یعنی پس از اینکه ما یک سازمان اطلاعاتی قدرتمند را در سپاه تشکیل دادیم، به سمت تشکیل تیپ‌ها و گردان‌های متشکل از نیروهای انقلابی رفتیم و از طرف دیگر شیوه نوینی از جنگ را در آن زمان خلق کردیم. امروز «حشدالشعبی» و «حزب‌الله» و بسیاری از گروه‌های مقاومت جهان اسلام بر همین اساس می‌جنگند. نوع جنگیدن‌مان را به گروه‌های مقاومت صادر کردیم که این امر از تجهیزات نظامی مهم‌تر و مؤثرتر است. مهم‌تر اینکه چگونگی مواجهه با دشمن، چگونگی فتح مواضع و چگونگی عقب زدن دشمن و آزاد کردن سرزمین‌ها و مبارزه با دشمن و نوع جنگی که ما در جبهه‌ها تجربه کردیم به عنوان جنگ انقلابی امروز تدوین شده و در دانشگاه در حال تدریس است.

*** سپاه در این سال‌ها پیشرفت‌های فراوانی داشته و انسجام سازمانی بیشتری یافته است، در این باره توضیح دهید.**

بعد از دفاع مقدس که رهبر معظم انقلاب فرمانده کل قوا شدند، ما از ایشان تقاضا کردیم که سپاه پنج نیرو داشته باشد و در این راستا در سال ۱۳۶۹ «نیروی قدس» شکل گرفت. آقای وحیدی، رئیس فعلی دانشگاه عالی دفاع ملی ابتدا فرمانده این نیرو بود و پس از او برادرمان حاج‌قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس شد که تا الآن فرمانده این نیرو است. در ادامه بسیج را هم در واقع به صورت یک نیرو در سپاه دیدیم که البته بعدها در قالب یک سازمان تعریف شد. امروز هم شبکه موشکی سپاه، یک نیروی قدرتمند در منطقه است.

در این چهل سال هیچ زمانی نبوده که سپاه رشد و گسترش نداشته باشد. این گسترش هم متناسب با تهدیدات صورت گرفته و هر جا که تهدید بوده، سپاه حاضر شده و خود را متناسب با این تهدیدها شکل داده است.

*** امروز برخی جریان‌های سیاسی و برخی مسئولان از جنگ و سایه آن صحبت می‌کنند، شما که تحلیلگر راهبردی و نظامی و آشنا به میزان قدرت نظامی کشور هستید، بفرمایید آیا جنگ خواهد شد؟**

در کل باید گفت، ما دیگر جنگی مثل قبل نخواهیم داشت. جنگ‌ها از این به بعد یک کشتی در مقابل یک کشتی و یک نقطه در مقابل یک نقطه و یک هواپیما در برابر یک هواپیما خواهد بود. ماهیت جنگ‌ها در حال تغییر اساسی است. بنابراین آن جنگ‌ها دیگر نخواهد بود. مسئله بعد توان اعمال قدرت است که در این حوزه هم وضعیت کاملاً در ماجراهای اخیر سنجیده شده است. کشور ما باید هر لحظه برای دفاع قاطع خودش را آماده کند و هر روز قدرتمندتر شود، ما هیچ‌گاه خواهان جنگ نبودیم و به دنبال جنگ هم نیستیم؛ ولی ثابت کردیم قدرتمندانه از خودمان دفاع کرده و ریشه تهدید را خشک می‌کنیم. درباره اینکه چرا الآن عده‌ای از مردم از جنگ دم می‌زنند، باید گفت این گفته‌ها تنها مصرف جناحی و سیاسی دارد و برای رأی آوردن است و این افراد تلاش می‌کنند نیروهای انقلاب را خشن و جنگ‌طلب معرفی کرده و خود را صلح‌طلب و منادی آزادی معرفی کنند. این در حالی است که نیروهای انقلاب با جان خود، با همه وجود و با تلاش در مسیر افزایش قدرت بازدارندگی کشور امنیت را به ارمغان آورده‌اند و صداهایی که بر طبل دروغین جنگ می‌کوبند، تنها به دنبال منافع شخصی و جناحی خود هستند.

شرایط تحریم بهترین فرصت برای جهش و تحول اقتصادی است. مدیریت انقلابی عنصر گم شده امروز اداره کشور است. امروز مشکل کشور مدیریت است، اولین اصلاحی که باید صورت گیرد، در شیوه مدیریتی است و باید یک مدیریت انقلابی بر سر کار بیاید. مسئله دیگر این است که باید به استان‌ها اختیارات داده شود

*** ورود حضرت‌عالی به مجمع تشخیص مصلحت نظام و نقش مجمع در نظام سیاسی کشور و نقشی که اخیراً رهبر معظم انقلاب در حوزه نظارتی به مجمع داده‌اند، سبب می‌شود تا در این خصوص و وضعیتی که امروز در مجمع برقرار است از شما جویا شویم، در این باره توضیح بفرمایید.**

قانون اساسی برای رهبر معظم انقلاب و ولی فقیه وظایف و اختیاراتی را قائل شده است. دو مورد از این وظایف و اختیارات مربوط به سیاست‌گذاری و ابلاغ و تعیین سیاست‌های کلی نظام و نیز نظارت بر حسن اجرای آن است. وقتی سیاست‌ها ابلاغ می‌شود، باید نظارت شود که آیا سیاست‌های ابلاغی در روند کار، به درستی اجرا شده است یا نه. لذا در طول این بیست و دو سالی که من در دبیرخانه هستم، سعی کرده‌ام در این مسیر حرکت کنم. در این مدت ابتدا دبیرخانه به این شکل وجود خارجی نداشت و کل کسانی که با آقای دکتر حبیبی کار می‌کردند پنج نفر بودند با دو سه اتاق کنار همان محلی که آقای هاشمی‌رفسنجانی بود. من که دبیر مجمع شدم، کلاً دبیرخانه را به یک مجمع کارشناسی تبدیل کردیم و با ایجاد کمیسیون متناظر برای همه کمیسیون‌های مجمع، پژوهشگاه‌ها و مراکز مطالعاتی مشترکی ایجاد شد. کمیسیون‌ها و محافل کارشناسی ایجاد کردیم و با دانشگاه و محافل علمی ارتباط برقرار کردیم؛ دانشگاه‌های جامع امام حسین(ع)، صنعتی شریف، اصفهان و... پژوهشگاه‌های مشترک تأسیس کردیم و کوشیدیم کلیه نخبگان کشور را که صاحب ایده و نظر هستند، به میدان بیاوریم. از این رو یک ستاد کارشناسی برای مجمع درست شد، این ستاد کارش این است که تمام نظرات کارشناسان را می‌گیرد و خدمت حضرت آقا ارائه می‌کند.

ما تا امروز در ۴۰ موضوع، سیاست‌گذاری کرده‌ایم که برخی از اینها چون مربوط به برنامه‌های پنج ساله بوده، تمام شده؛ الآن ما ۳۵ عنوان سیاست و حدود ۸۰۰ حکم داریم. نکته بسیار مهمی که باید ملت ایران در جریان آن قرار بگیرد، این است که اگر این سیاست‌ها از سوی دولت‌ها و مجلس‌های ۲۰ سال اخیر اجرا می‌شد، امروز تقریباً هیچ مشکلی در کشور از جنس مشکلات امروز نداشتیم. تورم، بیکاری و... همه به دلیل این است که دولت‌ها و مجلسی‌ها توجه لازم به ابلاغیات رهبر معظم انقلاب نداشته‌اند. بسیاری از مشکلات کشور با وجود راه‌حل‌های کارشناسی حل نشده باقی مانده است. از دو سال پیش به این طرف رهبر معظم انقلاب به طور جدی از من خواستند که نظارت در مجمع فعال شود. ما هم در آیین‌نامه نظارتی که تصویب شده بود از ایشان تقاضا کردیم اگر بخواهیم نظارت فعال شود، در جمع چهل نفره مجمع تشخیص مجدداً یک نظام بروکراتیک به وجود می‌آید و نظارت ناکارآمد می‌شود، از این رو خواستیم که اجازه دهند یک هیئت عالی نظارت تشکیل شود و خودشان از مجمع ۱۵ نفر را انتخاب کنند که الآن ۱۳ نفر از اعضای مجمع، بنده و ریاست مجمع اعضای این هیئت عالی نظارت هستیم و تمام قوانینی که از مجلس عبور می‌کند و به هیئت عالی می‌رسد، اگر مغایر سیاست‌های کلی باشد، به شورای نگهبان گفته می‌شود و شورای نگهبان از مجلس می‌خواهد بر اساس همان روند قانونی این قوانین را اصلاح کند، مثل جریان FATF، CFT، پالرمو و از این نوع مسائل که در این دو سال اخیر بررسی شده و اشکالاتی داشته، لذا به شورای نگهبان ارجاع شده و گفته شده است مغایرت‌هایی با سیاست‌های کلی دارند. در حال حاضر، در مجمع در حال بررسی آنها و منتظر پاسخ دولتمردان به یازده سؤال هستیم.

*** دفاع مقدس ثمره اعتماد به جوانان بود، امروز هم در عرصه جنگ نرم و هم در عرصه علم و آگاهی جوانان نقش بسزایی دارند؛ رهبر معظم انقلاب هم در «بیانیه گام دوم انقلاب» تأکید ویژه‌ای بر نقش‌آفرینی جوانان دارند. مجمع برای تحقق این امر که نقطه کانونی این سند بالادستی است، چه برنامه‌ای دارد؟**

ما در سیاست‌های کلی دو سند بالادستی را مدنظر قرار می‌دهیم، یکی «الگوی اسلامی_ایرانی پیشرفت» و دیگری «بیانیه گام دوم انقلاب». شاید امروز اولین نهادی باشیم که به صورت عملیاتی با بیانیه گام دوم برخورد کردیم. ممکن است دیگران در حال تبیین یا تبلیغ باشند؛ ولی ما بیانیه گام دوم را به منزله سندی که سیاست‌ها را باید از دل آن بیرون بیاوریم و عملیاتی کنیم، در دستور کار قرار دادیم، ضمن اینکه چند تا کار جانبی هم در این زمینه انجام دادیم؛ از جمله اینکه بحث آمادگی و آماده‌سازی در جوانان انقلابی کشور را شروع کرده و دوره‌های آموزشی مدیریت راهبردی جهادی را شکل دادیم و آموزشکده‌هایی را در کشور فعال خواهیم کرد. ما در خود دبیرخانه جوانگرایی را آغاز کرده‌ایم. از دو سال پیش تا الآن بخش قابل توجهی از دبیرخانه به دست نیروهای جوان انقلابی سپرده شده است. ما معتقدیم این بیانیه را باید به منزله مکمل انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در نظر گرفت. گام دوم انقلاب، خودش یک انقلاب است و نباید به صورت یک توصیه‌نامه در کشور با آن برخورد شود. بسیاری دارند با این بیانیه تشریفاتی و تبلیغی برخورد می‌کنند که ما معتقدیم زمان شروع بیانیه گام دوم همان بیست و سوم بهمن ماه سال ۱۳۹۷ است و بعد از یک سال همه نهادها باید گزارش دهند که عملاً برای تحقق بیانیه گام دوم چه کاری کرده‌اند. اگر تاریخ شروع این بیانیه دقیقاً مشخص نشود و به صورت یک توصیه تلقی شود، این بیانیه آسیب جدی می‌بیند؛ لذا ما در دبیرخانه و مجمع به طور جدی پای کار آمدیم.

*** به عنوان یک اقتصاددان وضعیت تأثیر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید و راه برون‌رفت از معضلاتی که تحریم‌ها به وجود آورده را چه می‌دانید؟**

اول از مدیران کشور باید گله کرد که چرا از این موقعیت طلایی برای بسیج اقتصادی و تحول اقتصاد ایران استفاده نمی‌کنند و عزا گرفته‌اند که نفت به فروش نمی‌رسد. اگر تولید ملی این کشور راه بیفتد، ما حتی باید روزانه یک میلیون بشکه نفت علاوه بر تولید داخلی هم وارد کنیم. اگر صنعت، کشاورزی و... راه بیفتد، ما باید روزانه یک میلیون بشکه نفت را هم از کشورهای دیگر وارد کنیم تا مواد اولیه داشته باشیم. چرا عزا گرفته‌اند که نفت به فروش نمی‌رسد؟ چرا تولید ملی راه نمی‌افتد؟ چه انگیزه‌ای بهتر از شرایط کنونی می‌تواند مردم را به یک جهاد بزرگ اقتصادی هدایت کند! متأسفانه همین اشتباه در زمان جنگ نیز از سوی مدیران کشور انجام شد. در زمان جنگ مردم ایران آمادگی کامل را داشتند تا در یک جهاد بزرگ اقتصادی در کنار رزمندگان اسلام بیایند و وارد شوند و در پشت جبهه‌ها رزمنده‌های اقتصادی یک بار برای همیشه جمهوری اسلامی را از وابستگی به نفت نجات دهند و نفت را خودمان در صنعت و کشاورزی خودمان مصرف کرده و ارزش‌افزوده ایجاد کنیم؛ اما آن فرصت را از دست دادیم. دولت‌های زمان جنگ باید انقلاب اقتصادی کرده و از انگیزه تهاجم دشمن برای بسیج مردم ایران و برای بسیج اقتصادی استفاده می‌کردند؛ ولی استفاده نکردند. کاری که آلمان و ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم انجام دادند و اکنون از اقتصادهای بزرگ دنیا هستند. شرایط تحریم بهترین فرصت برای جهش و تحول اقتصادی است. مدیریت انقلابی عنصر گم شده امروز اداره کشور است. امروز مشکل کشور مدیریت است، اولین اصلاحی که باید صورت گیرد، در شیوه مدیریتی است و باید یک مدیریت انقلابی بر سر کار بیاید. مسئله دیگر این است که باید به استان‌ها اختیارات داده شود، این در حالی است که بسیاری از استان‌های ما برای کوچک‌ترین کارشان باید بیایند تهران در وزارتخانه‌ها چندین ماه سردرگم باشند تا مشکل یک استان برطرف شود، استان‌های ما در زمینه اقتصاد، تجارت، کسب‌وکار و کشاورزی باید اختیارات داشته باشند و مردم را بسیج کنند.

*** این همان طرح ایالت‌های اقتصادی است که در گذشته هم از سوی شما مطرح شده بود، درست است؟**

بله. این ایالت‌های اقتصادی ما مثل دوران دفاع مقدس که لشکرهای مناطق با هم در پیشروی رقابت داشتند؛ برای نمونه آذربایجان با لشکر اصفهان رقابت داشتند یا در خود انقلاب چهلم قم را مردم آذربایجان گرفتند، چهلم مردم آذربایجان در یزد برگزار شد و... . این سلسله انقلاب‌های محلی دست به دست هم داد و در نهایت انقلاب اسلامی ایران را پیروز کرد. امروز هم باید مردم وارد اقتصاد شوند و اختیارات داشته باشند. بدون اختیار دادن به مردم نمی‌توانیم آنها را وارد یک جهاد بزرگ اقتصادی کنیم. اگر امروز سیستم پادگانی را که رضاشاه در اقتصاد ایران درست کرد، بشکنیم و همان‌گونه که در دفاع مقدس به مردم اختیار دادیم اختیار دهیم، اقتصاد ما شکوفا خواهد شد.

صبح صادق

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی صبح صادق
زیر نظر شورای نویسندگان معاونت سیاسی
نمایندگی ولی فقیه در سپاه

تلفن: ۷۷۴۶۰۱۰۰-۱۱۰(۰۲۱)
صندوق پستی: ۱۷۴۴۵/۱۴۴
سایت اختصاصی: ssweekly.ir سروش: @ssweekly
ارتباط مستقیم با سردبیر: sardabir@ssweekly.ir
ارسال مطالب: info@ssweekly.ir
سامانه پیامک کوتاه: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳ نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶

دوشنبه اول مهر ۱۳۹۸
۲۳ محرم ۱۴۴۱
سال نوزدهم شماره ۹۱۴
۱۲ صفحه

Mon. 23 SEPTEMBER 2019 www.ssweekly.ir

صبحانه

بوی بهشت

عصای بی‌حوصلگی را دور بینداز، سقفِ این دل پریشان را هر کجا چسب بزنی، باز هم از جای دیگری اندوه چکه می‌کند!
خیال را هر چه بیشتر بال و پر بدهی، بیشتر زمین‌گیرت می‌کند...
رها کن غم‌ها را... پنجره‌ها را باز کن... بوی بهشت می‌آید...

صادقانه

خصلت‌های زشت

حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرمایند: نُه چیز زشت است، اما از نه گروه سر بزند زشت‌تر: درماندگی و ناتوانی از دولتمردان، بخل از ثروتمندان، زودخشمی از دانشمندان، حرکات بچگانه از میانسالان، جدایی حاکمان از مردم، دروغ از قاضیان، بیماری کهنه از پزشکان، بدزبانی از زنان و سختگیری و ستمگری از سلاطین.

(دعائم‌الإسلام ج ۱، ص ۸۳)

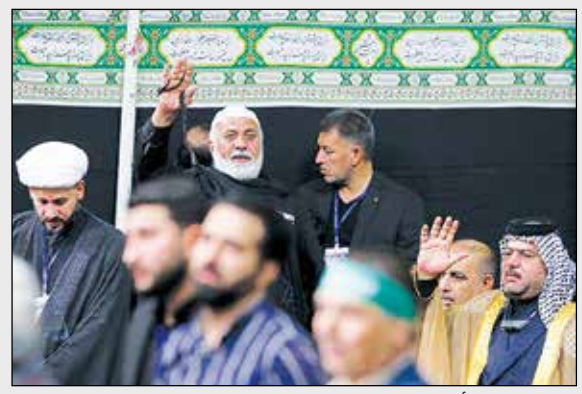

«جواد الأعرجی» که به‌عنوان اولین میهمان، در دیدار خدام اربعین حسینی با رهبر معظم انقلاب اسلامی به عنوان نماینده موکب‌داران نجف اشرف، ۱۲ دقیقه‌ای در حضور حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای صحبت کرد.

حاشیه‌ای از دیدار موکب‌داران عراقی با امام خامنه‌ای

شما پرچم را به امام زمان(ع) خواهید داد

ـ سخنان وی با چنان شور و حرارتی بیان شد که همه حضار در حسینیه امام خمینی(ره) را به وجد آورده بود و عده‌ای ناخودآگاه از گوشه و کنار، شعار می‌دادند و تکبیر می‌گفتند و با هر چند جمله‌اش، از عمق وجودشان، «لبیک یا خامنه‌ای» و «لبیک یا حسین» می‌گفتند.

ـ الأعرجی که فصاحت و بلاغت و علمش، بیانگر استادی و تسلطش بر شرع و شعر و ادب بود، طی همان چند دقیقه سخنرانی، تقریباً یک دور، تمام روایات مربوط به علائم ظهور مرتبط با ایران را مرور کرد.

ـ او ابتدا به این روایت رسول‌الله(ص) اشاره کرد که فرموده‌اند: عده‌ای از اصحاب پیامبر خدا(ص) پرسیدند این کسانی که قرآن به آنها اشاره کردند چه کسانی هستند؟ در این هنگام، حضرت با دست‌شان به روی ران پای سلمان فارسی زدند که در کنارشان نشسته بود و فرمودند: «اگر علم در ثریا باشد مردانی از سرزمین پارس به آن دست پیدا خواهند کرد.»

ـ الأعرجی سپس خطاب به رهبر انقلاب گفت: «منظور از قوم پارس، همین ملتی است که شما رهبری داهیانه ان را بر عهده دارید.»

ـ وی سپس با ذکر مصدر و منبع، به روایت مشهور به «کنوز طالقان» اشاره کرد که از امام صادق(ع) نقل شده که به نقل از پیامبر خدا(ص) فرمود: خدا را گنج‌هایی‌است در طالقان که نه از طلاست و نه از نقره و پرچمی که از آغاز تاکنون باز نشده و به اهتزاز در نیامده است. این خطه مردانی دارد که قلب‌های آنها مانند پاره‌های پولاد، محکم و نستوه است و نسبت به ذات مقدس خداوند، تردیدی در آن قلب‌ها ایجاد نمی‌شود، شدیدتر از آتشند و اگر بر کوه حمله‌ور شوند آن را از جای برمی‌کنند.

ـ الأعرجی ادامه داد: آن مردانی که از جنس پولاد هستند مردان سپاه شما هستند که به یاری امام عصر(عج) می‌شتابند.

ـ وی سپس به روایت «دو بار طلب حق توسط قوم خراسانی» اشاره کرد و گفت: «همه این روایت‌ها را به صورت مستند و با ذکر منبع می‌گویم تا در آن تردید نکنید. منظور از سیدخراسانی که قبل از ظهور خروج می‌کند شما هستید.»

ـ البته وی در این مورد، ادعا کرد که خرداد اولین بار طلب حق قوم خراسانی بوده و دوران دفاع مقدس که فرموده‌اند: بار دومی بود که ایرانیان این بار سلاح بر دوش گرفتند؛ اما قبول نکردند و پرچم را به امام زمان(عج) تحویل خواهند داد.

ـ وی سپس روایتی درباره کوفه خواند که به این نکته اشاره داشت که به ما شیعیان عراق اشاره دارد که به کمک شما می‌آییم و بر دشمنان پیروز می‌شویم.

الاعرجی در پایان سخنانش گفت: «ان‌شاءالله شما پرچم را تسلیم امام زمان(ع) خواهید کرد که در این هنگام حضرت آقا پشت میکروفون به آرامی گفتند: ان‌شاءالله.»

پژواک

استعداد و شهرت در فضای مجازی

محمدصالح نادری
کارشناس فناوری اطلاعات

سخن معروفی که دست کم یکبار به گوش همه ما خورده این است که «ایرانی‌ها در همه مسائل کارشناس هستند!» گویی ما متخصص همه امور هستیم و گفتن واژه نمی‌دانم برای‌مان سخت است؛ طوری که فکر می‌کنیم در یک مسابقه هستیم و هر واژه نمی‌دانم از امتیاز ما کم می‌کند! میل ما به اظهار نظر کردن در هر موضوعی واقعاً جالب توجه است. اکنون تصور کنید به جمعی با این ویژگی‌ها یک بلندگو، رسانه و مجالی برای حرف زدن داده نشود. امروزه شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌ای می‌باشند که به ارزان‌ترین شکل ممکن در اختیار هر فرد قرار می‌گیرند. اگر پنج سال پیش خبرگزاری‌ها، صدا و سیما و... ۵۰ سال پیش تنها رادیو و ۱۰۰ سال پیش فقط روزنامه‌ها محل انتشار تفکرات و حرف‌های منتقدان بودند، امروزه هر شخصی با هر سوادی و هر جایگاهی می‌تواند صدایش را بلند به گوش همه برساند؛ به ویژه اگر در بین مردم فردی معروف باشد که به او سلبریتی می‌گویند.

در این میان، شبکه‌های اجتماعی هزینه ارتباط با مردم را ارزان کرده‌اند و میل به اظهار نظر درباره هر موضوعی سبب شده است تا بازیگر و سلبریتی دست اول تا دست چندم، در هر موضوعی- چه مربوط و چه نامربوط- اظهار نظر کند. میل به دیده‌شدن آنها را به جایی رسانده است که میز صبحانه، نهار، شام، پارک رفتن، سفر رفتن و هر مسئله شخصی را در فضای مجازی انتشار می‌دهند. مرحله بعد اظهار نظرهای سیاسی و اجتماعی و... است؛ تا جایی که سلبریتی‌ای که حتی نمی‌تواند کلمه مدنی را درست تلفظ کند، به دنبال احقاق حق فعالان به اصطلاح مدنی است.

در این میان، سلبریتی‌های شناخته شده‌تری هستند که با استعداد خود معروف شده‌اند و نه تنها درباره هر موضوعی اظهار نظر نمی‌کنند، بلکه از شبکه‌های مجازی و اشتراک‌گذاری فعالیت‌های لحظه‌ای خود هم دوری می‌گزینند! اگرچه در بین سلبریتی‌های خارجی افراد بسیاری هم در شبکه‌های مجازی عضو هستند و لحظات‌شان را به اشتراک می‌گذارند؛ اما اظهار نظرهای نامربوط به حیطه خود در میان آنها کمتر دیده می‌شود و در واقع تمرکزشان بر کارشان است.

«جنیفر انیستون» یکی از بازیگران هالیوودی است که از فعالیت‌های مجازی کاملاً دوری می‌کند. او دلیل این کار را حفظ سلامت عقلی خود می‌داند! نگرانی از اینکه با رفتار و کنش‌ها در شبکه‌های مجازی کسی را ناراحت کند سبب شده است این بازیگر کاملاً از شبکه‌های مجازی دوری کند.

«بندیکت کامبریج» بازیگر سریال شرلوک هولمز نیز فعالیت در شبکه‌های مجازی را سبب تحلیل خود و مسموم شدنش می‌داند. این بازیگر در مصاحبه‌ای گفته است وقتش را صرف کاری می‌کند که توجه‌ها را به سوی او جلب می‌کند که همان هنرپیشگی است.

«کیت وینسلت» بازیگر هالیوودی که هیچ فعالیت مجازی ندارد، به تأثیرات مخرب شبکه‌های مجازی بر دختران اشاره می‌کند و می‌گوید این شبکه‌ها تصویری از زیبایی را ارائه می‌دهند که کاملاً دست‌نیافتنی است. «اما استون» هنرپیشه مطرح هم معتقد است فعالیت‌های مجازی به او چیزی اضافه نمی‌کند و خوش به حال مردم اگر می‌توانند این شبکه‌ها را تحمل کنند!

«اسکارت جوهانسون» گران‌قیمت‌ترین بازیگر زن دنیا معتقد است شبکه‌های مجازی پدیده‌هایی عجیب هستند که مردم تصاویر بی‌ارزش شام و نهار خود را در آن منتشر می‌کنند. او می‌گوید که نمی‌خواهد مردم جزئیات زندگی شخصی وی را بدانند.

«جورج کلونی» یکی دیگر از بازیگران گران قیمت دنیا معتقد است استعداد و مشهور بودن در شبکه‌های مجازی به یکدیگر وابسته نیستند. «دنیل رادکلیف بازیگر» مجموعه فیلم‌های هری پاتر درباره اینترنت و شبکه‌های مجازی گفته است که نیازی نمی‌بیند آنها را امتحان کند و هرگز برای استفاده این شبکه‌ها ثبات ذهنی نداشته است. شبکه‌های مجازی و وابستگی به آنها به حدی خطرناک شده است که مدتی قبل یکی از بازیگران هالیوودی که میلیون‌ها نفر دنبال‌کننده در صفحه شخصی خود داشت، این شبکه‌ها را به دلیل عامل ایجاد افسردگی پاک کرد.

با مقایسه رفتارها می‌توان گفت، حتی اگر سلبریتی‌های خارجی از شبکه‌های مجازی استفاده کنند، آن را فرصتی برای ارتباط با مخاطبان خود می‌دانند و کمتر سلبریتی خارجی‌ای پیدا می‌شود که صفحه شخصی‌اش مانند یک خبرگزاری مملو از اتفاقات سیاسی باشد، آن هم اتفاقاتی که فقط میان خودشان تأیید شده است!

تقویم انقلاب

یادی از روزهای سخت

سیدمهدی حسینی
کارشناس تاریخ

در آستانه شروع جنگ تحمیلی یاد می‌کنیم از روزهای سخت دفاع مقدس، از ۳۱ شهریور ۱۳۵۸ تا مهر ۱۳۶۰؛ یعنی سال اول جنگ که روزهای سخت هشت سال دفاع مقدس نامیده می‌شود. این مدت، حوادث و رویدادهای غم‌انگیزی را به دنبال داشت، با کمی تأمل به یاد آوریم هجوم سراسری ارتش متجاوز رژیم بعث عراق به مرزهای هوایی، زمینی و دریایی ایران، بمباران شهرها، خاموشی‌ها و شب‌های تاریک، آژیر خطر، خبر اشغال شهرهایی چون قصر شیرین، نفت شهر، سومار، مهران، دهلران بستان و غیره همچنین دفاع سرسختانه جوانان برومند و انقلابی مرزنشینان از شهرهای سرپل ذهاب، گیلان غرب، عشایر ایلام و به ویژه خرمشهر و سوسنگرد که در جلوگیری از سقوط اهواز و آبادان بسیار مؤثر بودند. در این میان آتش سنگین و سقوط موشک‌های ۹ متری روی شهر دزفول، نشستن پای صحبت‌های آوارگان و مهاجران جنگی، شنیدن جنایت متجاوزان رژیم بعث عراق و به اسارت گرفتن فرزندان خیلی جانسوز است. باید دشمن داخلی و ستون پنجمی‌های منافق و جنایت‌های پی در پی آنها را هم به مصیبت‌ها اضافه کنیم. در مدیریت جنگ، کسی به عنوان فرمانده کل قوا زمام امور را در اختیار داشت که به دلسوختگان و مدافعان مردم اهمیتی نمی‌داد و او معتقد به عملیات مدرن کلاسیک بود؛ چون نگاه به بیرون مرزها داشت. او به مجامع بین‌المللی و کشورهای خارجی، مذاکره، صلح و پایان جنگ امید داشت، به ظرفیت‌های داخل کشور هیچ بهایی نمی‌داد و همواره نهادهای انقلابی، جهاد سازندگی سپاه پاسداران، انجمن‌های اسلامی ارتش، بسیجی‌ها، عشایر، روحانیت، ستاد جنگ‌های نامنظم، حزب‌اللهی و نیروهای مردمی را مزاحم خود تلقی می‌کرد و در این رابطه پیوسته پروژه‌ای جنجالی را در دستور کار داشت. سخنرانی‌های تفرقه‌افکن و مأیوس‌کننده و تخریب شخصیت‌ها و نهادهای نظام نیز اعصاب مردم را خرد می‌کرد. به یاد داریم در ۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۹ در دانشگاه تهران چه غائله‌ای بر پا کرد. در همان روزها، رزمندگان جبهه و جنگ بدون اعتنا به او راه مقاومت خود را ادامه داده و عملیات‌های پارتیزانی و چریکی را هر شب علیه متجاوزان انجام می‌دادند. همچنین متجاوزان را مجبور به توقف کردند و در موضع انفعالی قرار دادند. نباید فراموش کرد که در این یک سال چه عناصر مبارز قوی، شجاع، توانمند، انقلابی و با سابقه‌ای شهید شدند؛ چهره‌های درخشانی مانند دکتر مصطفی چمران، اصغر وصالی، سعید گلابخش، معروف به محسن چریک، رستمی، حسین علم‌الهدی، غیور اصلی، علی قربانی و جمعی از دانشجویان پیرو خط امام که هر کدام وزنه‌ای برای نظام انقلاب و دفاع بودند. این مقاومت ادامه داشت و بنی‌صدر روز به روز رو به افول و حاشیه می‌رفت تا اینکه امام اختیار و فرماندهی کل قوا را از او گرفت و مجلس رأی به عدم کفایت سیاسی او داد. در این میان تحرکات در جبهه شتابی بی‌سابقه گرفت و منافقان به حمایت بنی‌صدر علیه نظام جمهوری اسلامی جنگی مسلحانه اعلام کردند. همچنین با طرح یک کودتا علیه نظام، ترور و حذف فیزیکی شخصیت‌ها را در دستور کارشان قرار دادند و با بمب‌گذاری، انفجار، ترور و آدم‌کشی‌های بسیاری در تابستان سال ۱۳۶۰ دست به کار شدند؛ اما نظام در برابر همه ضربات سنگین دشمنان داخلی و خارجی راست‌قامت ایستاد و مقاومت کرد. سپس چهره‌های جدید، مدیریت جنگ را در اختیار گرفتند، روند تحولات در مدار انقلاب گرفت و پیروزی جدیدی رقم زده شد.

کتیبه سبز

کربلا می‌خوانَدم

سیدحسن حسینی
شاعر

می‌روم مادر که اینک کربلا می‌خوانَدم
از دیار دور یار آشنا می‌خوانَدم
مهلت چون و چرایی نیست مادر، الوداع!
زان که آن جانانه بی‌چون و چرا می‌خواندم
وای من گر در طریق عشق کوتاهی کنم
خاصه وقتی یار با بانگ رسا می‌خواندم
بانگ «هل من ناصر» از کوی جماران می‌رسد
در طریق عاشقی روح خدا می‌خواندم
می‌روم آنجا که مشتاقانه با حلقوم خون
جاودانْ تاریخ‌ساز کربلا می‌خواندم
ذوالجناح رزم را گاه سحر زین می‌کنم
می‌روم آنجا که نای نینوا می‌خواندم
یا علی گویان سرود لاتَخَف سر می‌دهم
کز نجف آنک علیّ مرتضی می‌خواندم
هیمه سردم که کانون شرر می‌جویدم
آیه دردم که قانون شفا می‌خواندم
باطل‌السحر طلسمات شبان تیره‌ام
بامدادان آفتاب هر کجا می‌خواندم
من سرود سرخ ایثارم که با آهنگ غم
گور خاموش شهیدان بی‌صدا می‌خواندم
مطلع شعر بهارانم که در گوش چمن
هر سحر باد صبا تا انتها می‌خواندم
قصه خونین عشقم من که نسل عاشقان
بعد از این در برگ برگ لاله‌ها می‌خوانَدم

داغ‌های مجازی

از «هیکو» تا «آرامکو»

□ حمیدرضا حیدری/ هفته‌ای که گذشت شبکه‌های اجتماعی فضای داغی را تجربه کرد. مسائل زیادی در فضای مجازی مطرح شد که برخی از آنها در این نوشتار خواهد آمد.

■ هشتگ «آرامکو» یکی از هشتگ‌های داغ فضای مجازی بود. موضوعی که کم‌وبیش همه جهان را به خود درگیر کرد. از نظر کاربران ایرانی آرامکو و حادثه‌ای که برایش رقم خورد، نشانه اقتدار محور مقاومت در منطقه است. عربستان، آمریکا و رژیم صهیونیستی تمام تلاش‌شان را به کار بسته‌اند که بگویند حمله به آرامکو کار ایران بوده است و به این بهانه ایران را به جنگ تهدید کنند. هر چند سعودی‌ها تلاش می‌کنند آمریکا را به جنگ با ایران ترغیب کنند؛ اما آمریکا هدف دیگری را دنبال می‌کند. «عبدالله گنجی» در صفحه توئیترش نوشت: «هدف هارت و هورت آمریکایی‌ها بعد از ماجرای آرامکو مشخص شد. ترامپ دنبال این بود که چطور می‌شود از این ماجرا پول درآورد و رسماً هم گفت: اگر امنیت بیشتر می‌خواهید، باید پول بیشتری بدهید. حالا آورده‌اش برای آمریکا فروش موشک پاتریوت شد...»

■ داستان «هیکو» هم یکی از موضوعاتی بود که مورد توجه کاربران مجازی قرار گرفت. یکی از کاربران نوشت: «وقتی شفافیت نباشه خصوصی‌سازی یه جورایی ایجاد رانت می‌کنه، مثالش همین هیکو که وقتی مزایده گذاشتن، یه شرکت‌کننده داشته و مزایده رو همون یارو برده، جالب‌تر اینکه سهیلا جلودارزاده گفته مخالف شفافیت آرا هستم. ملت بدونید مخالفان شفافیت در ایجاد رانت و رانت‌خواری و ورشکستگی کار خانه‌ها سهیمند.»

قبیله عشق

حق دستور دادن به شما را ندارم!

«با کمترین امکانات مادی بهترین زندگی را شروع کردیم. حتی تا مدتی یخچال و گاز نداشتیم. همیشه در کارهای منزل کمک من بودند و هیچ گاه دستور نمی‌دادند و می‌گفتند: من حق دستور دادن به شما را ندارم. وقتی اولین فرزندمان به دنیا آمد، برای انتخاب اسم، قرآن را باز کرد، خواند و نام او را زهرا گذاشت. سفارش کرد اولین چیزی که به زهرا یاد می‌دهی نماز، تقوا و حجاب باشد.»

به نقل از همسر شهید علی‌اصغر منفرد

علی‌اصغر منفرد سال ۱۳۴۱ در روستای محمدآباد از توابع شهرستان مشهد دیده به جهان گشود. حدود پنج شش سال بیشتر نداشت که همراه برادرش به کاشی‌کاری می‌رفت. پس از فراگرفتن قرآن مجید به مدرسه رفت. علاوه بر درس خواندن به بنایی نیز می‌پرداخت. در همان نوجوانی در کارش یک استاد کار زبده و ماهر بود. از کودکی به مسائل مذهبی بسیار اهمیت می‌داد. تحصیل او در مقطع سوم متوسطه مقارن بود با روزهای اوج انقلاب که او به همراه چند تن از دوستانش در دبیرستان فرازی، حضوری جدی و فعال در راه‌پیمایی‌ها و تظاهرات داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سال ۱۳۵۸ در بسیج ثبت نام کرد و مشغول فعالیت شد. سال ۱۳۶۰ هم وارد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد.

پس از وارد شدن به سپاه، ابتدا در سمت مسئول تدارکات بسیج، سپس مسئول آموزش و نیز مسئول سازماندهی بسیج در شهر قاین قرار گرفت. مدّتی بعد معاون اطلاعات شد. شش ماه در جبهه حضور یافت و مسئول سازماندهی تیپ جوادالائمه شد. در عملیات «رمضان» سمت معاونت گردان را بر عهده داشت. پس از بازگشت از جبهه، شش ماه قائم مقام بسیج منطقه چهار شد. ۲۳ مهر ۱۳۶۱ با خانم ناهید محمّدقلی‌زاده طبسی ازدواج کرد. سال ۱۳۶۲ شش ماه به عنوان معاون بسیج کردستان بود. مسئولیت بسیج لشکر ۵ نصر را نیز عهده‌دار شد و هم‌زمان فرماندهی گردان عمار را نیز بر عهده گرفت. در عملیات بدر در جزیره مجنون به شدت مجروح شد و پس از انتقال به بیمارستان «گلستان» اهواز در ۲۴ اسفند ماه ۱۳۶۳ به فیض شهادت نایل آمد. پیکرش پس از تشییع در حرم رضوی به خاک سپرده شد.

آثار عاشورایی

بازخوانی روان یک مقتل معروف در «کتاب آه»

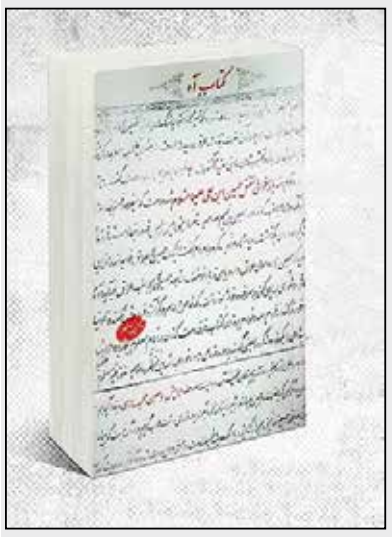

قدیمی‌ترین کتاب‌هایی که درباره واقعه عاشورا نوشته شده همین مقتل‌ها هستند که هنوز هم مشتری‌های پر و پا قرصی دارند؛ به ویژه آنها که می‌خواهند روایت‌های ناب و دست اولی از کربلا بخوانند، سعی می‌کنند پشتشان را به همین مقتل‌ها گرم کرده و روایت‌های سنددار را مطالعه کنند. معروف‌ترین مقتل به ویژه در میان هیئتی‌ها «لهوف» است؛ اما اگر به دنبال مقتلی خوش‌دست با زبانی روان و امروزی و البته سندیتی محکم هستید «کتاب آه» می‌تواند باب میلتان باشد. این کتاب حاصل بازخوانی و ویرایش مقتل «نفس‌المهموم» است؛ که بیشتر نقل‌های صحیح مقاتل و کتب تاریخ را در خود گرد آورده و جزءجزء حادثه شهادت امام حسین(ع) را از ۶ ماه پیش‌تر تا روز حادثه عاشورای حسینی ثبت کرده است. «نفس المهموم» بیش از ۵۰ سال پیش به فارسی ترجمه شده است. این کتاب نوشته شیخ عباس قمی است که به او لقب «خاتم المحدثین» داده‌اند. این شخصیت برجسته از محدثان پرکار قرن چهاردهم هجری است. در مقدمه این کتاب آمده است: «کتاب‌هایی که برای ارائه یک تصویر یا چند خط از یک نامه، کلی سلسله اسناد و توضیح و تحلیل و تعلیقه برای خواننده ردیف می‌کنند، هم به او اجازه نمی‌دهند کولاژ خود را خودش کامل کند و هم بعضی وقت‌ها حوصله‌اش را سر می‌برد که تا ته بخواندشان و از روی صفحاتی نخوانده نپرد. این طوری‌هاست که تا بوده کتاب‌های این چنینی قیافه‌های خشک و جدی داشته‌اند و مفروض خوانندگان این بوده که وصالی سخت و کند و دیر می‌دهند و ناخودآگاه ترسیده‌اند از اینکه سراغشان بروند. این شاید برجسته‌ترین دلیل ناشناخته ماندن کتاب‌هایی نظیر «نفس الهموم» است.» در این کتاب، بی‌آنکه نیازی به لغت‌نامه‌های عربی به فارسی یا فارسی کهن به فارسی امروزی داشته باشیم، می‌توانیم متوجه معانی شویم. کتاب، ساختار روایی منسجم و واحدی دارد و ساده روایت می‌کند. این سادگی و یک‌دستی به فهم آسان آن کمک کرده و خواننده را یاری می‌کند، تا تک‌تک حادثه‌ها را چون جورچین کنار هم بچیند و تصویر ذهنی‌اش را بی‌دغدغه و تکلف کامل کند.

نکته و نظر

اعتماد به یاری خداوند، از حرف تا عمل!

نکته: کوهنوردی به دنبال فتح بلندترین قله بود؛ اما از آنجا که آوازه فتح قله را تنها برای خود می‌خواست تصمیم گرفت به تنهایی از قله بالا برود. او شروع به بالا رفتن از قله کرد؛ اما دیر وقت بود و به جای چادر زدن همچنان به بالا رفتن ادامه داد، تا اینکه هوا تاریک تاریک شد؛ طوری که قادر به دیدن چیزی نبود. تنها چند قدمی با قله فاصله داشت که پایش لغزید و با شتاب تندی به پایین پرتاب شد. ناگهان درست در لحظه‌ای که مرگ خود را نزدیک می‌دید، حس کرد طنابی که به دور کمرش بسته شده، او را به شدت می‌کشد. میان آسمان و زمین معلق بود، فقط طناب بود که او را نگه داشته بود، در آن شرایط سخت از خداوند طلب کمک کرد.

ناگهان صدایی از دل آسمان پاسخ داد از من چه می‌خواهی؟
ـ خدایا نجاتم بده.
ـ آیا یقین داری که می‌توانم تو را نجات دهم؟
ـ بله باور دارم که می‌توانی.
ـ پس طنابی را به کمرت بسته شده قطع کن ...
کوهنورد که جرئت رها کردن طناب را نداشت طناب را رها نکرد.

فردای آن روز گروه نجات گزارش دادند جسد یخزده کوهنوردی در حالی پیدا شده که از طنابی آویزان بود و فقط چند قدم از سطح زمین فاصله داشت.

نظر: یکی از علل اصلی گرفتاری انسان‌ها این است که با وجود ایمان به قدرت پروردگار، آن طور که شایسته است در عمل به خداوند اعتماد واقعی ندارند؛ در حالی که بی‌تردید، هر کس به خدای مهربان اعتماد و توکل کند خداوند او را از گرفتاری‌ها و سختی‌ها نجات می‌دهد. نمونه عینی اعتماد راستین به خداوند را می‌توان در دفاع مقدس مشاهده کرد.

در حالی که دشمن با حمایت کشورهای ابرقدرت به پیشرفته‌ترین امکانات نظامی مجهز بود، در سوی دیگر میدان، سربازان حضرت روح‌الله در سخت‌ترین شرایط و با دستان خالی توانستند بر دشمنی پیروز شوند که سرمست قدرت بود، جنگ را شروع نکرده، خود را فاتح میدان می‌دانست. رمز پیروزی رزمندگان دفاع مقدس را می‌توان در اعتماد واقعی آنها به نصرت خداوند دانست؛ همان خدایی که آتش را بر ابراهیم خلیل‌الله به گلستان تبدیل کرد.

حسن ختام

بهای جان‌ها، تنها بهشت است

شما را خداوند از عرصه خونین کربلا جدا کرد و مصداق «و لکل قوم هاد» قرار داد. شما باید می‌ماندید تا پرچم امامت شیعه به زمین نخورد تا راوی رنج‌های دشت بلا باشید. شما باید می‌ماندید تا همچون حضرت آدم، حضرت یعقوب، حضرت یوسف و همچون مادرتان فاطمه زهرا(س) پاره تن پیامبر، یکی از بسیار گریه‌کنندگانی باشید که برای کبوتران و لاله‌های تکه‌تکه شده کربلا ناله سر دهید. شما باید می‌ماندید تا رسالت امامت و رهبری امت را در دورانی که حق و باطل در هم آمیخته شده بود و آب از سراب و سره از ناسره قابل شناخت نبود، به دوش بکشید.

آقا جان!

حقیقت عاشورای حسین(ع) با گریه‌های جدتان امام سجاد(ع) در تاریخ جاری شد. این قطره‌ها سیلی در عالم به پا کرد که هرکس بخواهد در مقابل استکبارهای جهانی بایستد، باید به این فرهنگ عاشورایی چنگ بزند؛ فرهنگی که باید در آن رخت سعادت بر تن کنی؛ رختی که تار و پودش را با ایثار، شهادت‌طلبی، ایستادگی، از خود گذشتگی و دل نبستن به دنیا بافته‌اند.

مولای من!

این فرهنگ عاشورایی است که امام زین‌العابدین(ع) با اشک‌های‌شان فریاد زدند: «انسان شهادت را می‌طلبد، ولی به زیر بار ذلت نمی‌رود.» از میوه‌های این اشک‌هاست که مسلمان حقیقی در زیر بار فشار حداکثری مستکبران جهانی کمر خم نمی‌کند؛ می‌ایستد چرا که ایستادن و شهادت، فرهنگ اهل بیت(ع) است. فرهنگی که در آن جایی برای دنیاپرستی و سازش با ظالم ندارد و این چنین است که امام سجاد(ع) می‌فرمایند: «ولا حرّ یدع هذه اللّماظة لأهلها فلیس لأنفسکم ثمن الّا الجنّة فلا تبیعوها بغیرها»؛ آیا آزادمردی نیست که این پس‌مانده دهان سگ(دنیا) را برای اهلش واگذارد، بهای جان‌های شما چیزی جز بهشت نیست، پس آن را جز با آن معامله نکنید.